

ش

۴۹

افضل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی | برای معلمان، مدرسان و دانشجویان
دوره پانزدهم | شماره ۱ | پاییز ۱۳۹۶ | ۸۰ صفحه | ۲۰۰۰۰ ریال | پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۰۹
www.roshdmag.ir

نگاره اصیل

خاستگاه هنر و هویت

زمزمه‌های

اهل هنر

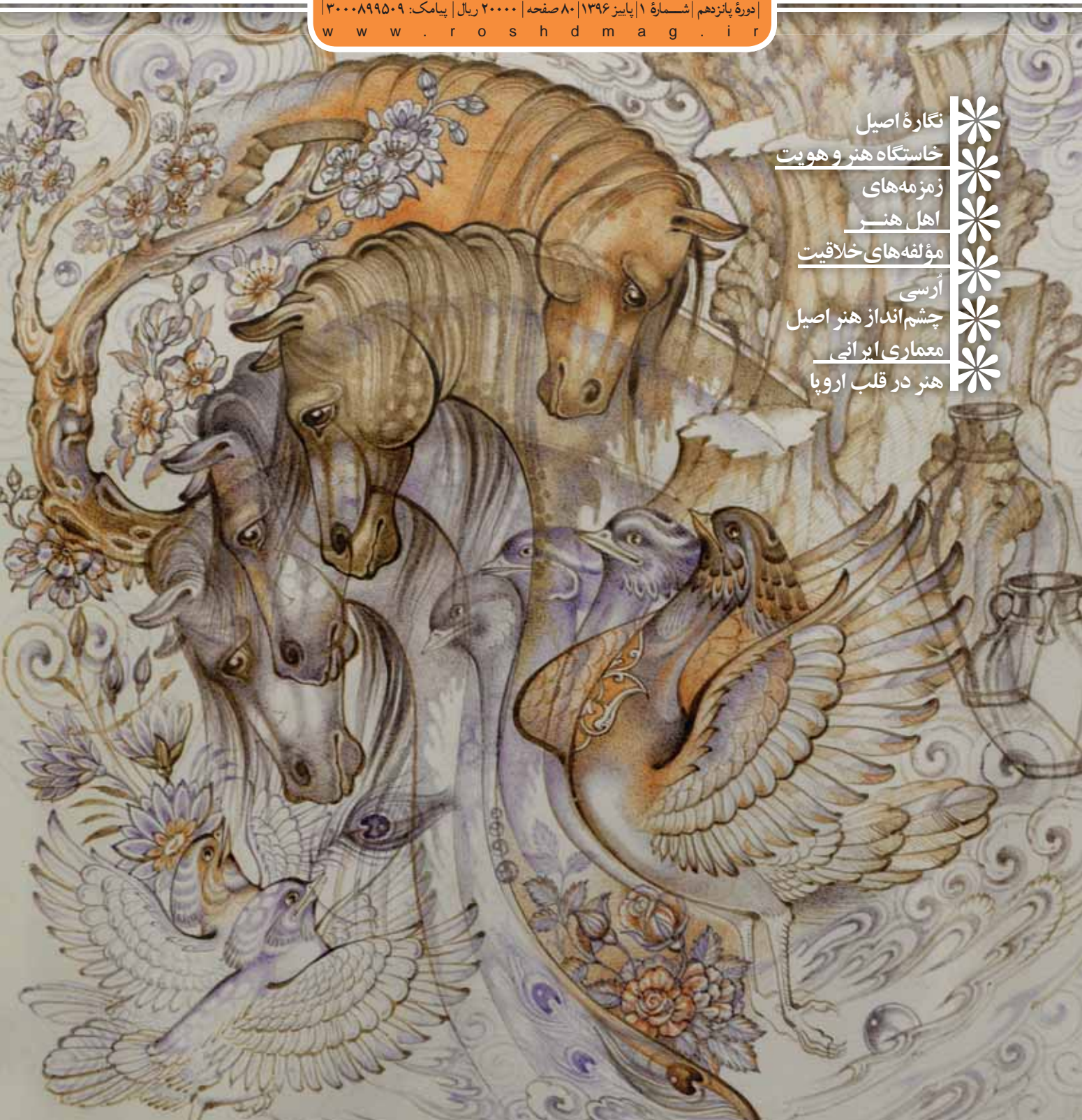
مؤلفه‌های خلاقیت

اُرسی

چشم‌انداز هنر اصیل

معماری ایرانی

هنر در قلب اروپا





ظرف سه پایه با تصویر اسب سواری، ظروف مینا، ایران مرکزی، دوره سلجوقی، اواخر قرن پنجم هجری، موزه هنر سینسیناتی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
شرکت افست

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: کاوه تیموری
مدیر داخلی: مارال یغماییان
هیئت تحریریه:
مرضیه پناهیان پور
علاءالدین کیلاشکی
مهدی الماسی
مجتبی بابائیان
حمید قاسم زادگان
محمود حاجی آقایی
مهسا قباپی
ویراستار: افسانه طباطبایی
طراح گرافیک: مجید کاظمی
طراح نشانه فصلنامه: کوروش پارسنازاد
طراح یونیفرم جلد: علیرضا پورحنیفه
عکاس: ابراهیم سیسان
نشانی دفتر مجله:

تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۶۵۸۵
تلفن ۹ ۱۱۶۱ ۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۴۱۱)
نمابر: ۰۱۹ ۸۸۴۹۰۱۰۹
وبگاه: www.roshdmag.ir
پيامک: ۰۸۹۹۵۰۹
roshdmag:
پيام نگار: honar@roshdmag.ir
تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۳
کد مشترکین: ۱۱۴
تلفن امور مشترکین:
۰۲۱ ۷۷۳۳۶۶۵۶ و ۷۷۳۳۶۶۵۵
شمارگان: ۴۰۰۰ نسخه

یادداشت سردبیر

گفت و گو

عکاسی

مقاله

گزارش

مقاله

گزارش

مقاله

گزارش

مقاله

معلمان هنرمند

گفت و گو

مکان های هنری

ابتکارات و شگردها در آموزش هنر / ۲

زمزمه های اهل هنر (گفت و گو با دبیران هنر خراسان رضوی) / کاوه تیموری / ۴

بعد از عکاسی / مهسا قباپی / ۲۰

مؤلفه های خلاقیت / تحلیل محتوای کتاب های فرهنگ و هنر متوسطه اول از نظر

بر خور داری از مؤلفه های خلاقیت / حمیدرضا جوکار، حمید بارانی / ۲۲

نگاره اصیل خاستگاه هنر و هویت (نگاهی به دهمین دوسالانه ملی نگارگری ایران) / ۳۰

خوشنویسی در کلاس / کاوه تیموری / ۳۴

هنر در قلب اروپا / رشد آموزش هنر / ۴۵

روشنایی سلجوقی / معرفی و تحلیل ساختاری وسایل روشنایی فلزی دوران سلجوقی با

تأکید بر آثار موزه های ایران باستان و لوور / امهران هوشیار، آریتا حسینی، سمانه ترکشوند / ۴۸

منار جام نماد ایستادگی هنر در آشوب های زمانه / محمد دشتی / ۵۲

اُرسی چشم انداز هنر اصیل معماری ایرانی / عاطفه معظمی، لیلا حسینی / ۵۹

معلمان هنرمند / ۶۸

هنر معلم هنر بودن / پای صحبت سیده شهناز واقفی نژاد / یاسمن رضائیان / ۷۰

بنا و کتیبه های باغ نگارستان / محمدعلی اشرافی / ۷۶

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مجله رشد آموزش هنر، آثار هنرمندان، استادان و صاحب نظران، به ویژه معلمان و مدرسان هنر و نیز، هنر جوین و دانشجویان رشته های هنری را که در نشریات عمومی منتشر نشده باشد، برای چاپ می پذیرد. ● مطالب ارسالی باید با اهداف کلان آموزش هنر در نظام آموزشی کشور هم خوان باشد و به حل مشکلات ریز و درشت آموزش هنر در مدارس و مراکز رسمی آموزش کمک کند. ● مطالب باید با خطی خوانا بر یک روی کاغذ نوشته شود و حاشیه صفحه و فاصله سطرها برای اعمال ویرایش مناسب باشد. ● حجم مقالات از ۱۵ صفحه دستنویس و ده صفحه حروف چینی شده بیشتر نباشد. ● اگر مطلبی، عکس یا تصویر و جدول و نمودار دارد، جای قرار گرفتن آن ها در حاشیه صفحات مشخص شود و تمام موارد به صورت لوح فشرده (با فرمت tif و jpeg و dpi حداقل سیصد) همراه متن فرستاده شود. ● کپی صفحات اصلی متن ترجمه ضمیمه شود تا در صورت لزوم، بررسی صحت ترجمه و همخوانی آن با متن اصلی ممکن باشد. ● اهداف مقاله و چکیده آن همراه پنج کلیدواژه در صفحه ای مجزا ضمیمه شود. ● معرفی کوتاه پدیدآورنده، همراه نشانی و مخصوصاً شماره تلفن او در برگه ای جدا پیوست باشد. ● پی نوشت ها و منابع باید کامل و شامل نام نویسنده، مترجم، نام کتاب، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره صفحه باشد. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است. ● مطالب چاپ شده، لزوماً بیانگر دیدگاه گردانندگان مجله نیست و مسئولیت پاسخ گویی، با پدیدآورنده است. ● دفتر مجله از نگهداری یا بازگرداندن مطالب رد شده، جز در موارد خاص، معذور است. ● ترتیب چاپ مطالب به معنای درجه بندی و ارزش گذاری نیست، بلکه بر حسب ملاحظات فنی و رعایت تناسب و تنوع است.



روی جلد: جلیل جوکار
دوسالانه نگارگری



ابتکارات و شوگردهادر

دانش‌آموزان شکل می‌دهد. برای نمونه تلفیق رنگ و هندسه نقوش و اجرای دلنشین آن‌ها بر کوزه‌های سفالی به تولید اثر هنری دل‌چسبی منجر شده که در بازارچه‌های هنری مورد استقبال خریداران قرار گرفته است. باید در اینجا آن همکار هنر را تحسین کنیم که می‌گفت: «زمان کم حوصلگی و بی‌قراری بچه‌ها به کار نمایش روی می‌آورم؛ زیرا اجرای نمایش جان تازه‌ای به کلاس می‌بخشد و دانش‌آموزان را از کسلی و رخوت و بی‌انگیزگی می‌رهاند». توجه دادن به طبیعت و لذت بردن از مظاهر بهار، تابستان، پاییز و زمستان نیز از تکنیک‌های اثرگذار آموزش هنری است. به باور یکی از دبیران هنر «بهترین زمان طراحی از درختان در زمستان است که می‌توان اسکلت آناتومی این مظهر زیبایی آفرینش را به‌خوبی به بچه‌ها شناساند». دبیران هنر می‌دانند که پیام اصلی درس هنر لذت بردن از هنر توسط معلم و دانش‌آموز است. به همین دلیل، در مدارسی که کارگاه هنر شکل گرفته، این کارگاه به محل دائمی برای تولید و نمایش آثار هنری دانش‌آموزان تبدیل شده است. چنین نمایشگاه‌هایی تکیه‌گاه خودباوری و کارآفرینی فرزندان ماست. معلم گران‌قدر هنر می‌داند که برای ایجاد بالندگی و شور و هیجان در کلاس می‌بایست پایه‌های دانش‌آموزان خودش تولید هنری داشته باشد؛ زیرا تجربه نشان

بیا تا قدر زیبایی بدانیم
به زیبایی غم از دل‌ها برانیم
بهار تعلیم و تربیت بر همه دبیران هنر و کلیه همکاران
ارجمند مبارک باد.

زبان هنر وسیله‌ای برای بیان زیبایی‌هاست. هر انسانی در هر رنگ و لباسی بنا بر فطرت نهانی خود با آن آشناست. بی‌دلیل نیست که وقتی پای هنر به میان می‌آید، تمام فاصله‌های نژادی و زبانی و مکانی جای خود را به فصل مشترک مؤلفه‌ها و مبانی هنری می‌دهد. ارج نهادن به این سرمایه معنوی وظیفه مهمی است که با دامن زدن به تعلیم و ترویج هنر تحقق می‌یابد. شکوفا کردن حس زیبایی‌شناسی و هنر در دانش‌آموزان گذرگاهی است که می‌تواند آنان را به رشد و شکوفایی رهنمون شود. بی‌دلیل نیست که یک دبیر هنر خراسانی می‌گفت: «تاکنون به هیچ دانش‌آموزی نمره کم ندادهام؛ زیرا بر این باورم که در تک‌تک دانش‌آموزانم هنر وجود دارد». همه ما به‌عنوان دبیران هنر به این نکته واقفیم که کاربرد شوگردها روش‌های مناسب آموزش هنر راه اصلی برای متجلی ساختن هنر دانش‌آموزان است. در خلال گفت‌وگو با دبیران هنر استان‌ها، مشخص می‌شود که این وظیفه مهم به‌خوبی برای آن‌ها جا افتاده است که کاربردی کردن هنر دنیای تازه‌ای را برای



آموزش هنر

سردبیر

در برقراری پیوند لازم بین دبیران هنر و انعکاس آن در مسابقات فرهنگی و هنری دانش‌آموزان درخور توجه خواهد بود. با حضور کارشناسان فرهنگ و هنر که خود از فارغ‌التحصیلان رشته‌های هنری و دبیران هستند، انجام دادن این کار امکان‌پذیر است و به‌طور حتم، تأثیرات مثبت آن می‌تواند تداوم چنین رخدادی را تضمین کند. رشد آموزش هنر نیز خود را در انعکاس چنین حرکتی متعهد می‌داند. راهی که دبیران هنر در پرورش حس هنری دانش‌آموزان در پیش دارند، آشنایی با «کلیت هنرها» ست. این نکته همان کارکرد کتاب‌های تازه‌درسی است که تنوع هنرها در آن‌ها رایج است. جاری‌ساختن روحیه و انعطاف هنری در بچه‌ها در واقع به ودیعه‌گذاشتن این حس و علاقهٔ ارجمند است که در زمان مناسب، فرصت و مجالی برای شکوفایی و بروز خواهد یافت. زمانی که هنرمندان مطرح از چگونگی بروز این حس به‌ودیعه‌گذاشته روایت می‌کنند، لحظهٔ بزرگی است؛ زیرا محقق هنر تازه ارزش کار معلم هنر را درک می‌کند. معلم عزیز هنر، بر تو درود و سپاس که اثر تربیت هنری‌ات بر دانش‌آموزان برون از ادراک و احساس و اوصاف است.

به قول مولانا:

غم تو خجسته بادا که غمی است جاودانی

نهم چنین غمی را به هزار شادمانی

داده است که به سبب ویژگی فرادرسی بودن هنر، تأثیرات خوشایند این تلاش‌ها در ذهن و ضمیر بچه‌ها ماندگار خواهد بود. در همین جا باید ایده‌های ارزشمند را مطرح کنیم و آن، تلاش برای جمع‌آوری شگردها، ابتکارات، دیدگاه‌ها و تجربه‌های دبیران هنر در قالب «برگزاری جشنواره آثار معلمان هنرمند» است؛ جشنواره‌ای که نقطهٔ عزیمت آن

می‌تواند با همکاری گروه‌های آموزشی هنر و حوزهٔ معاونت پرورشی و ادارهٔ کل فرهنگی و هنری شکل بگیرد. هر ساله مسابقات فرهنگی و هنری دانش‌آموزان در ده‌ها رشته برگزار می‌شود. دبیران هنر در بخش هنری این مسابقات نقش کلیدی دارند؛ زیرا با تلاش آن‌هاست که دانش‌آموزان برای حضور در این مسابقات آماده می‌شوند، اما حضور پشت صحنهٔ چنین رویداد مهمی مانع آن می‌شود که تلاش‌های دبیران انعکاس درخوری بیابد. به همین دلیل، برگزاری جشنواره آثار معلمان و دبیران هنرمند در قالب مسابقه یا نمایشگاه

گفت‌و‌گو با دبیران هنر خراسان رضوی



زمرمه‌های اهل هنر

اشاره

حضور در بین دبیران هنر نقاط مختلف کشور درس‌آموز، ایده‌آفرین و امیدبخش است و آموزش هنری را لذت‌بخش می‌کند. شنیدن دیدگاه‌ها و تجارب معلمان هنر و دشواری‌های آموزش هنر از زبان کسانی که به‌طور مستقیم موضوع را درک می‌کنند، دل‌چسب‌تر است. همگی به کار تدریس هنر و مشکلات و دشواری‌های آن واقفیم، اما نکته‌ای که از جمع‌بندی گپ‌و‌گفت‌های صمیمانه دریافت می‌شود این است که برای تدریس هنر پیچیدن نسخه‌ای واحد کارایی و کاربرد ندارد. گویی دبیر هنر خود هنرمند هنرپیشه‌ای است که فرایند تدریس را متناسب با موقعیت اقتضایی، سیال، روان و فعال می‌کند. او در صحنه آموزش نقش اول است

که می‌خواهد «تلاش و لذت» را با هم قرین کند. نکته جالب این است که در هر کلاسی از این سرزمین غرورآفرین راوی داستان هنر روایت خود را با شیدایی و شیوایی ویژه خویش به پرده تدریس درمی‌آورد و این تنوع و تفاوت، دلکشی و زیبایی هنر را دوچندان می‌کند. حدیث دیدار با دبیران هنر خراسان رضوی دربردارنده چنین تصاویر دل‌نشینی است. تصاویری که در آن گره خوردن روح لطیف و پراحساس دبیر هنر با زوایای ناشناخته ذهن دانش‌آموز نمود دیگری می‌یابد. افزون بر این موارد خواندنی، می‌توان شگردها، روش‌ها و تکنیک‌های معلمان را در فرایند تدریس هنر بازخوانی کرد و از آن‌ها نکات تازه و زنده‌ای را برداشت نمود. با هم این گفت‌و‌گویی صمیمانه را مرور می‌کنیم.



دبیران محترم هنر در استان خراسان رضوی، شهر مشهد، هستیم. در ابتدای سخن از تلاش‌های دوست ارجمند آقای ربانی، سرگروه هنر خراسان، تشکر می‌کنم. امیدوارم در خلال این هم‌اندیشی صمیمانه بتوانیم دورنمایی را که برای درس هنر در ذهن یکایک شما هست، ترسیم کنیم. هدف این است که دیگران را در این تجارب و دیدگاه‌ها سهیم و شریک کنیم و برای این کار تربیونی با عنوان مجله رشد آموزش هنر در اختیار داریم که یک رسانه کمک آموزشی است. در سه سال گذشته (۹۶-۹۳) هم اطلاع دارید کتاب‌های درسی دچار تغییر هویت جدی شدند و طبیعی است، کسی که کتاب را به شکل عملیاتی در کلاس اجرا می‌کند، جز دبیر محترم هنر نیست. دبیری که در کف کلاس با چالش‌های این درس روبه‌روست و بهتر از هر کسی می‌تواند تجربه به‌جان‌زیسته خود را در فرایند تدریس نقد کند. این نکته می‌تواند بعد اجتماعی پیدا کند و هم دبیران هنر در دیار خراسان از آن استفاده کنند و هم در چهار گوشه کشور، همکاران ما بتوانند از نکاتی که در ذهن شما می‌گذرد و با آن چالش داشته و برای آن راهکار معرفی کرده‌اید، استفاده کنند. بر این اساس، سعی کردیم در چارچوب کلی در استان‌های مختلف خدمت همکاران هنر برسیم و این مباحث را با هم مطرح کنیم. تا جایی که حافظه من یاری می‌کند، به سیستان و بلوچستان، یزد، آذربایجان غربی، بوشهر، همدان و قزوین رفته‌ایم و نکات بسیار خوبی به دست آورده‌ایم که آرام آرام در مجله از آن‌ها استفاده شده و بازخورد خوبی داشته است. بهتر از بنده می‌دانید هر اقلیم فرهنگی مختصات خود را دارد. مثلاً هنرمندی بسیار برجسته در عرصه خط و نقاشی خط به نام مرحوم رضا مافی داشتیم که مولود و برآمده محیط فرهنگی مشهد بود. او در گفت‌وگوها و مصاحبه‌های خود می‌گوید یکی از دل‌مشغولی‌های من مشق نظری و

برخورد مستقیم با کتیبه‌های آستان قدس و حرم رضوی بود. این‌ها به شکل تمایه‌هایی در ذهن افراد رسوخ می‌کند و این می‌شود که هنرمندانی مانند رضا مافی پرورش می‌یابند.

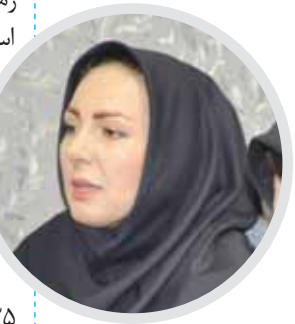
در اینجا به‌طور مشخص محور کلام را به شما می‌سپاریم. عرض من این است که شما با سه کتاب هفتم، هشتم و نهم درگیر هستید. از مدرسان هنرستان هم حضور دارند که در آنجا هنر را در قالب رشته‌های گرافیک و نقاشی داریم. عرض بنده این است که چالش‌هایی که در کتاب‌های درسی جدید داریم چیست؟ نقاط مثبت کتاب‌ها کدام است؟ برای درس گره چینی و ریتم چه ابتکارهایی به خرج داده‌اید؟ معلم محبوب هنر چه مؤلفه‌هایی را باید داشته باشد؟ این‌ها نکاتی قابل طرح است. اینکه شما بر بال داشته‌های سرزمین مشهد آموزش هنر را چطور برای دانش‌آموزان تسهیل می‌کنید؟

از گفتن دیدگاه‌ها و تجربه‌ها و خاطرات هنری دریغ نفرمایید. تأثیر آن‌ها را دیده‌ام و معتقدم که همکاران ما چون تجربه کرده‌اند؛ از همدیگر بهتر یاد می‌گیرند. با این فرض بسیار ساده می‌خواهیم در خدمت شما باشیم. آقای ربانی، لطفاً در آغاز از وضعیت هنر استان گزارشی بدهید.

✽ **سید علی اصغر ربانی** سرگروه فرهنگ و هنر استان خراسان رضوی هستیم. خیلی خوشحالم که افتخار داریم مسئولان یکی از تأثیرگذارترین مجلات آموزشی کشور را در جمع خود می‌بینیم. در گروه آموزشی استان به‌طور متوسط از ۴۷ منطقه‌ای که در استان خراسان رضوی داریم، معمولاً در خدمت حدود ۲۵ سرگروه هستیم. برخی از سرگروه‌ها با ۶ ساعت در هفته و برخی هم با مقدار بسیار کمتر و حتی برخی از عزیزان به ما لطف می‌کنند و به‌صورت افتخاری فعالیت‌های هنر را انجام می‌دهند. من معتقدم حداقل دو برابر چیزی که در ابلاغ هست، در منزل زحمت کارهای گروه آموزشی را می‌کشند و این بر کسی پوشیده نیست. همچنین، در جمع ما دبیران بزرگواری هستند که به انتخاب سرگروه‌های



ربانی: در برنامه‌امسال تأکید بیشتر بر کارگاه‌های آموزشی بود که توانمندسازی دبیر را در اولویت قرار دهیم و بتوانیم همکاران غیرتخصصی را که در این رشته همکاری می‌کنند، در این زمینه غنی سازیم



خوش صحبت:
مشکل بزرگی که
وجود دارد این است
که آموزش و پرورش
ایده‌ای را داده و
آن، این است که
مدیران و معاونان،
چه اجرایی و چه
آموزشی، سر
کلاس بروند. ۶
ساعت تدریس
داشته باشند.
متأسفانه این‌ها
خود کلاس‌های هنر
را گرفته‌اند. این
بزرگ‌ترین ضربه را
به دانش آموز می‌زند

نواحی و مناطقی که در خدمت آن‌ها هستیم، در زمینه آموزش هنر جزء بهترین‌ها هستند. فعالیت گروه فرهنگ و هنر معمولاً هر سال با رویکردهایی مرتبط با دبیرخانه و رویکردهای داخلی استانی برنامه‌ریزی می‌شود. در برنامه امسال تأکید بیشتر بر کارگاه‌های آموزشی بود که توانمندسازی دبیر را در اولویت قرار دهیم و بتوانیم همکاران غیر تخصصی را که در این رشته همکاری می‌کنند، در این زمینه غنی‌سازی کنیم. در کارگاه‌ها سعی شده است از استادانی استفاده شود که حرفشان برای آموزش به درد بخورد. از استادانی که برای برگزاری کارگاه دعوت می‌شدند می‌خواستیم محتوایی که آموزش می‌دهند متناسب با رویکرد کتاب و سن مخاطبان آن، یعنی دانش‌آموزان پایه‌های هفتم، هشتم و نهم باشد. از نظر آماری سال گذشته کارگاه‌های داخلی و استانی ما نزدیک به ۳۵ کارگاه شد و امسال این را به ۴۰ کارگاه رساندیم. البته هیچ‌گاه کیفیت را فدای تعداد نمی‌کنیم. امسال هم خوشبختانه با افزایش تعداد کارگاه‌ها مخصوصاً کارگاه‌های داخلی، مواجه بودیم. تمام بار زحمت این کارگاه‌ها به دوش سرگروه‌ها بوده است. کارگاه‌های ما به این شکل بود که ۸ عنوان را مدنظر داشتیم: هنرهای آوایی، هنرهای نمایشی، سوزن‌دوزی‌های سنتی ایران، عکاسی، طراحی سنتی، بنیان‌های هنری بر پایه خوشنویسی و نقد هنری که به همت دوستان برگزار شد. هر هفته کارگاه داشتیم. جالب است که همکاران علی‌رغم اینکه می‌گفتند فاصله زمانی بین کارگاه‌ها کم است ولی از آمار شرکت‌کننده‌ها می‌بینم ۴۰ درصد همکاران تخصصی و ۶۰ درصد همکاران غیر تخصصی در این کارگاه‌ها شرکت کرده‌اند.

آمار همکاران تخصصی مشخص است؟

رئیس: متأسفانه به‌طور دقیق نمی‌توانم بگویم اما حداقل این را می‌توانم بگویم که برخی از نواحی و مناطق ما نزدیک به ۱۷۰۰ تا ۱۸۰۰ ساعت نیاز به دبیر تخصصی هنر دارند و از آنجاکه این زمان الان پر شده، مطمئناً با دبیران غیر تخصصی پر شده است.

با توجه به جمعیت دانش‌آموزی خراسان رضوی، به‌عنوان مثال در پایه‌های هفتم، هشتم و نهم که مرکز و کانون اصلی

آموزش هنر است، ساعات تدریس برای این تعداد دانش‌آموز چه میزان است؟

رئیس: چیزی که من می‌بینم ۳۰ درصد ساعات تدریس را دبیران تخصصی و ۷۰ درصد ساعات را دبیران غیر تخصصی اداره می‌کنند. از میان دبیران غیر تخصصی ۲۰ درصد آن‌ها متخصص‌اند؛ یعنی مثلاً مدرک خوشنویسی دارند یا سال‌ها در زمینه هنر تدریس کرده‌اند و هنری هستند. اکثراً می‌گویند ما چیزی بلد نیستیم و چه چیزی باید بگوییم.

نظر خودتان به‌عنوان دبیر هنر درباره تألیف کتاب‌های جدید چیست؟

رئیس: اجازه دهید این را دوستان بگویند. من کلیت قلمرو هنری را که می‌بینم رویکرد خوبی است ولی باید ببینیم به چه شکلی اجرا می‌شود و چقدر زمان می‌برد تا همکاران با این کتاب‌ها بتوانند تدریس بهتری کنند.

چند سال سابقه دارید؟

رئیس: ۲۱ سال.

اگر نکته‌ای باقی‌مانده است بفرمایید.

رئیس: سال گذشته کاری را کلید زدیم مبنی بر اینکه دبیران علاقه‌مند را که در رشته‌های دیگر هستند، ساماندهی کنیم و کارگاه‌هایی را بگذارند و روش تدریس هنر را بشناسند که از سوی دبیران غیر تخصصی آسیب کمتری به فرایند تدریس وارد شود. بسیاری از کارگاه‌های ما تا اندازه‌ای خوب بود. فرصت داشتیم روی چند استاد فکر کنیم که تدریس کنند و در نهایت به این نتیجه برسیم که این استاد چون خود معلم است و مفهوم آموزش کلاسی را می‌داند، می‌تواند محتوایی به معلم ما تحویل دهد که واقعاً لازم است.

مریم خوش صحبت سرگروه هنر ناحیه ۴

هستم. پیرو صحبت‌های جناب رئیسی، ما در ناحیه ۴ که ناحیه خیلی گسترده و بزرگی در سطح مشهد است، متأسفانه ۸ نیروی خانم و ۱۰ نیروی آقا داریم که تخصصی هستند. ناحیه بزرگ ما دقیقاً روی نیروهای غیر تخصصی می‌چرخد. در این مورد اقداماتی انجام داده‌ایم، برای مثال، هر ماه سعی

کرده‌ام کارگاه آموزشی برای همکاران غیر تخصصی داشته باشم. مشکل بزرگی که وجود دارد این است که آموزش و پرورش ایده‌های را داده و آن، این است که مدیران و معاونان، چه اجرایی و چه آموزشی، سر کلاس بروند. ۶ ساعت تدریس داشته باشند. متأسفانه این‌ها خود کلاس‌های هنر را گرفته‌اند. این بزرگ‌ترین ضربه را به دانش‌آموز می‌زند. خوشحالی ما این بود که کتاب‌ها عوض شده و همانند قدیم تنها پیرو نقاشی و خوشنویسی نیست و هر سرفصلی در آن‌ها قرار گرفته است. از این موضوع خوشحال بودیم اما اکنون دبیر غیر تخصصی یا مدیر و یا معاون این کتاب را می‌گیرد و برای تدریس می‌رود. متأسفانه آموزش و پرورش کاستی‌هایی دارد که نمی‌دانم از کجا منشأ می‌گیرد. یکی از آن‌ها همین است. مدیر یا معاون هیچ‌گاه سر کارگاه‌های آموزشی من نمی‌آید. ولی دبیر غیر تخصصی سعی می‌کند خود را به روز کند و در کارگاه شرکت می‌کند. مدیر و معاون وقت این کار را ندارند. این مسئله بسیار مهمی است که می‌خواهم حتماً به مسئولان انعکاس داده شود.

در استان‌های دیگر هم این را شنیده بودیم. به نظر شما لذت‌بردن دانش‌آموزان از درس هنر باید بر اساس چه مؤلفه‌هایی باشد؟ اگر خاطره تربیتی خوبی هم دارید بفرمایید.

خوش صحبت بچه‌های الان همانند بچه‌های قدیم نیستند. آن‌ها ذهن‌های پر از خلاقیت دارند. در دنیای تخیل خود می‌چرخند و دوست دارند تخیل را به واقعیت تبدیل کنند. اگر بخواهیم بر اساس سرفصل‌های کتاب پیش برویم، بچه خسته می‌شود. او دوست ندارد چیزی را کپی کنید و به او بدهید و او هم کار را انجام دهد. دوست دارد آن کار هنری از ذهن خودش تراوش کند. من کارهایی کردم که آقای ربانی هم در جریان هستند.

گرایش هنری مورد علاقه خود را هم ذکر کنید.

خوش صحبت چون رشته‌ام هنرهای تجسمی بوده است، دوست دارم بچه‌ها هنر خود را کاربردی کنند. دانش‌آموز من در پایه نهم وقتی می‌خواهد دبیرستان یا هنرستان را انتخاب کند بداند که تا اندازه‌ای توانایی دارد که می‌تواند وارد هنرستان شود.

مقوله کارآفرینی برای دبیر هنر خیلی مهم است. مثلاً من کارهایی را با توجه به سرفصل‌های کتاب به بچه‌ها آموزش دادم که برای آن‌ها درآمدزا بود. در اسفندماه از آثار بچه‌ها نمایشگاهی برپا شد و کارهای هنری که آن‌ها انجام داده بودند، خرید و فروش شد. این فروش به بزرگ‌ترها بود. مثلاً درسی به نام هندسه نقوش در کتاب داریم. ترکیب رنگ را هم باید به دانش‌آموز آموزش دهیم. من این‌ها را تلفیق کردم که روی کوزه‌های سفالی خام ترسیم و رنگ آمیزی کنند. بچه‌ها هم هندسه نقوش هم رنگ‌شناسی و هم ترکیب رنگ را آموختند و هم اثری هنری (کوزه‌ای) را به بازار ارائه کردند که در نمایندگی سفال لالچین همانند آن کوزه ۷۰ هزار تومان قیمت دارد. وقتی بچه خودش کار را انجام می‌دهد، حس خلاقیتش هم تجلی می‌یابد. مثلاً در مقوله مینیاتور که مورد علاقه بچه‌هاست، وقتی می‌خواستم آموزش دهم گفتم کار خود را روی چوب ببنادزید و با سوخت روی چوب انجام دهید. تابلوهایی درست کردند که بعدها توانستند آن‌ها را بفروشند. منظور من این است که هنر و سرفصل‌های کتاب را طوری به بچه‌ها آموزش دهیم که بتوانند در آینده از آن‌ها استفاده کنند. یعنی بدانند دست‌های توانمندی دارند و می‌توانند از راه هنر جور خود را بکشند. این کتاب این اجازه را به ما می‌دهد. این کتاب فوق‌العاده است و هم در پایه‌های هفتم، هشتم و هم در پایه نهم این اجازه را به دبیر هنر می‌دهد، ولیکن دبیر تخصصی هنر خیلی کم داریم.

خاطره خوش آموزشی‌تان را برای ما بگویید.

خوش صحبت تمام روزهای ما خاطره است. مثلاً همین امروز بچه‌ها برای اینکه روز پایانی بود و بر اساس درس هنرهای آوایی تمرین کرده بودند، برای من ریتمی را زدند و ملودی را اجرا کردند که خودم حیرت کردم. یکی با مداد و دیگری با لیوان و دیگری با پشت قابلمه ... فیلم آن هم هست. خیلی جالب بود.

خاطره دیگری که می‌توانم بیان کنم این است که روزی دانش‌آموز من نزد من آمد و گفت من قبل از عید تبلت نداشتم و موبایل هم ندارم که استفاده کنم. به عبارتی، خانواده‌اش سطح پایین بود. کار سنبلاست (طراحی روی شیشه و آینه) که آموزش



بوستان چی می‌گوییم شاخه‌های درخت را با دست و در ذهن خود طراحی کنید و رنگ‌ها را ببینید. متأسفانه زندگی ما و جامعه ما طوری شده که ما طبیعت را نمی‌بینیم و از آن لذت نمی‌بریم

را پیدا کرد این بود که نسل امروز طبیعت را مورد توجه قرار داد و از بچه‌ها خواست که طبیعت زیبا را ببینند.

خودتان چه کردید؟

بوستان چی کاری که از دانش‌آموز می‌خواهم این است که مثلاً فقط به برگ‌های درختان نگاه کنند و از رنگ‌هایش لذت ببرند و در جلسه بعد به من بگویند چه نوع رنگ‌هایی را دیده‌اند. می‌گویم شاخه‌های درخت را با دست و در ذهن خود طراحی کنید و رنگ‌ها را ببینید. متأسفانه زندگی ما و جامعه ما طوری شده که ما طبیعت را نمی‌بینیم و از آن لذت نمی‌بریم. از دانش‌آموزان می‌خواهم در زمستان، که بهترین موقع برای طراحی درخت است این کار را انجام دهند.



برای اینکه آناتومی درخت را بشناسند؟

بوستان چی بله. چون در زمستان برگ درخت می‌ریزد و شاخه‌های آن کاملاً نمایان است. خود رنگ‌ها اعم از رنگ سرد و گرم را در این فصل به بچه‌ها آموزش می‌دهیم. وقتی بهار می‌شود، از بچه‌ها می‌خواهم بخش عکاسی را انجام دهند و برای تکلیف عید فقط از آن‌ها می‌خواهم که از برگ‌های کوچک و سبز برای من عکس بگیرند و بیاورند. از بچه‌ها می‌خواهم که با طبیعت ارتباط برقرار کنند و با آن حرف بزنند و برگ‌ها و رنگ‌ها را بشناسند. بعد از تعطیلات عید که بچه به کلاس می‌آید، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان او را سرکلاس نگاه داشت. شاید دبیران هنر بیشتر با این مسئله مواجه باشند. درس‌ها تمام شده و بچه خود در حال و هوای دیگری است. من معمولاً این قسمت را با تئاتر پیش می‌برم. شخصیت‌های مختلف اعم از پیرزن، پیرمرد، لوطی و غیره را کار می‌کنم. در قسمت‌های تقلید صدا سعی می‌کنم با بچه‌ها کار شود. سعی می‌کنم اولین چیزی که بچه‌ها از هنر می‌گیرند، لذت بردن باشد. از این درس لذت ببرند تا سال‌ها در ذهن آن‌ها تأثیرگذار باشد. بهترین خاطره‌ای که می‌توانم از دوران تدریس بگویم این است که دانش‌آموزانی دارم که مثلاً بعد از سال‌ها نزد من می‌آیند و می‌گویند دفتر نقاشی خود را نگه داشته‌اند. بعضی‌ها تنها چیزی که از دوران تحصیل خودشان دارند، دفتر نقاشی‌شان

دادیم، پدر این دانش‌آموز برایش آینه آورد و او کار سنبلاست انجام داد و این دانش‌آموز از طریق این کار یک لپ‌تاپ برای خود خریداری کرده بود. این امر آن قدر برای من خوشحال‌کننده بود که قابل‌وصف نیست.

بهاره بوستان چی، دبیر هنر خیلی خوشحالم از اینکه کتاب هنر تغییر کرد. خاطره‌ای که ما از کتاب هنر داریم، مربوط به دوران قبلی می‌شود که خودمان در حال تحصیل دبیرهای هنر هیچ‌کدام تخصصی نبودند و دبیران علوم و ریاضی برای اینکه ساعت‌هایشان پر شود سرکلاس می‌آمدند و به ما هنر درس می‌دادند و ساعتی طی می‌شد و ما هم خوشحال بودیم که در آن یک ساعت توی سروکله هم زده‌ایم. خود من چون در هنرستان تحصیل کرده‌ام و رشته گرافیک خوانده‌ام از اینکه می‌دیدم در هنرستان تلاش می‌کنیم و به ما نمره کم می‌دهند، خیلی ناراحت بودم. ساعت‌ها روی پوستر و آرم و بسته‌بندی و کارهای مختلف تمام تلاش خود را می‌کردیم اما موقع نمره دادن می‌گفتند ۲۰ مال شما نیست و مال استاد است. وقتی خودم معلم هنر شدم کاری که انجام دادم این بود که به هیچ دانش‌آموزی نمره کم ندهم؛ چون نظرم این است که هنر نمره ندارد و همه بچه‌ها ۲۰ هستند. هیچ دانش‌آموزی بدون هنر نیست و هنر در وجود هر فردی هست. خوشبختانه کتاب که تغییر کرد چیزی که ارزش واقعی خود

بوستان چی:
سعی می‌کنم
اولین چیزی که
بچه‌ها از هنر
می‌گیرند، لذت
بردن باشد. از
این درس لذت
ببرند تا سال‌ها
در ذهن آن‌ها
تأثیرگذار باشد

در کلاس من است. این واقعاً برای من جالب است.

هنر باید چه کرد؟

بوستان چی باید اول معلم را خلاق و تأمین کرد.

آیا کسی باید معلم را خلاق کند یا او خود باید در این راه قدم بردارد؟

بوستان چی تا زمانی که من شاد نباشم، چطور می توانم شادی را به بچه‌ها انتقال دهم؟ تا زمانی که من درگیر مشکلات خود باشم، چطور می توانم مشکل بچه‌ها را حل کنم؟ باید روی معلم کار کرد. باید از معلم‌هایی استفاده شود که این خلاقیت را دارند و خود می توانند این خلاقیت و شادی را به بچه‌ها منتقل کنند.

حسن کشاورز سرگروه هنر شهرستان

تربت حیدریه هستم. در ابتدا بگویم که درباره نکات اخلاقی و تربیتی قدری دغدغه دارم. مخصوصاً اخیراً که بحث تهاجم فرهنگی را داریم و همان طور که می دانید، این تهاجم فرهنگی بیشتر جلوه‌های هنری دارد، چه در مُد و چه در ویژگی‌های نقاشی و لباس‌هایی که می آید. من سعی می کنم به اخلاقیات گذشتگان اشاره کنم؛ مخصوصاً با استفاده از آثاری که از آنان به دست ما رسیده است. نکته بعدی که دغدغه همه همکاران بود و همه فرمودند، دبیران غیر تخصصی است. ما در منطقه تربت حیدریه ۱۲ دبیر تخصصی و ۶۸ دبیر غیر تخصصی داریم که ساعت تدریس خیلی از این‌ها دو ساعت است. نکته‌ای که در خیلی از دبیران غیر تخصصی شاهد هستیم این است که حتی ساعت هنر را تک ساعت می کنند. در این دو سال توانسته‌ایم این امر را به حداقل برسانیم. در سال گذشته حدود ۲۰ کارگاه برای همکاران گذاشته‌ایم که در آن‌ها از نیروی خود همکاران استفاده کرده بودیم.

این دو ساعت برای پر کردن برنامه است؟

کشاورز بله.

پس این دو ساعت تلف می شود

و بچه‌ها بهره‌ای از هنر نمی برند.

کشاورز خیلی از همکاران از این وضعیت

ناراحت هستند زیرا هر کسی که وارد گروه هنر شده لذت برده است. برای همین خیلی از افراد حسرت می خورند که ای کاش ما معلم هنر می بودیم. من دبیر زبان دارم که بیشتر وقت خود درس هنر گرفته است و می گوید تازه زندگی را می فهمم که باید چه جلوه‌هایی را نگاه کنیم و به چه چیزهایی برسیم.

آیا نمی توانیم برای دبیر

غیر تخصصی سقفی بگذاریم و حداقل ساعت تدریس را مثلاً ۶ ساعت اعلام کنیم. از این جهت که تحرک هنری داشته باشد.

کشاورز بخشنامه وزارتخانه باید باشد. من

سال گذشته تابستان را همراه آقای ربانی در اداره بوده‌ام. یک مسئله سپردن ساعات هنر به مدیران و معاونان بود. نکته دیگر این بود که اگر قرار است به همکاری ساعت هنر داده شود، ۶ ساعت کامل یا حداقل ۴ ساعت باشد. متأسفانه قبول نکردند تا ساعت اضافه کاری تولید نشود. حق التدریس نباید باشد. به همین علت به هر روشی این ساعت را تقسیم کردند. در استان‌های دیگر هم این مشکل وجود دارد. مورد بعدی که همکاران من اشاره کردند این است که با وجود زحماتی که همکاران می کشند، جایگاهی برای دیده شدن درس هنر وجود ندارد. دو سال است همکاران در بازارچه هنری کار می کنند اما به نام درس کار و فناوری شناخته می شود. چندین سال است که بر این مسئله تأکید می کنیم که بتوانیم المپیاد یا بازارچه ویژه درس هنر بگذاریم. اینکه آموزش مطالب کتاب در فرایند آموزش سخت است، خوبی‌اش این است که به رشته‌های مختلف پرداخته است؛ مخصوصاً به بخش صنایع دستی که برای درآمدزایی خیلی کاربرد دارد.

آیا اگر بخواهید جشنواره

تولیدات هنری دانش آموزان را برگزار کنید، برای این کار بنیه دارید؟

کشاورز بله حتماً. الآن در نقش برجسته

مس، که در کار و فناوری آمده است، بچه‌های هنر از ما کار می گیرند. طرح برای هنر است و قلم‌زنی برای هنر است. برخی از بچه‌ها می گویند آیا طرح



کشاورز: دو سال است همکاران در بازارچه هنری کار می کنند اما به نام درس کار و فناوری شناخته می شود. چندین سال است که بر این مسئله تأکید می کنیم که بتوانیم المپیاد یا بازارچه ویژه درس هنر بگذاریم



اکبرزاده: من هر سال سعی می‌کنم کار بچه‌های جدید را جای کار بچه‌های قبل بگذارم تا سال بعدی‌ها ببینند کار جدید انجام شده است. این بچه‌ها را سر ذوق و شوق می‌آورد که رشد را در کارگاه می‌بینند. شرایط کارگاه باعث می‌شود پیشرفت بچه‌ها بیشتر شود

زیباتر وجود ندارد؛ چون دبیران پرینت‌های گرافیکی می‌گیرند که هیچ آشنایی ندارند. سال گذشته من و سرگروه کار و فناوری نشستیم و طرح‌ها را آنالیز کردیم. گفتیم یا خط یا طرح‌های ایرانی بگذارید و اگر گرافیکی انتخاب می‌کنید، مربوط به سنت خودمان باشد. اگر جشنواره تولیدات هنری برگزار شود کار بزرگی خواهد بود.

به چه روشی می‌توان درس هنر را در مدرسه برای دانش‌آموزان لذت‌بخش کرد؟ این جشنواره ایده خوبی است. در منطقه استعداد زیادی وجود دارد و این قابل طرح در دفتر متوسطه است.

کشاورز مورد بعدی سایت گروه تألیفات هنر خیلی وقت است به روزرسانی نشده است. این سایت اداره کل است. الان بیشتر مراجعات ما به مجلات رشد هنر است. من خودم مجموعه‌ای از این مجلات را جمع‌آوری کرده‌ام و وقتی دبیران در زمینه‌ای دچار مشکل می‌شوند، این مجموعه را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهم. این مجلات در تدریس به کمک خیلی از دبیران آمده است. ای کاش سایت اداره کل به روزرسانی شود تا همکاران از این امر استفاده کنند. مورد بعدی وجود کارگاه هنر است. همان‌طور که همکاران فرمودند، دانش‌آموزی دارم که الان دانشگاه است ولی بازمی‌گردد و کارهایی را که در دوران دانش‌آموزی‌اش انجام داده، مطالبه می‌کند. حتی مجله را مطالبه می‌کند. حتی دانش‌آموزی دارم که کل هزینه تحصیل خود را از نقاشی‌هایش کسب کرده و الان لیسانسش را هم گرفته است. اگر درس هنر بخواهد نمود یابد، به دلیل جامعیت زیاد، توانایی این کار را دارد.

لطفاً در یک خط بگویید معلم محبوب هنر چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

کشاورز احساس را به دانش‌آموز القا کند و بفهماند. حس لذت را بفهمد و بفهماند.

قشنگ‌ترین خاطره شما در این چند سال چه بوده است؟

کشاورز بهترین خاطره‌ام متعلق به هفته

گذشته است. یکی از دو نفر دانش‌آموزی که کار سفال انجام می‌دادند، نزد من آمد و گفت: این دوست من می‌گوید این همه کار را انجام نمی‌دهد؛ باید چه کنم؟ از این دانش‌آموز تشکر کردم و گفتم دوستش را طوری هدایت کند که این کار را انجام دهد. چون قرار بر امتحان بود، آن‌ها دو تکه گل آورده بودند. این دانش‌آموز از صبح آمد و با تک تک دبیران صحبت کرد و اجازه آن دانش‌آموز را گرفت و او را به کارگاه برد و آن قدر با دوستش کار کرد که در نهایت توانست کارش را خوب در بیاورد. این تأثیر دانش‌آموزان روی هم برای من خیلی جالب است. من خودم از این امر لذت می‌برم.

مهناز اکبرزاده سرگروه هنر ناحیه ۲ آموزش و پرورش مشهد هستیم. من در دوره متوسطه اول تدریس می‌کنم. از تغییر کتاب راضی هستیم. هم تنوع مطالب در کتاب و هم به‌روزشدن باعث خوشحالی ماست. تنوع مطالب کتاب باعث شده است که خیلی از بچه‌ها علائق خود را پیدا کنند. کتاب قبلی این شرایط را نداشت. به‌روزشدن این باعث شده است که رشته‌هایی همانند عکاسی و گرافیک و موسیقی هم وارد شود و بچه‌ها بتوانند آن‌ها را انتخاب کنند.

کتاب نقاط قوت خوبی دارد ولی اگر نکته‌ای وجود دارد که جای آن خالی است، ذکر کنید.

اکبرزاده کتاب شرایط خوبی دارد. من ابتدا در رشته هنرهای تجسمی تحصیل می‌کردم و بعد تغییر رشته دادم و به گرافیک آمدم. بنابراین، در مباحثی توانمندتر شدم. در مباحثی همانند هنرهای آوایی احساس می‌کنم نیاز بود بیشتر کارگاه ارائه گردد و مطالب بهتر باز شود.

در هنرهای آوایی دست همکاران ما پر است؟

اکبرزاده من خودم با مدارسی درگیرم که کار کردن با دانش‌آموزانشان سخت است.

هنرهای نمایشی چگونه است؟

اکبرزاده هنرهای نمایشی خیلی خوب است. هم دست ما بازتر است و هم کتاب کمک‌آموزشی

برای آن زیاد است. هنرهای آوایی برای من خیلی سخت است. این کار در منطقه‌ای که من هستم و نزدیک حرم است، سخت‌تر است. با بچه‌های هفتم کار می‌کنم. در پایه هفتم بچه‌ها علاقه دارند اما کتاب مبحث هنرهای آوایی ندارد. با بچه‌های نهم می‌خواهم کار کنم ولی بچه‌ها از لذت کودکانه فاصله گرفته‌اند و حاضر نیستند دوباره برگردند. اگر این مبحث ریتمی داشت، بچه‌ها سعی می‌کردند باز ادامه دهند؛ درحالی‌که بچه‌های هفتم فوق‌العاده خوب کار می‌کنند. جای خالی هنرهای آوایی در کتاب هشتم دیده می‌شود. من فکر می‌کنم اگر کارگاه وجود داشته باشد خیلی خوب است. خودم دو سال در مدرسه‌ای بودم که چون تعداد دانش‌آموزانش در دو سال گذشته کم شده بود، به من کارگاه دادند. کلاسی به من دادند که مختص ساعت من بود و فوق‌العاده در رشد بچه‌ها تأثیر داشت. کلاس مال خود دانش‌آموزان است؛ در و دیوار آن با کارهای بچه‌های قبلی پر شده و این باعث می‌شود هم معلم راحت‌تر تدریس کند و هم دانش‌آموز راحت کار کند. نمونه کار دانش‌آموزان را به آن‌ها نشان می‌دهیم. در حد توان دانش‌آموزان هم هست که مباحث را از دیدگاه هم‌کلاسی و هم‌سن خود ببینند. رشد این‌ها خیلی زیاد است.

آیا نمایشگاه دائمی دارید؟

من هر سال سعی می‌کنم کار بچه‌های جدید را جای کار بچه‌های قبل بگذارم تا سال بعدی‌ها ببینند کار جدید انجام شده است. این بچه‌ها را سر ذوق و شوق می‌آورد که رشد را در کارگاه می‌بینند. شرایط کارگاه باعث می‌شود پیشرفت بچه‌ها بیشتر شود.

از منظر شما به‌عنوان دبیر هنر، منش بالا بیشتر اهمیت دارد یا تکنیک بالا؟

من دو مورد را توأم می‌بینم. اما فکر می‌کنم قدرت منش هنری بالاتر است. ما هم در برخورد آموزشی از دیگران یاد می‌گیریم و هم وقتی به بچه‌ها یاد می‌دهیم. در کلاسی که با ذوق و شوق و لذت می‌روید، بچه‌های بهتری تربیت می‌شوند. مطمئناً در مدرسه‌ای که با روحیه کسل وارد شوید، بچه‌ها رشد مدنظر را ندارند. خلاقیت هنری و فعال بودن در کلاس هنر خیلی تأثیرگذار

است. در کلاسی که بیشتر با بچه‌ها کار می‌کنم و میان آن‌ها می‌نشینم و پا به پایشان کار می‌کنم، بچه‌ها احساس می‌کنند می‌توانند مشکلات خود را راحت‌تر مطرح کنند. آن‌ها راحت‌تر ایراد کار خود را می‌گیرند.

آیا همراه بچه‌ها تولید هنری

می‌کنید؟

موضوع درس بچه‌ها را خودم هم یک نمونه کار می‌کنم.

اگر بخواهید نامه‌ای به دانش‌آموز

خود بنویسید و در آن اهمیت درس هنر را بازگو کنید، در جمله اول چه می‌نویسید؟

همیشه در کلاس‌های خودم این را می‌گویم «شاید تمام دروس می‌آیند و می‌روند و تنها درسی که در روح و ذهن دانش‌آموز باقی می‌ماند، هنر است».

واقعاً چنین است؟

بله. من خاطره‌ای دارم که آن را همیشه سر کلاس به دانش‌آموزان خود می‌گویم. به بانک رفته بودم که پرینت حسابم را بگیرم. قبل از اینکه متن تقاضایم را بنویسم، به من گفتند بروید و شنبه هفته دیگر بیایید. متن را که نوشتم، چون خط خوب و زیبا بود، همه آن را به هم نشان می‌دادند. در نهایت، رئیس بانک به من گفت پرینت را همین الان به شما می‌دهم. به بچه‌ها می‌گویم این همان است که شما متفاوت می‌کنند. دیدگاهی است که شما را از دیگران یک قدم جلوتر می‌برد. فرقی ندارد خط باشد یا، عکاسی، نقاشی و تصویرسازی. اینکه شما چیزی را ببینید که دیگران نمی‌بینند، یعنی شما یک قدم از دیگران جلوتر هستید و این ارزشمندترین چیز است. یکی از اتفاقات خوبی که افتاده، تغییر سر فصل‌های مسابقات امور تربیتی است. اینکه در کتاب خود بخش گرافیک داریم و در مسابقات مبحث «آرم» داریم، خیلی ارزشمند است ولی بچه‌ها یا همکاران این را خوب کار نمی‌کنند، چرا که همکار هنر در این اتفاق دیده نمی‌شود. همانند جریان کار و فناوری است؛ تمام زحمت را دبیر هنر می‌کشد ولی دیده نمی‌شود، در نهایت، اگر تعداد بالا باشد به مربی پرورشی تشویقی ابلاغ می‌شود. اگر قرار است اتفاقی بیفتد باید به معلم

اکبرزاده: به بچه‌ها می‌گویم این همان است که شما را متفاوت می‌کند. دیدگاهی است که شما را از دیگران یک قدم جلوتر می‌برد. فرقی ندارد خط باشد یا، عکاسی، نقاشی و تصویرسازی. اینکه شما چیزی را ببینید که دیگران نمی‌بینند، یعنی شما یک قدم از دیگران جلوتر هستید و این ارزشمندترین چیز است

سهمی که داده می‌شود، به معلم هنر است. سال گذشته فراخوان دادند و امتحان گرفتند و برای کل خراسان فقط یک معلم هنر می‌خواستند. آن هم سهمیهٔ بجنورد بود که هیچ ربطی به مشهد ندارد.

از تجربه‌های خود در کلاس بفرمایید.

رحیمی به منش معلمی خیلی اعتقاد دارم و بر آنم که معلم باید منش داشته باشد. زمانی در منطقهٔ پایین شهر مشهد کلاس داشتم؛ کلاسی که دانش‌آموزانش فوق‌العاده کنترل‌نشده بودند. همهٔ معلمان بی‌استثنا یک نفر را اخراج کرده بودند؛ اخراج یک ماهه و دو ماهه و یک روزه. اصلاً دانش‌آموزان سابقهٔ درگیری با معلمان هم داشتند. روزی که وارد کلاس شدم، دیدم سروصدا زیاد است. احساس کردم کسی پشت سرم دارد ادا درمی‌آورد. برگشتم و دیدم واقعاً چنین است. نمایندهٔ کلاس داشت این کار را می‌کرد. با خودم گفتم دو اتفاق می‌تواند بیفتد؛ یکی اینکه مانند بقیهٔ معلم‌ها دانش‌آموز را از کلاس بیرون بیندازم. دیگر اینکه برخوردی کنم که روی او تأثیر بگذارد. به ذهنم آمد که بگویم: آقای رحیمی، این کار شما خیلی عالی است و شما در حال اجرای پانومیم هستید. گفتم و دانش‌آموز از برخورد من تعجب کرد. بعد به او گفتم شما که این کار را بلدید و بچه‌ها از این هنر شما لذت می‌برند، برای ما هم اجرا کنید. گفت چه کنم؟ گفتم تصویری را می‌گویم و شما آن را برای من اجرا کنید. تصویر را تشریح کردم و گفتم فرض کنید زنبوری وارد یقهٔ لباستان شده است و از پاچهٔ شما خارج می‌شود، این را برای ما بازی کنید. شما ۲۰ می‌دهم. به جرئت می‌توانم بگویم که این یکی از خاطره‌انگیزترین کلاس‌های کل آموزش من بوده است. تا آخر سال هم من با آن کلاس مشکلی نداشتم.

تهرانی سید تکتم تهرانی هستیم، ۱۸ سال سابقهٔ تدریس دارم و در منطقهٔ رضویه، یکی از مناطق محروم استان خراسان رضوی و مشهد تدریس می‌کنم. از آقای ربانی تشکر می‌کنم که امسال سنگ تمام گذاشتند و با کارگاه‌های استانی که برگزار کردند به همکاران منطقهٔ رضویه انگیزه دادند. **آخرین کارگاهی که شرکت**

هنر هم اهمیت دهند. وقتی برای داوری می‌رویم، می‌بینیم که فقط مدارسی رتبه می‌آورند که دبیر هنر تخصصی داشته‌اند و او خوب کار کرده است. اگر می‌خواهیم همهٔ همکاران انگیزهٔ کار داشته باشند، باید در جایی از آن‌ها تشکر شود. فرقی ندارد؛ وقتی از یک بچهٔ دو ساله یا فردی نود ساله به خاطر کارش تشکر می‌کنید، او رشد می‌کند. این تشویق‌ها نیاز است.

سید فرید رحیمی پیگیری‌های آقای ربانی و آقای افشار باعث شد در هنر استان خراسان اتفاقات خوبی بیفتد. یکی این بود که جشنوارهٔ استانی را با عنوان «جشنوارهٔ دانش‌آموزی استان خراسان رضوی» دو سال است به صورت پیگیر برگزار می‌کنند. از آقای ربانی به دلیل برگزاری کارگاه‌های خوبی که برگزار می‌کنند هم تشکر می‌کنم.

الآن در چه ناحیه‌ای تدریس می‌کنید و چند سال سابقهٔ تدریس دارید؟
رحیمی در ناحیهٔ ۲ هستم و ۲۱ سال سابقهٔ تدریس دارم. به قسمت خوشنویسی که رشتهٔ خودم هم هست، نقد دارم. می‌توانست این قسمت در کتاب‌های هنر بهتر باشد. خط‌ها و نوشته‌هایی که در کتاب درسی وجود دارد، سیر خاصی را دنبال نمی‌کنند. وقتی کتاب جدید آمد، کیفیت کار خیلی مهم بود. روی کیفیت کار کردیم. قبلاً تمرکز روی نمرهٔ هنر و خط و نقاشی بود. کیفیت هنری که شامل خیلی چیزها می‌شود در کتاب جدید مدنظر بود و هدف‌گیری هم همین است. من نگاه می‌کنم که دانش‌آموز کلاس نهم چه تعریفی از هنر دارد و کیفیت کار به چه نتیجه‌ای رسیده است. احساس می‌کنم برخی مطالب کتاب پیوستگی خاصی ندارند.

یک نمونه را خانم اکبرزاده اشاره کرد که هنرهای آوایی در پایهٔ هشتم وجود ندارد.

رحیمی بله. با مسئلهٔ نبودن معلم هنر در مدارس هم واقعاً درگیر هستیم. اتفاق جالبی است که در نظام کل آموزش عالی افتاده، این است که تعداد زیادی مهندس کشاورزی و مهندس کامپیوتر داریم ولی در برخی رشته‌ها هیچ‌کسی را نداریم. به‌رحال، در آموزش و پرورش متأسفانه کمترین



رحیمی: به منش معلمی خیلی اعتقاد دارم و بر آنم که معلم باید منش داشته باشد

گردید چه بود؟

تهرانی هر کارگاهی که برگزار می‌شد، تأثیر خاص خود را داشت. اگر اشتباه نکنم آخرین کارگاه نقد و بررسی بود که ناحیه ۴ برگزار کرده بود. هر کدام از این کارگاه‌ها کاربرد خاصی داشت که به کتاب خودمان که باید تدریس می‌کردیم، برمی‌گشت. هضم این کار برای همکاران غیر تخصصی ما بهتر بود. مشکلی که ما در منطقه رضویه داریم، علاوه بر غیر تخصصی بودن همکارانمان که از همه‌جا بیشتر است، این است که دو خانم و ۴ آقای تخصصی در مدرسه هستیم و بقیه یعنی ۴۸- ۴۲ نفر غیر تخصصی هستند. از این تعداد، ۲۲ یا ۲۳ نفر مدیرند که به هیچ‌عنوان در کارگاه‌ها شرکت نمی‌کنند؛ چون مشغله فکری و کاری دارند. علاوه بر این‌ها چون منطقه محروم است و بعضی از بچه‌ها از روستاهای مختلف می‌آیند، حتی ابزاری که برای تدریس نیاز است، مثلاً مداد B6، وجود ندارد. حرف اول را بعد از خلاقیت دانش‌آموز ابزار می‌زند. قلمی که امسال گفتم بچه‌ها بگیرند، دزفولی بود که تعداد خیلی کمی آن را تهیه کردند. شاید در کل مدرسه و ۹ کلاس، ۴۰ نفر این مداد را تهیه کردند و بقیه خیزران گرفتند که کار کردن با آن دشوار است. برای بچه‌ها توضیح می‌دادم که علاوه بر کیفیت، دست‌هایشان هم برایم مهم است که می‌گویم قلم دزفولی تهیه کنند. می‌گفتم برگه‌های تبلیغاتی را جمع کنند و پشت آن بنویسند. درست است که به کیفیت گلاسه نمی‌رسد اما از برگه A4 که به سختی در آن نوشته می‌شود، بهتر است. به آن‌ها می‌گفتم خط شما خوب است اما چون ابزارتان خوب نیست، احساس می‌کنید خط خوبی ندارید. مورد بعدی این است که در سال ۱۳۹۱ من مدرک کارشناسی گرفتم و خیلی خوشحال بودم که یک کلاس همه تخصصی و بچه‌های تربیت‌معلم هستند. همان سال بچه‌ها رسمی شدند ولی متأسفانه همه جذب ابتدایی شدند. حتی یک نفر لیسانس تجسمی، فوق دیپلم گرافیک یا هنرهای تجسمی در رشته خود جذب نشد.

اجباری بود یا داوطلبانه رفتند؟

تهرانی همه به اجبار رفتند.

ما این همه خلأ دبیر تخصصی

هنر داریم!

تهرانی

جالب است که همه در رشته‌های دیگر پر شدند و همه در ناحیه افتادند و غیر تخصصی هستند.

شاید آن دبیر هم در آنجا دبیر

موفقی نشود.

تهرانی

دقیقاً. هنرجویی که هنرهای تجسمی خوانده، روز اول کلاس اول را تدریس کرده است. خودشان تعریف می‌کردند و می‌خندیدند که ما چیزی بلد نیستیم و این بچه‌های مردم همانند عروسک در دست ما هستند. تنها کاری که می‌کردند و اصولاً مدرسه و مدیر از آن خوشش می‌آید، در و دیوار را تزئین می‌کردند.

چند نمونه از ابتکارها و

روش‌های معلمی را که با آن‌ها فرایند هنر را برای دانش‌آموزان خود جذاب کرده‌اید بفرما بید.

تهرانی

بیشتر بحث کارآفرینی را برای بچه‌ها بر جسته می‌کنم، چون منطقه محروم است و این انگیزه‌ای قوی برای بچه‌هاست. والدین در اینجا بیشتر چوپان یا عشایر هستند.

منطقه رضویه در کجاست؟

تهرانی

جاده سرخس. تا انتهای خیابان، ناحیه ۵ مشهد است و بعد از آن، جاده سرخس و میامی و تپه سلام و جیم‌آباد حالت نیم‌دایره دارد که منطقه رضویه است. بچه‌ها کار با رنگ انجام داده بودند. دور تا دور کلاس نمایشگاه دائمی است و کارهای بچه‌ها وجود دارد. بچه‌های کلاس هفتم، هشتم و نهم می‌گفتند که مثلاً این کار فروشی است و آیا می‌توانیم سفارش دهیم؟ من هم کسی که آن کار را انجام داده بودم، معرفی می‌کردم و می‌گفتم سر قیمت با خودشان توافق کنید. کارهای دستی همچنین است. همکاران می‌گفتند تدریس کارآفرینی و درس‌های آن بیشتر به هنر بازمی‌گردد. مثلاً پایه کار نم‌د در هنر است. طرح‌های مربوط به درس کارآفرینی را ما به بچه‌ها می‌دادیم. این‌ها از ما طرح جاسوئیچی، دفتر و غیره می‌گرفتند و هر کاری که انجام می‌دادند را در کلاس به هم می‌فروختند و سفارش قبول می‌کردند و از پول آن ابزار تهیه



تهرانی: بیشتر
بحث کارآفرینی
را برای بچه‌ها
بر جسته می‌کنم،
چون منطقه
محروم است و
این انگیزه‌ای قوی
برای بچه‌هاست



افشاری: در واقع، مشکل اصلی درس هنر و مقوله هنر در آموزش و پرورش همین ناآشنایی معلمان و مسئولان در آموزش و پرورش با جایگاه هنر است و باید این را برطرف کرد

می کردند. باید نگاهی ویژه به مناطق محروم شود تا برای تهیه ابزار، از لحاظ مالی، حداقل حمایتی شوند. من به مدیر پیشنهاد دادم که یک فروشگاه دائم فرهنگ و هنر در مدرسه دایر کنیم. خیلی استقبال کردند ولی متأسفانه سرمایه نداشتند.

✳️ **احد رضا افشاری** کارشناس مسئول

فرهنگی هنری در حوزه معاونت پرورشی هستیم. به دلیل بحث‌های اداری و تعدد در کارشناسی‌ها سردرگمی‌هایی وجود دارد که بنده توضیح می‌دهم. در اینجا بیشتر درباره مشکلات تدریس درس فرهنگ و هنر در دوره متوسطه یک صحبت شد. اجازه دهید فراتر از این امر، با عنوان جایگاه هنر در آموزش و پرورش صحبت کنم. وضعیت هنر در آموزش و پرورش بد نیست. ضوابط و مقرراتی که در آموزش و پرورش وجود دارد اگر به درستی اجرا شود، جایگاه خوبی برای بحث هنر در آموزش و پرورش وجود دارد. این بیشتر به عملکرد ما برمی‌گردد که به عنوان مسئول، مدیر مدرسه، معلم و رئیس آموزش و پرورش به شکلی عمل کنیم که عملکردمان موجودیت و وضعیت درس هنر را تحت تأثیر مثبت قرار دهد. همه می‌دانیم که در سند تحول آموزش و پرورش، ساحت‌هایی برای تعلیم و تربیت تعریف شده است. اگر اشتباه نکنم ۶ ساحت تعلیم و تربیت داریم که یکی بحث علمی و فناوری است و مابقی به گونه‌ها و رشته‌هایی اختصاص دارد که متأسفانه در آموزش و پرورش به آن پرداخته نمی‌شود. یکی همین ساحت هنر و زیبایی‌شناسی است. در مدارس بیشتر به دنبال آموزش هستیم و دیدگاه هم درسی و آموزشی است؛ به جای اینکه در حوزه‌های دیگر کار شود. از دوره متوسطه اول و دوم به سمت کنکور پیش می‌رویم. همه چیز در حاشیه قرار می‌گیرد و کنکور اصل می‌شود. اگر در مدارس نه تنها هنر بلکه همه رشته‌ها به درستی کار شود، سند تحول هم به درستی جایگاه خود را در آموزش و پرورش کسب می‌کند. در واقع، مشکل اصلی درس هنر و مقوله هنر در آموزش و پرورش همین ناآشنایی معلمان و مسئولان در آموزش و پرورش با جایگاه هنر است و باید این را برطرف کرد. قانون و مقررات همه چیز را به درستی برای ما مشخص کرده است. در صحبت همکاران این مشکل همیشگی بی‌ارتباطی سازمان‌ها

و ارگان‌ها و بخش‌های مختلف آموزش و پرورش را دیدم. بحث آموزش هنر در حوزه اختیارات معاونت متوسطه قرار دارد. در صورتی که خیلی از فعالیت‌های خارج از آموزش در حوزه معاونت پرورشی تعریف می‌شود. کارشناسی فرهنگی - هنری و اداره فرهنگی - هنری که کار آن پرداختن به امور فرهنگی و هنری است، به لحاظ اداری فاصله زیادی با معاونت آموزشی دارد و هیچ‌گاه سعی نشده است این رابطه نزدیک و صمیمی باشد تا مشکلاتی که دوستان گفتند، حل شود. ما در معاونت پرورشی کار خود را انجام می‌دهیم و دوستان سر کلاس درس کار خود را انجام می‌دهند؛ در حالی که کار همه ما برای تحقق یک هدف واحد است. تا زمانی که هر کس راه خود را برود، به مقصود نخواهیم رسید. در بخشنامه‌ای که برای مسابقات فرهنگی - هنری به ادارات صادر می‌کنیم، گفتیم مدیر کارگروهی در مدرسه تشکیل دهد که یک نفر از اعضای آن حتماً دبیر هنر باشد. اگر مدیر به این بخشنامه عمل کند و کارگروه را تشکیل دهد، قطعاً ما موفق‌تر خواهیم شد. دو سال پیش با آقای ربانی به صورت مشترک کاری انجام دادیم و آن هم در حوزه نمایشنامه‌نویسی بود. در مسابقات بخشی به نام نمایشنامه‌نویسی نداریم. با رویکرد کتاب پایه هفتم بخش نمایشنامه‌نویسی را برگزار کردیم. در سال اول استقبال کم بود ولی امیدواریم این در سال‌های بعد استقبال بیشتری شود. هر چه با گروه‌های آموزشی ارتباط بیشتری داشته باشیم، هم دانش آموز و هم معلم نفع خواهد برد.

✳️ **چگونه در این فرایند تلاش**

دبیران هنر دیده می‌شود؟

✳️ **افشاری** برخی از همکاران داور مسابقات ما چه در مرحله اداره و چه در مرحله استان هستند. در خراسان سال گذشته برای اولین بار در کشور مسابقات معلمان هنرمند را برگزار کردیم. امسال هم فراخوان را آماده و نواقص سال گذشته را برطرف می‌کنیم. رشته‌هایی را اضافه کرده‌ایم. امیدواریم این کار به مرور در خراسان ادامه یابد. این خواسته و توقع معلمان است و کسی نمی‌تواند این را حذف کند. قطعاً باید به سمتی برویم که بقیه استان‌ها هم برگزار کنند. سال گذشته ۳۰۰ همکار شرکت کردند و حدود ۱۰۰ نفر تخصصی هنر بودند. سایرین دبیر دیگر رشته‌ها بودند؛ مثلاً دبیر فیزیک که عکاس

فوق‌العاده‌ای است. دنبال این رشته رفته و مدرک عکاسی دارد و کتاب چاپ کرده است. این‌ها باعث شد این افراد کشف شوند و از آن‌ها استفاده شود. جشنواره امسال با قوت بیشتری برگزار می‌شود و به فرایند جافتادن خود بحث هنر در آموزش و پرورش کمک خواهد کرد.

✳️ حامد نیرومند دبیر هنر شهرستان قوچان هستم. ساختار و چارچوب مورد نظر من در زمینه آسیب‌شناسی هنر در آموزش و پرورش است. در این زمینه چهار بخش کلی آسیب داریم: آسیب‌های نرم‌افزاری، سخت‌افزاری، نیروی انسانی، و خود دانش‌آموزان. در بخش نرم‌افزار کتاب فرهنگ و هنر را داریم که بعد از سال‌ها دچار تغییر شده و کم‌وکاستی‌هایی دارد اما متأسفانه دفتر تألیف قدری دیوارهایش بلند است و نمی‌خواهد نظرات همکاران را در سراسر کشور بپذیرد. هیچ‌گاه فراخوانی برای نظرسنجی از همکاران نداده است. بخش نرم‌افزاری، کتاب و تعداد کمی سی‌دی است که به ادارات ارسال شده و کتاب کار معلم و مجله رشد آموزش هنر. همه این‌ها از نظر تعداد محدود است و به دست بیشتر دبیران ما نمی‌رسد. آماري که از مجله آموزش هنر در شهرستان خودمان گرفته‌ام، نشان می‌دهد که فقط ۵ جلد وارد این شهرستان می‌شود؛ شهرستانی که جمعیت دانش‌آموزی نسبتاً زیاد و حدود ۴ هزار معلم دارد. ۵ جلد برای این جمعیت خیلی کم است. این ۵ جلد هم وارد انبار می‌شود. سی‌دی‌های مربوط به درس خودمان در انبار گوشه‌ای ریخته شده بود و روی آن‌ها نیز بار ریخته بودند. سیستم آموزش و پرورش دچار مشکلاتی است که این‌ها به دست همکاران نمی‌رسد. این بخش نرم‌افزاری ماست که مشکلاتی دارد. بخش سخت‌افزاری هم مشکلات زیادی دارد؛ از جمله کارگاه هنر که همکاران اشاره کردند. این میزها برای درس کارگاهی طراحی نشده است. این‌ها برای دانش‌آموزانی که مشکلات ستون فقرات دارند، مشکل‌زا هستند و اگر بخواهید روی آن‌ها خوشنویسی هم تدریس کنید، خودتان نتیجه را می‌دانید. آموزش خوشنویسی در کلاس ۴۰ نفره سخت است. ویدئو پروژکتورها به تعداد خیلی محدودی در مدارس وجود دارد. اگر هم باشد یک مورد در نمازخانه است. دبیر به خاطر اینکه ده دقیقه فیلم نشان دهد، باید نظم کلاس ۴۰ نفره را

به هم بزند. البته من مدارس خاص را جدا می‌کنم. بیشتر مدارس ما در فقر وسایل کمک‌آموزشی به سر می‌برند. ما از لحاظ سخت‌افزاری مشکلاتی داریم. شاید از نظر تخته و مسائل دیگر هم مشکلاتی وجود داشته باشد. بخش سوم این آسیب‌ها به نیروی انسانی برمی‌گردد. حدود ۳ میلیون دانش‌آموز در دوره متوسطه اول تحصیل می‌کنند. نصف این سه میلیون تا زمانی که این دوره را تمام می‌کنند، فکر نکنم دبیر تخصصی ببینند. شاید معلم پایه هفتم آن‌ها هنر تخصصی باشد.

✳️ نگاه شما متمرکز بر قوچان است؟

✳️ نیرومند من به‌واسطه عکاسی در شهرهای مختلف می‌چرخم و از مدارس اردبیل و تبریز و اهواز و آبادان و غیره بازدید کرده‌ام. مثلاً سرگروه هنر دزفول از دوستان من هستند. صحبت‌هایی خودمانی هم در تلگرام با این دوستان داشته‌ام. تقریباً در کل کشور همین است. البته مدارس خاص را باید مستثنی دانست. بحث نیروی انسانی به جایی می‌رسد که ما کارگاه‌ها و دوره‌های ضمن خدمت برگزار می‌کنیم که باز هم همکاران غیر تخصصی در آن‌ها شرکت نمی‌کنند. اگر هم شرکت کنند، آیا با ۲۰ جلسه کارگاه می‌توان از یک دبیر دینی و عربی یا دبیر ریاضی معلم هنر ساخت؟ همین معلمان هنری که داریم و دانش‌آموختگان تربیت‌معلم هستند، کتاب قبلی برایشان ملاک بوده است. در صورتی که تربیت‌معلم ما وسایل موسیقی داشت که همه را معدوم کردند. هیچ‌گاه یک دبیر ذوالفنون نمی‌شود که موسیقی بلد، تئاتر بلد، خوشنویسی بلد و ... باشد. این یکی از تناقض‌های کتاب است. معلم در نهایت می‌تواند اجتماعی را آموزش دهد چون خیلی از مباحث علوم انسانی است و می‌تواند بر کتاب تسلط پیدا کند. به این کتاب فرهنگ و هنر هیچ دبیری نمی‌تواند تسلط پیدا کند.

✳️ یعنی ما باید الان هنرمند معلم داشته باشیم یا معلم هنرمند؟

✳️ نیرومند دومی مسلم است. معلم هنرمند باید داشته باشیم. چون بحث آموزش متفاوت است.

✳️ این‌ها با هم جمع نمی‌شوند



نیرومند: آماري که از مجله آموزش هنر در شهرستان خودمان گرفته‌ام، نشان می‌دهد که فقط ۵ جلد وارد این شهرستان می‌شود؛ شهرستانی که جمعیت دانش‌آموزی نسبتاً زیاد و حدود ۴ هزار معلم دارد. ۵ جلد برای این جمعیت خیلی کم است

نیرومند: دوره ابتدایی و متوسطه اول در کشور ما آموزش عمومی هستند. در آنجا خیلی هم دنبال تخصص نیستیم. رویکرد نیز تربیت هنری است. تا ۱۵ سالگی چیزی که در تدریس هنر آمده تربیت هنری است؛ یعنی دانش آموزان را آشنا کنید

که من هم بر تجسمی و هم آوایی و هم خوشنویسی و نمایشی و غیره تسلط داشته باشم. چکار باید کرد؟

نیرومند منوط به این است که بر اساس بخش‌های کتاب ساعت تدریس هنر هم افزایش یابد و دبیران تخصصی مختلفی بیایند.

نیرومند ظرفیت خوبی داریم. زمانی دبیران می‌گفتند در یک ساعت چه کنیم. درسی همانند ریتم که یک درس تخصصی است، در ۲۰ دقیقه تدریس می‌شود. ۵ گروه از ۵ گوشه کشور در ۲۰ دقیقه این کار را کردند. داستان از اینجا شروع می‌شود که درس یکی است و تکرار هزارتا.

نیرومند برای وقت باید برنامه‌ریزی کرد.

نیرومند این چند کتاب در یک کتاب است.

نیرومند اشکالی که وجود دارد این است که آموزش عمومی را با آموزش تخصصی اشتباه گرفته‌ایم. دوره ابتدایی و متوسطه اول در کشور ما آموزش عمومی هستند. در آنجا خیلی هم دنبال تخصص نیستیم. رویکرد نیز تربیت هنری است. تا ۱۵ سالگی چیزی که در تدریس هنر آمده تربیت هنری است؛ یعنی دانش‌آموزان را آشنا کنید.

نیرومند در برنامه‌ای از من پرسیدند که در چند ماه می‌شود خوشنویس تربیت کرد. گفتم دنبال این نیستیم که خوشنویس حرفه‌ای تربیت کنیم؛ چون تربیت این افراد کار ساده‌ای نیست. دنبال این هستیم که افراد دو ماه یا سه ماه بیایند و لذت این کار را حس کنند و حس خوش‌زیبایی‌شناسی با این در طول مدت عمرشان باشد.

نیرومند شکی در صحبت شما نیست ولی کسی می‌تواند این کار را انجام دهد که به این کار تسلط داشته باشد. مثل نقاشی مدرن است که می‌گوییم هر وقت کلاسیک را آموختید، وارد مدرن شوید. اگر همکار تخصصی باشد و کتاب تخصصی باشد، می‌توان تربیت هنری را انجام داد. من همیشه در کلاس ضمن خدمت به همکاران می‌گویم لازم نیست هنرمند پرورش دهید؛ اگر هوش‌های نه‌گانه

بچه‌ها پرورش یابد و حواس پنج‌گانه‌شان قدرت بگیرد، برای ما کافی است. مسلماً دانش‌آموزی که امروز مداد رنگی را درست به دست بگیرد یا قیچی را به‌درستی در کاردستی به دست بگیرد، فردا اگر جراح شود تیغ جراحی را هم درست دست می‌گیرد یا اگر مهندس شود، لیزر را به‌درستی در دست می‌گیرد. هدف آموزش در دوره متوسطه اول بیشتر همین است. در کنار آن این چاشنی را داریم که هنرمند هم پرورش یابد و بچه‌ها به میراث فرهنگی خودمان علاقه‌مند شوند. خیلی از مشکلات ما با درس هنر حل می‌شود ولی متأسفانه به این درس کم‌محتبی می‌شود. بحث دانش‌آموزان هم چهارمین آسیب است که حدوداً سه میلیون نفر در این دوره درس می‌خوانند. این تعداد از قومیت‌ها و خانواده‌های مختلف با سطح فرهنگی و معیشتی مختلف‌اند. مشکلی که داریم این است که بخش زیادی از دانش‌آموزان مشکل معیشتی دارند و لوازم هنر را نمی‌توانند تهیه کنند. تهیه کردن وسایل برای برخی از خانواده‌ها واقعاً مشکل است. بخشی از این‌ها هم دچار مشکلات فرهنگی خاصی هستند. تک‌والد و اعتیاد و ... که همه در درس ما تأثیر دارد. بخشی هم مشکل کنکور است که آقای افشاری به آن اشاره کردند. جامعه ما به سمت تست‌زنی رفته و از دوره ابتدایی بچه‌ها را به کلاس تست می‌فرستند. در صورتی که در آموزش‌وپرورش کشورهای مختلف خوانده‌ایم و در دانشگاه‌ها مشاهده کرده‌ایم که درس هنر درس اصلی در دوره ابتدایی است؛ یعنی دانش‌آموز مجسمه‌سازی می‌کند و موسیقی کار می‌کند. یکی از اختلالات درس هنر در دوره متوسطه اول این است که زیرساخت آن در ابتدایی وجود ندارد. دانش‌آموزان می‌گویند در ابتدایی در درس هنر نقاشی می‌کشیده‌اند. حتی موضوع به این‌ها نمی‌دهند. تقریباً با دو تا سه هزار معلم ابتدایی کلاس ضمن خدمت داشتیم. این‌ها برای این به کلاس می‌آمدند که حضور بخورند و امتیاز ساعت ضمن خدمت را بگیرند. وقتی این‌ها را کنار هم می‌چینیم، سرخورده می‌شویم. من ده سال در مدارس خاص، اعم از تیزهوشان و نمونه، تدریس کردم و به تدریج مجبور شدم به حاشیه بیایم. اگر این معضلات از بالا مورد توجه قرار گیرد، موضع بهتر خواهد شد.

نیرومند کارگاه تخصصی هم یک محمل

مهم تربیتی است. بار دومی است که این را فریاد می‌زنیم. فرض این است که ما سخن‌ها را گفته‌ایم ولی چون شنیده نشده است باز باید گفت.

✳️ هادوی معصومه‌السادات هادوی. سرگروه ناحیه ۳ مشهد هستم و ۱۸ سال سابقه کار دارم. صحبت‌ها کامل بیان شد؛ تنها چیزی که من می‌توانم بیان کنم این است که هیچ‌کدام از مؤلفان کتاب هنر دبیر نبوده‌اند. در جلسه‌ای که در تهران برگزار شد و روی کتاب صحبت کردند، هیچ‌کدام از مؤلفان سرفصل‌های مختلف کتاب، با بچه‌های راهنمایی در ارتباط نبودند و از دغدغه‌های بچه‌ها و همکاران این دوره تحصیلی اطلاع نداشتند. با توجه به این امر، مطالبی که نوشته شده در بیشتر فصل‌ها سنگین است. آموزشی هم که داده شد، در برخی از کلاس‌ها برای ما لذت‌بخش نبود. این در حالی برای ما لذت‌بخش نبود که قرار بود ما از این افراد یاد بگیریم و آموخته‌هایمان به دانش‌آموزان انتقال دهیم.

✳️ چیزی که تولید کرده‌اند چطور است؟

✳️ هادوی از این لحاظ که کتاب عوض شد خوب است ولی اینکه بعضی از بخش‌ها ستاره‌دار شده و بخش‌های اختیاری وجود دارد، خوب نیست. درست است که هر دبیری نسبت به تخصصی که در هر زمینه دارد کار بیشتری در آن زمینه انجام می‌دهد ولی به نظر من همه زمینه‌ها برای بچه‌ها لازم است.

✳️ شاید مؤلفان هم وقوف داشته‌اند که وقتی ۱۸ هنر وارد کتاب شده است، نیروی انسانی هم وجود ندارد.

✳️ هادوی من می‌گویم این بخش‌ها برای بچه‌ها لازم است و نیاز نیست خیلی تخصصی انجام شود. بچه‌ها باید با برخی مفاهیم به صورت ابتدایی آشنا شوند.

✳️ ربانی شخصاً فکر می‌کنم که رویکرد کتاب که رویکرد خوبی هم هست، هنرپرور کردن و هنردوست کردن دانش‌آموزان است. به دانش‌آموزان این اندازه بیاموزیم که اگر در جایی آثار باستانی دیدند، روی آن‌ها یادگاری ننویسند. من به عنوان معلم فقط باید بتوانم در این سه سال به

دانش‌آموزان کلبیتی از هنرها را نشان دهم، شاید یکی از دانش‌آموزان دوست داشته باشد عکاس شود و الآن امکانات را نداشته باشد.

✳️ این به صورت ودیعه در ذهن او باقی می‌ماند. دنبال این نباشیم که نتیجه‌آنی بگیریم.

✳️ ربانی تلاش می‌کنیم به سیستم گذشته برویم و دانش‌آموزان خود را خوشنویس کنیم. دانش‌آموزان خود را عکاس کنیم. این واقعاً نمی‌شود و دانش‌آموزان و ما می‌شکنیم. یکی باید معلم و دیگری مهندس و دیگری هنرمند در رشته خاصی شود. بیشترین معضلی که همکاران دارند، این است که دوست دارند شاگردانشان هنرمند شوند. اگر به دانش‌آموزان کلید هنر را بدهیم و بگوییم این اتاق زیبا به نام هنر است، مطمئناً روزی از این کلید استفاده خواهند کرد.

✳️ خانم هادوی، لطفاً قدری از تجارب خود در کلاس بگویید.

✳️ هادوی من هم در روستا و هم در مدارس خاص تدریس کرده‌ام. ما به نسبت اینکه بچه‌ها کجا هستند، برخوردارند یا خیر و در چه سطح فرهنگی هستند، کلاس را شروع کرده و کار کرده‌ایم. مثلاً در روستا که بچه‌ها از نظر مالی ضعیف بودند، از چوب درخت زغال چوب درست کردند و با آن طراحی حیوانات اهلی را انجام دادیم. این کار به نمایشگاه خوبی هم تبدیل شد. سال اول تدریس بود و نمایشگاهی در یکی از روستاهای سبزوار برپا کردیم. خاطره خوب این عملکرد باعث شد که مرا با یک سال سابقه کار، به مشهد منتقل کردند. در مدارس تیزهوشان که عموماً بچه‌ها برای دکتر و مهندس شدن آماده می‌شوند، هنر خیلی مغفول است و از سوی کادر مدرسه هم فشار به سمت این رشته‌هاست. در آنجا که می‌دیدم علاقه بچه‌ها به زمینه علمی است، شخصیت‌های علمی مطرح دنیا را بچه‌ها انتخاب می‌کردند و چهره‌هایشان را آنالیز می‌کردیم. این برای بچه‌ها جذاب‌تر بود.

✳️ اسکندری عضو گروه هنر ناحیه پنج مشهد. گله و شکایت نمی‌کنم که چقدر نیروی تخصصی کم داریم؛ چون همکاران گفتند و حرف‌ها زده شد.



هادوی: مثلاً در روستا که بچه‌ها از نظر مالی ضعیف بودند، از چوب درخت زغال چوب درست کردند و با آن طراحی حیوانات اهلی را انجام دادیم. این کار به نمایشگاه خوبی هم تبدیل شد

شده بود. برای همه هم قابل استفاده بود.

❁ اگر خاطره خوشی در تدریس دارید بفرمایید. آیا فرصت شده است از سرمایه‌های سنتی ویژه خراسان استفاده کنید؟

❁ اسکندری در مدرسه‌ای که امسال هستم، از روستاهای مختلف دانش‌آموز داریم. از این دانش‌آموزان در طراحی استفاده می‌کنیم. همچنین، از بچه‌ها می‌خواهم از جایی که در آن هستند، تصویری طراحی کنند تا محیط زندگی خود را به بچه‌ها بشناسانند و توضیح دهند. بازارچه هنری در سطح ناحیه هفته پیش برگزار شد. در آنجا خانمی نزد من آمد و گفت من ۱۵ سال پیش شاگرد شما بودم. صحبت کردیم و فهمیدم تحصیلات خود را در مهندسی مکانیک ادامه داده و ازدواج کرده و راهی خارج از کشور است. وقتی دیدم این اندازه موفق شده است، خیلی خوشحال شدم. از کسانی بود که همیشه کارهایی را که از بچه‌ها می‌خواستیم، اول از همه انجام می‌داد. بسیار فعال بود.

❁ مرشدی دبیر هنر تبادکان هستم. از ابتدا کارم را از همین ناحیه محروم شروع کرده‌ام و هنوز هم همین‌جا خدمت می‌کنم. قسمت‌های زیادی از این ناحیه الآن جزء مشهد است. دیدگاه من هم مانند همکاران است. همه معلمان هنر باید هنرمند باشند. هم هنر را آموزش دهند و هم هنرمند باشند. بزرگ‌ترین حسنی که کتاب‌های جدید دارد این است که قبلاً من به‌عنوان معلم هنر باید با همه می‌جنگیدم تا چیزهایی را که لازم است سرکلاس تدریس کنم. الآن همان چیزها را تدریس می‌کنم و اگر به من بگویند چرا این‌ها را تدریس می‌کنید، می‌گویم در کتاب هست. این کار مرا راحت کرده است. من همانند همکاران که هرکدام در یکی دو شاخه هنری به معنای واقعی هنرمندند، نیستم ولی افتخارم این است که معلم هنر هستم. چیزی بیشتر از این ندارم. در زمینه هنر که تدریس می‌کنم، به چند جهت نگاه می‌کنم؛ یکی اینکه به جامعه روز توجه دارم و دغدغه‌های روز جامعه را می‌گویم. مثلاً وقتی بحث تبلیغات را در گرافیک می‌گویم یا مثلاً موسیقی را که کار می‌کنم موضوع را به حوزه موسیقی‌پژوهی می‌برم و بچه‌ها کارهای انصافاً خوبی انجام دادند. با توجه به تهاجم‌های فرهنگی



اگر همکاری چه تخصصی و چه غیرتخصصی هنر تدریس می‌کند، زمانی می‌تواند موفق باشد که آن را به‌صورت کاربردی درآورد. مثلاً قبل از عید که برای خرید مانتو رفته بودم، دیدم همه مانتوهای امسال دوخت سنتی دارند و قیمت‌هایشان از ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان است. دوخت‌های سنتی را که با شاگردانم کار می‌کردم، دیدم. امسال در مدرسه‌ای شبانه‌روزی در ناحیه پنج تدریس دارم که شاگردان بی‌سرپرست یا بدسرپرست‌اند و وضع مالی بدی دارند. از آن‌ها خواستم مانتوهای ارزان‌قیمتی را که تهیه کرده‌اند بیاورند. آن مانتوها را با این دوخت‌های سنتی کار کردیم و مدل امسال شدند. یکی از بچه‌ها می‌گفت من سه شال هرکدام به قیمت ده هزار تومان خریداری کردم. روی آن‌ها کار کردم و هرکدام را پانزده هزار تومان فروختم. او با آنچه در درس هنر آموخت، برای خودش ایجاد درآمد کرده بود.

❁ بر خورد بچه‌های بدسرپرست یا بی‌سرپرست در مقایسه با بچه‌های دیگر با هنر چطور است؟

❁ اسکندری به خاطر مشکلات خانوادگی که دارند تهیه ابزار برایشان سخت است، فکر می‌کنم به همین دلیل خود را با هنر بیگانه می‌دانند. من با این‌ها خیلی کنار می‌آیم. یکی از کارهایی که همکاران می‌توانند انجام دهند، کار روی مس است. به بچه‌ها گفتم روی آلومینیم کار کنند چون ارزان‌تر است. هر قطعه مس حدود دو هزار تومان هزینه داشت که آن‌ها همین را هم نداشتند. یکی از بچه‌ها تکه‌ای آلومینیم آورد و برای کل کلاس برش داد. جمعیت کلاس حدود ۱۵ نفر بود. کار بسیار زیبایی

اسکندری: به خاطر مشکلات خانوادگی که دارند تهیه ابزار برایشان سخت است، فکر می‌کنم به همین دلیل خود را با هنر بیگانه می‌دانند

من به عنوان معلم هم درس خود را می‌دهم و هم فضاهایی را برای بچه‌ها باز می‌کنم که اگر امروز نباشد پس زمینه ذهنی را برای این‌ها باز می‌کنم که روزی حرف‌های من دست آن‌ها را بگیرد. من تصویرسازی، نمایش، خوشنویسی، صنایع‌دستی، عکاسی و ... تدریس کرده‌ام. همانند آقای نیرومند عکاس حرفه‌ای نیستم اما به اندازه خودم به عنوان یک معلم می‌دانم که مثلاً عناصر بصری در یک عکس مؤثرند و سعی می‌کنم این‌ها را تدریس کنم تا وقتی بچه‌ها پشت دوربینی قرار می‌گیرند، بدانند چه چیزهایی را باید در محوطه دید خود قرار دهند. من این‌گونه به کتابم نگاه کرده‌ام.

✳ بحث ما این است که اگر دبیر هنر در یک رشته تخصصی باشد موفق‌تر است یا معلم هنری که از هر دری سخنی می‌گوید؟

✳ مرشدی فکر می‌کنم دبیر هنر درباره رشته‌هایی که در کتاب هنر بیان شده است باید اطلاعات کلی داشته باشد. من سعی می‌کنم دانش‌آموزان را به شکلی راهنمایی کنم که به ارزیابی صحیح توانمندی‌های آن‌ها کمک کند. همیشه به انتهای سال که می‌ رسم، والدین دانش‌آموزان را می‌خواهم و به آن‌ها در همان زمینه‌ای که فرزندانشان استعداد دارند، مشاوره می‌دهم. هیچ‌گاه بچه‌های خوبم را به هنرستان نفرستاده‌ام. آن‌ها را به رشته‌های ریاضی و تجربی می‌فرستم و در عین حال، در حد توان به پدر و مادر دستور کار می‌دهم تا آن‌ها نزد بهترین‌های رشته هنری مورد علاقه‌شان آموزش ببینند.

✳ کشاورز خیلی از همکاران زحمت می‌کشند و دیدگاه و علاقه بچه‌ها را درباره رشته‌های هنری بالا می‌برند اما در متوسطه دوم که بچه‌ها علاقه‌مند می‌شوند و می‌خواهند ادامه دهند، متأسفانه در فنی‌وحرفه‌ای رشته‌ای نداریم که پاسخگوی این دانش‌آموزان باشد. من از روزی که مدرس این درس شدم، به مسئولان اداره این را گوشزد کردم که در آینده، دانش‌آموزانی خواهید داشت که دوست دارند به رشته گره چینی و کاشی معرق بروند اما چنین هنرستانی وجود ندارد. نه تنها شهر ما در تربت حیدریه بلکه در خیلی از شهرستان‌ها دانش‌آموزانی که از

نظر درسی در سطح پایینی هستند، به هنرستان‌ها فرستاده می‌شوند. در برخی از شهرستان‌ها همانند سبزوار و نیشابور که تخصصی‌تر برخورد کرده‌اند، بچه‌های بهتری به هنرستان‌ها می‌روند. متأسفانه در شهرستان‌ها این بداقبالی را به رشته‌های هنر داریم.

✳ نیرومند خاطره‌ای به یادم آمد. روزی تلفن زنگ زد و کسی که خود را مدیر گروه گرافیک و تصویرسازی دانشگاه معرفی می‌کرد، از من درخواست همکاری نمود. گفتم برای من صرفه اقتصادی ندارد که حق‌التدریس دانشگاه باشم. این مدیر گروه طوری درخواست می‌کرد که من تعجب کردم. گفت که سال‌ها قبل دانش‌آموز من بوده و اکنون فوق‌لیسانس گرافیک است. من به واسطه درخواست‌های او چندساعتی در دانشگاه تدریس گرفتم. چون قدری با هنرهای مدرن آشنایی داشتم، در روستاها بچه‌ها را با توجه به تفکر خلاق به زمینه‌های هنرهای همانند لند آرت کشاندم. از مدرسه بیرون می‌زنیم و سنگ‌ها و برگ‌های درختان را دور هم می‌چینیم. چون منطقه قوچان برف‌خیز است، یکی دو ماه قبل از اینکه برف شروع شود، کفش‌هایی شبیه به پای حیوانات درست می‌کنیم و با آن‌ها روی برف راه می‌رویم. کارهایی هم در حوزه هنر سرزمینی انجام می‌دهیم. با شاخه و برگ درختان و سنگ کار می‌کنیم و برخی مواقع نمود بیرونی هم داشته است. مثلاً سنگ‌ریزه‌ها را به صورت مارپیچ و حلزونی دور هم چیدیم و بعدها بچه‌ها می‌گفتند حیاط خانه را که سیمان کردیم سنگ‌ریزه‌ها را در سیمان گذاشتیم و نقش زیبایی در حیاط خانه ایجاد شد. برای همین، تأکید دارم کتاب هنر دانش‌آموز شمال تهران با دانش‌آموز فلان روستای تربت یا اهواز قدری باید متفاوت باشد. مقداری باید به هنرهای ویژه روستاها پردازیم.

✳ بخش هنرهای استان از بخش‌هایی است که در دستور کار تألیف قرار گرفته است. شما صحبت آخر را بفرمایید.

✳ نیرومند غیر از هنر که تاج سر آفرینش است/ بنیاد هیچ منزلتی جاودانه نیست.

✳ از همه همکاران گرامی برای حضور صمیمانه در این میزگرد سپاسگزارم.

کشاورز: خیلی از همکاران زحمت می‌کشند و دیدگاه و علاقه بچه‌ها را درباره رشته‌های هنری بالا می‌برند اما در متوسطه دوم که بچه‌ها علاقه‌مند می‌شوند و می‌خواهند ادامه دهند، متأسفانه در فنی‌وحرفه‌ای رشته‌ای نداریم که پاسخگوی این دانش‌آموزان باشد



بعد از عکاسی

مهساقبایی

برخلاف تصور بعضی‌ها، وقتی شاتر دوربین را فشار می‌دهید و رها می‌کنید، کار عکاسی آغاز می‌شود. عکاسان همواره به دنبال راه‌هایی برای بهبود بخشیدن به کیفیت تصویر حاصل از عکاسی در هنگام چاپ یا قبل از آن بوده‌اند. امروزه امکانات نرم‌افزاری که عکاسی دیجیتال فراهم آورده، امکان این کار را صدچندان کرده است؛ چه در هنگام عکاسی چه بعد از آن. به‌ویژه با نرم‌افزارهای جدیدی که هر لحظه بر امکانات آن‌ها افزوده می‌شود.

چرخاندن عکس

گاهی پس از اینکه عکستان را می‌بینید، ممکن است فکر کنید اگر جهت تصویر عوض شود، ترکیب‌بندی بهتری خواهد داشت. برای این کار، دستور زیر را در فتوشاپ دنبال کنید.

Image>Rotate Canvas>Flip
Canvas Horizontal/Vertical

نکته: در این هنگام توجه داشته باشید که همه علائم و نوشته‌هایی که احتمالاً ممکن است در تصویر وجود داشته باشند، نیز برعکس خواهد شد.

خط افق تصویر کاملاً

افقی باشد

یکی از خطاهای رایج هنگام عکاسی مایل بودن خط افق است. برای

اندازه صفحه را

افزایش دهید

گاهی با اضافه کردن یک لبه چند سانتی‌متری سفید یا سیاه به لبه تصویر عکس بهتر دیده شود. برای این کار، دستور زیر را در فتوشاپ دنبال کنید.

Image>Canvas size

در پنجره‌ای که باز می‌شود، می‌توانید رنگ حاشیه‌ای را که اضافه می‌شود انتخاب کنید

ترکیب‌بندی در

کامپیوتر

بهتر است هنگام عکاسی بهترین ترکیب‌بندی و ترکیب رنگ را در قاب دوربینتان بگنجانید. با این حال، مواقعی پیش می‌آید که می‌توانید با دخالت‌هایی در عکس - بعد از عکاسی، یعنی زمانی که فرصت بیشتری برای فکر کردن دارید - کیفیت و زیبایی عکس را بهبود بخشید.

برش عکس

می‌توانید با استفاده از دستور برش در هنگام اسکن اسلاید یا چاپ، فضای تصویر را به میل خود تغییر دهید اما بهتر است عکس را با کادر کامل در رایانه داشته باشید و در مراحل بعدی، آن را برش بزنید.



تصحیح این امر، دستور زیر را در فتوشاپ دنبال کنید.

Image>Rotate Canvas>Arbitrary
به این ترتیب، می‌توانید تصویر را چند درجه در جهت عقربه‌های ساعت یا خلاف جهت آن حرکت دهید؛ تا هنگامی که خط افق کاملاً صاف شود. بدیهی است بعد از این تغییرات، عکس شما به برش مجدد نیاز خواهد داشت.

تصویری درون تصویری دیگر

ممکن است با نگاهی دقیق‌تر به عکس‌هایتان، تصاویر دیگری را نیز پیدا کنید که ترکیب‌بندی درخور توجهی داشته باشند. باز هم با برش تصویر می‌توانید به تصویری زیباتر و فکرشده‌تر دست پیدا کنید. نکته: همیشه یک کپی از اصل تصویر را نگه دارید.

برای این کار جسور باشید و از شکستن قوانین نترسید. حتی می‌توانید جهت عکس را کاملاً عوض کنید.

اگر فکر می‌کنید از یک تصویر افقی می‌توانید برش عمودی بهتری داشته باشید یا برعکس، حتماً این کار را امتحان کنید.

تنظیم درجات و منحنی‌ها

یکی از پرکاربردترین روش‌ها برای تنظیم درجه‌های رنگی و کنتراست تصاویر، تنظیم درجات و منحنی‌هاست. در بسیاری از اوقات با این مشکل روبه‌رو می‌شویم که رنگ تصاویر با آنچه مطلوب ماست تفاوت دارد. برای تصحیح این رنگ و کنتراست یا درخشندگی عکس می‌توانید دستور زیر را در فتوشاپ دنبال کنید.

یا Image>Adjustment>Levels
یا Image>Adjustment>Curves
یا Image>Adjustment>Color Balance

درجه وضوح بیشتر

تصاویر دیجیتالی این امکان را نیز فراهم می‌کنند که با دخالت در وضوح آن‌ها به کیفیت تصویر بیفزایید. فقط باید توجه داشته باشید که بیش‌ازاندازه از این ابزار استفاده نکنید؛ زیرا در این صورت تصویر دانه‌دانه خواهد شد.

برای تصحیح وضوح تصویر دستور زیر را در فتوشاپ دنبال کنید.

Filter>Sharpen>Unsharp Mask

خلق تصاویر پانوراما

یکی از تأثیرگذارترین شیوه‌های رسیدن به ترکیبات جدید، خلق تصاویر پانوراما از کنار هم قرار دادن چندین تصویر است. البته با برش دادن تصاویر نیز می‌توانید تصاویر پانورامیک عمودی یا افقی خلق کنید. تنها ضرر این کار، کوچک‌تر شدن تصویر خروجی است.

حذف عناصر ناخواسته

بعضی از عکاسان دست‌کاری بیش‌ازحد یک عکس را نوعی تقلب می‌دانند اما حذف عناصر کوچک ناخواسته در عکس به کمک ابزارهایی نظیر مَهْر آ یا چسب زخم، بسیار رایج است.

پی‌نوشت‌ها

1. Cropping
2. Clone stamp
3. Healing Brush tools

مؤلفه‌های خلاقیت

تحلیل محتوای کتاب‌های فرهنگ و هنر متوسطه
اول از نظر برخورداری از مؤلفه‌های خلاقیت از
دیدگاه گیلفور دویکار دز



حمیدرضا جوکار دانشجوی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی
دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

حمید بارانی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی
تربیتی دانشگاه شیراز

چکیده

خلاقیت یکی از موضوعات مهم تعلیم و تربیت امروزی است. از طرفی، هنر نیز تبلوری از حس زیبایی‌شناسی و خلاقیت‌های انسانی است که در خدمت انسان‌ها قرار می‌گیرد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی میزان محتوای کتاب‌های فرهنگ و هنر دوره متوسطه اول از نظر مؤلفه‌های خلاقیت بوده است. این پژوهش با رویکرد توصیفی و روش تحلیل محتوا و با استفاده از سیاهه‌های مؤلفه‌های گیلفور دویکار دز انجام گرفته است. نمونه و جامعه آماری، کتاب‌های فرهنگ و هنر پایه‌های هفتم، هشتم و نهم می‌باشد. واحد تحلیل، جملات و تصاویر موجود در کتاب بوده است. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، میزان فراوانی و درصد جملات و تصاویر مرتبط با مؤلفه‌های خلاقیت نشان می‌دهد که کل کتاب‌های فرهنگ و هنر دوره متوسطه اول در متون در حد ۲/۵۹ درصد و در تصاویر در حد ۲۶/۳۱ درصد به مؤلفه‌های خلاقیت توجه داشته‌اند که در مورد محتوای کتاب فرهنگ و هنر هفتم ۲/۴۸ درصد، در مورد محتوای کتاب فرهنگ و هنر هشتم ۲/۱۲ درصد و در مورد محتوای کتاب فرهنگ و هنر نهم ۳/۱۸ را شامل می‌شود. میزان توجه به مؤلفه‌های خلاقیت در تصاویر نیز در پایه‌های هفتم، هشتم و نهم به ترتیب ۳۲/۲۲، ۳۳/۶۶ و ۱۳/۰۶ بوده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، خلاقیت، دانش‌آموزان، کتاب‌های فرهنگ و هنر دوره متوسطه اول



تصویرسازی بر اثر همبستگی (باب دیلون): میلتون گلنر

مقدمه

در جهان کنونی با توجه به تحولات سریع و گسترده علوم و فناوری و ارتباطات و پیدایش مسائل و مشکلات نوین و همچنین ایجاد گسستگی میان موضوعات گذشته و امروز، دیگر آموزش و پرورش مبتنی بر حافظه و با محوریت انتقال علم و اطلاعات پاسخگوی نیازهای جدید بشر نخواهد بود. بی شک یکی از زیباترین ویژگی‌های انسان، قدرت آفرینندگی یا خلاقیت اوست. به کمک همین ویژگی است که انسان می‌تواند به اهداف آرمان‌گرایانه خود برسد و ایده‌ها، نظریه‌ها، بینش یا اشیای جدید و بدیع را تولید کند و به بازسازی مجدد در علوم و سایر زمینه‌هایی بپردازد که از نظر متخصصان ابتکاری و از نظر علمی، زیباشناسی، فناوری، اجتماعی بارزش تلقی گردد (حسینی، ۱۳۸۶). مسئله خلاقیت از منظرهای

مختلفی نگریسته شده است. خلاقیت به‌عنوان یک مسئله آموزشی و انگیزشی و به‌عنوان شرط بقا در عصر فراصنعت، مورد توجه محققان و برنامه‌ریزان جامعه قرار گرفته است. فرهنگ توصیفی انجمن روان‌شناسی آمریکا تفکر خلاق را «پردازش‌های ذهنی که به اختراع، رسیدن به راه‌حل یا ترکیبی نو در یک حوزه منجر می‌شود» تعریف کرده است. راه‌حل خلاق از اشیا یا اندیشه‌های موجود استفاده می‌کند ولی بین این عناصر رابطه‌ای جدید به‌وجود می‌آورد. روان‌شناسان و متخصصان علوم تربیتی در تعریف خلاقیت متفق‌القول نیستند و تعاریف متعددی از خلاقیت ذکر کرده‌اند که از میان آن‌ها تعریف گیلفورد و تورنس نسبتاً عملی‌تر به نظر می‌رسد. گیلفورد (۱۹۶۲)، به نقل از حسینی، (۱۳۸۵) خلاقیت را مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و توانایی‌های فردی

نتایج تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که کتاب درسی تأثیر مستقیمی بر جریان تدریس و یادگیری دارد. همان‌گونه که کتاب درسی مناسب می‌تواند جریان تدریس را تسهیل کند، کتاب دارای ابهام نیز در جریان آموزش و تدریس مانع فعالیت‌های آزاد و خلاقانه می‌شود

می‌داند که موجب تفکر خلاق می‌شود. گیلفورد خلاقیت را تفکر واگرا (یعنی تفکر از جهات مختلف برای دست یافتن به راه‌یافت‌های جدید برای مسائل) در حل مسئله تعریف می‌کند. به اعتقاد تورنس، خلاقیت یا تفکر خلاق عبارت از فرایند حس کردن مشکلات، مسائل و کمبودها و اختلاف‌نظرها درباره اطلاعات، عناصر ناپیدا و ناموفق و همچنین، به دست آوردن همه اطلاعات موجود با هم، جست‌وجو کردن راه‌حل‌ها، حدس زدن و فرضیه‌سازی درباره این نواقص، آزمودن این حدس‌ها و فرضیه‌ها و تجدیدنظر کردن دوباره و اصلاح آن‌ها و در نهایت، مرتبط ساختن نتایج است. به‌طور کلی، تورنس و گیلفورد خلاقیت را مرکب از چهار عامل اصلی می‌داند که عبارت‌اند از: سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری، و بسط. این عناصر با هم در تعادل و ارتباطند و بعدی خاص با عنوان خلاقیت را می‌سازد (حسینی، ۱۳۸۵). هیل ویل آموزش و تدریس را انعطاف‌پذیری خلاقانه شرح داده است؛ چراکه هنگام کار با دانش‌آموزان، هیچ دو گروهی از یادگیرندگان شبیه هم نیستند (به نقل از باران، ۲۰۱۱). ضروری است که معلمان داشتن طرز فکر خلاقانه را در کلاس‌های درس تشویق کنند. آن‌ها برای رسیدن به چنین هدفی بایستی خلاقیت و نوآوری را ارزشمند بدانند و به دانش‌آموزان امکان دهند که به ابراز هرگونه عقیده خلافی بپردازند. معلمان با ترویج خلاقیت می‌توانند فرصت‌هایی برای پیگیری کردن و کشف علایق و استعدادهای دانش‌آموزان فراهم آورند. کتاب درسی با دربرداشتن محتوای آموزشی، نقشی محوری در فرایند یاددهی-یادگیری دارد و به‌عنوان اصلی‌ترین منبع آموزش، در اختیار معلمان است. اهمیت کتاب درسی به‌عنوان عنصری اساسی در برنامه‌های درسی و وسیله‌ای که در صورت جذاب بودن، امکان یادگیری را افزایش می‌دهد، آشکارتر شده است (تورنس، ۱۳۷۲). در بررسی و تحلیل نظام‌مند فرایند یاددهی-یادگیری، کتاب درسی به‌عنوان یک زیر نظام برجسته، محتوای آموزشی پیش‌بینی‌شده را در مهم‌ترین شکل عرضه می‌نماید و در حقیقت، تکیه‌گاه معلم و دانش‌آموز برای یادگیری اثربخش است (گوتک، ۱۳۸۶). نتایج تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که کتاب درسی تأثیر مستقیمی بر جریان تدریس و یادگیری دارد. همان‌گونه که کتاب درسی مناسب می‌تواند جریان تدریس را تسهیل کند، کتاب دارای ابهام نیز در جریان آموزش و تدریس مانع فعالیت‌های آزاد و خلاقانه می‌شود (رانکو، ۲۰۰۷). تحقیقات نشان می‌دهد که در نظام آموزشی ایران کتاب درسی اصلی‌ترین جزء برنامه درسی، می‌باشد. چنانچه در یک نظام آموزشی کتاب درسی، تنها منبع تدریس باشد و از طرفی، در محتوای آن چیزی به‌عنوان شیوه‌های اندیشیدن یا پرورش خلاقیت منظور نشده باشد، مسلماً برای دانش‌آموز فرصتی فراهم نخواهد شد تا از چارچوب محدود آن یا فراتر گذارد و به‌دنیایی فراتر از محدوده تنگ برنامه درسی خود بیندیشد. تدریس تفکر خلاق، راهی مفید برای افزایش قابلیت ابتکار و خلاقیت است (اگوستوفرنند و همکاران، ۲۰۰۹).

مهم‌ترین مسئله در آموزش کودکان خلاق، استفاده از محتوای آموزشی مناسب و روش‌های گوناگون برای حل مسئله، مسئله‌یابی، خلاقیت و تفکر سازنده است. خلاقیت تبدیل ایده‌های جدید و تخیلی به واقعیت است. خلاقیت مستلزم دو فرایند است: اندیشیدن و تولید. نوآوری در تولید و یا پیاده‌سازی یک ایده است (قاسمی، ۱۳۸۸). از راهکارهای تربیت نسل جدیدی از انسان‌ها با ایده‌های خلاق، توجه به محتوای آموزشی کتب درسی با بار معنایی پرورش خلاقیت است. اگرچه مسائل متعددی؛ همچون کتاب، معلم، فضای آموزشی، روش آموزشی و موارد مشابه در امر خلاقیت مؤثرند، تحقیق‌های بسیاری در سطح جهان بر کتاب درسی و تأثیر آن بر خلاقیت شاگردان تأکید ورزیده‌اند (رنزولی، ۱۹۹۲؛ گوبینز، ۱۹۹۵؛ مللو، ۱۹۹۶؛ آنجلسکو، ۱۹۹۶؛ کرکا، ۱۹۹۹؛ به نقل از قاسمی، ۱۳۸۸). از میان کتب درسی تأثیرگذار بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان کتاب‌های درسی هنر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. هنر کمک می‌کند ذهن آدمی در فضایی آرام‌بخش و با آزادی سیر کند، کاوش و چیزهای جدید کشف کند و اندیشه‌هایی را بروز دهد که تجربه نشده‌اند. هنر به دانش‌آموزان می‌آموزد که مسائل می‌توانند بیش از یک راه‌حل داشته باشند و پرسش‌ها نیز می‌توانند بیش از یک پاسخ را به همراه داشته باشند. از طریق هنرها، این مفهوم دریافت می‌شود که کارهای خوب به شیوه‌های مختلفی قابل انجام‌اند (آیزنر، ۱۹۹۴).

در اهمیت درس هنر آیزنر (۱۹۹۴) یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای اصلاح واقعی نظام‌های آموزشی را تدارک جایگاهی معقول برای هنر در برنامه درسی می‌داند. گویی که آموزش هنر باید به بخشی اساسی از برنامه درسی مدارس مبدل شود و هنر در کنار مهارت‌های اساسی سه‌گانه (خواندن، نوشتن، حساب کردن) که به رسمیت شناخته شده‌اند، به‌عنوان چهارمین مهارت اساسی و پایه در برنامه درسی مورد تأکید قرار گیرد و بی‌مهری و انزوای تاریخی و سنتی از آن رخت بریند (مهر محمدی، ۱۳۸۳). یکی از اهداف مهم آموزش هنر پرورش استعدادهای کودکان و نوجوانان و کمک به رشد خلاقیت آن‌هاست. پرورش مفهوم خلاقیت و چگونگی پردازش آن در کتب درسی متعدد، به‌ویژه در درس هنر، اقدامی بنیادی و بسیار اساسی است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل محتوای کتاب فرهنگ و هنر پایه‌های هفتم، هشتم و نهم دوره اول متوسطه با توجه به مؤلفه‌های خلاقیت گیلفورد و بیکاردز و با هدف ارزیابی اهداف و محتوای این کتاب درسی انجام شده است.

پیشینه

از سال ۱۹۵۰، نقش تعلیم و تربیت در پرورش و شکوفایی خلاقیت مورد تأکید قرار گرفت و برنامه‌های متعدد بر اساس نظریه‌های مختلف و نیز روش‌های متعددی چون تکنیک‌های ذهن‌انگیزی، نقش بازی، روان‌درمانی، هنر درمانی، راهبرهای حل مسئله و روش‌های پرسش و پاسخ پیشنهاد شد (باران،

۲۰۱۱). ادراک هنرها و به کارگیری صحیح شیوه‌های تربیت هنری می‌تواند در توسعه نظام مدرسه‌ای و رشد شایسته کودکان مؤثر باشد. به عبارت دیگر، تربیت هنری به عنوان یک حوزه گسترده و پویا در شکل‌گیری فعالیت‌های آموزشی در یک نظام مدرسه‌ای می‌تواند آثار و نتایجی داشته باشد که شاید در کمتر حوزه‌ای از برنامه‌های درسی بتوان آن‌ها را یافت (آیزنر، ۱۹۹۴). ایوای (۲۰۰۳) در پژوهش مروری با عنوان «ملاحظات تربیت هنری در زندگی کودکان» در قالب گزارشی به یونسکو ارائه کرد، اشاره می‌کند که ارتباط هنر با تعلیم و تربیت از پنج دیدگاه قابل توجه است: رشد زیبایی‌شناختی، رشد اجتماعی-عاطفی، رشد اجتماعی-فرهنگی، رشد شناختی و پیشرفت تحصیلی. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که فعالیت‌های مناسب هنری نه تنها رشد زیبایی‌شناختی کودکان را بهبود می‌بخشد بلکه ارج‌گذاری آن‌ها به هنر را نیز تقویت می‌کند. کودکان در برنامه‌های نمایشی از طریق ایفای نقش و نوشتن داستان توانستند به دیدگاه‌های بهتری درباره خوداظهاری، پذیرش خود، پذیرش دیگران و خودآگاهی دست یابند. ساریرامان (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان «تطبيق برنامه درسی با محتوای خلاق»، با نظر خواهی از ۱۳۲ معلم دوره ابتدایی به این نتیجه رسید که بین برنامه درسی و محتوای خلاق و خلاقیت شکافی وجود دارد که باید در اصلاحات برنامه درسی چین مد نظر قرار گیرد.

با وجود اهمیت درس هنر در پرورش خلاقیت، پژوهش‌های انجام شده در حوزه خلاقیت و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی نظام آموزشی ایران، بیشتر در ارتباط با کتب دروس ریاضی یا علوم تجربی بوده و در تحلیل محتوای کتاب‌های هنری نیاز به تلاش بیشتری است. برای نمونه، در نتایج تحقیقی که توسط سلیمی (۱۳۹۲)، قاسمی (۱۳۸۸) و عیناوی (۱۳۸۳) با عنوان «بررسی کتاب‌های علوم تجربی راهنمایی بر اساس خلاقیت گیلفورد» انجام دادند، نشان داد که کتاب علوم دوم راهنمایی بیشتر بر سطح حافظه شناختی تأکید دارد و بین سطوح اعمال ذهنی گیلفورد تعادلی وجود ندارد. رحمتی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب فارسی پایه اول ابتدایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد» نتیجه گرفته است که در محتوای کتاب فارسی (بخوانیم و بنویسیم) پایه اول ابتدایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد به سطح تفکر واگرا کمتر توجه شده است. در پژوهشی دیگر، با عنوان «ارزشیابی محتوای کتاب علوم تجربی دوره راهنمایی از دیدگاه آموزش پلسک» منطقی (۱۳۹۱) نتیجه گرفت که بیشتر محتوای این دوره در سطح آمادگی، عملکرد مطلوبی دارند اما در سه سطح توسعه، تخیل و به ویژه به کارگیری در عمل به بازنگری نیازمندند. در تحقیقی دیگر که مهدوی پور (۱۳۸۷) با هدف تحلیل محتوای کتاب شیمی نظام جدید متوسطه از نظر تطبیق با عوامل خلاقیت گیلفورد و مهارت‌های حل مسئله انجام داد، نتیجه گرفته شد که پرسش‌ها، فکر کنید، سوالات و تکالیف

موجود در متن کتاب شیمی از نظر تطبیق با عوامل خلاقیت گیلفورد بیشتر به سطح حافظه شناختی تعلق دارد. عصاره (۱۳۹۲) نیز در تحقیقی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های علوم تجربی دوره راهنمایی با توجه مراحل و اصول آموزش خلاقیت پلسک» نتیجه گرفت میزان درگیری با شاخص‌های الگوی خلاقیت پلسک در کتاب‌های علوم تجربی دوره راهنمایی بسیار کم است. این کتاب‌ها بر اصول خلاقیت پلسک منطبق نیستند و کمتر می‌توانند در ایجاد و پرورش خلاقیت در یادگیرندگان مؤثر باشند. مزیدی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان برخورداری کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از مؤلفه خلاقیت» نتیجه گرفت که میزان توجه به خلاقیت در کتاب‌های اول و دوم ابتدایی در حد پایین‌تر از متوسط و در کتاب‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی بالاتر از متوسط است اما کتب مورد مطالعه از لحاظ توجه به مؤلفه‌های خلاقیت، به خصوص در بخش متن‌ها و تصاویر، به بازنگری و اصلاحات اساسی نیاز دارند.

همچنان که گفته شد، وی یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای اصلاح واقعی نظام‌های آموزشی را تدارک جایگاهی معقول و مناسب برای هنر و برنامه درسی مدارس می‌داند (مهرمحمدی، ۱۳۸۳). بنابراین، از آنجایی که کتاب فرهنگ و هنر دوره متوسطه اول می‌تواند وسیله و عامل مؤثری در تحقق پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان باشد، این پژوهش قصد دارد با تحلیل محتوای این کتاب به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

سوالات تحقیق

- آیا متن کتاب هنر و تمدن پایه‌های هفتم، هشتم و نهم متوسطه اول از مؤلفه خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز برخوردار است؟
- آیا تصاویر کتاب هنر و تمدن پایه‌های هفتم، هشتم و نهم متوسطه اول از مؤلفه خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز برخوردار است؟

روش

در تحقیق حاضر با توجه به اینکه محقق قصد داشته مؤلفه‌های خلاقیت را در کتاب‌های هنر هفتم، هشتم و نهم بررسی کند، از روش مراجعه به اسناد و تکنیک تحلیل محتوا و ویلیام رومی، استفاده کرده است. واحد تحلیل برای متن، جمله کتاب است. استفاده از تحلیل محتوا در زمینه آموزش و پرورش مبتنی بر این فرض اساسی است که هر وسیله ارتباط مانند کتاب، دارای پیام‌های نهانی و آشکار است که خواننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ایمانی و مظفر، ۱۳۸۰، به نقل از مزیدی، ۱۳۹۰). در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل محتوای ویلیام رومی (۱۹۸۶) که عبارت است از تعیین بسامد یا احتساب کمیت مفاهیم موجود در یک متن (مزیدی، ۱۳۹۰) به تجزیه و تحلیل محتوای کتب مذکور با توجه به برخورداری از عناصر خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و

آیزنر استاد برجسته
تعلیم و تربیت،
چهارمین مهارت
اساسی و پایه را
در برنامه درسی
مدارس، آموزش
هنر می‌داند و معتقد
است که دیگر زمان
آن رسیده که هنر به
بخش اساسی برنامه
درسی مدارس
مبدل شود

بیکاردز اقدام گردیده است. نمونه مورد مطالعه نیز بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده است.

جامعه و نمونه پژوهش

جامعه آماری این تحقیق، محتوای کتب فرهنگ و هنر پایه‌های هفتم، هشتم و نهم در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ است. در این پژوهش، حجم نمونه و جامعه آماری یکسان بوده است. به عبارت دیگر، کل محتوای کتب پایه‌های هفتم، هشتم و نهم مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

ابزار پژوهش

ابزار این پژوهش سیاهه مؤلفه گیلفورد و بیکاردز است که بر اساس محتوای درس‌ها تنظیم شده است. اعتبار ابزار از طریق روایی صوری مشخص شده است؛ یعنی محقق در این پژوهش به منظور اعتباریابی (روایی صوری) ابزار تحقیق از دیدگاه‌های صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت و استادان دانشکده روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز و فرهنگیان و پنج نفر از معلمان با سابقه هنر دوره اول متوسطه با مدرک تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد استفاده نموده است. برای تعیین صحت روش کار یا پایایی، به‌ویژه در مورد تخصیص ویژگی خلاقیت یا فاقد خلاقیت به واحدهای تحلیل در متن و تصاویر، در هر درس چند مورد از واحدهای فعال و غیرفعال به ترتیب از متن و تصاویر موجود در کتاب فرهنگ و هنر پایه‌های هفتم، هشتم و نهم مشخص و به‌صورت فرمی با گزینه‌های «بلی» و «خیر» در اختیار همان هفت نفر متخصص قرار گرفت. از آن‌ها خواسته شد همان واحدهای تحلیل منتخب را با توجه به مؤلفه‌های خلاقیت تشخیص دهند و در فرم مربوطه علامت‌گذاری کنند. پس از جمع‌آوری فرم‌ها و مقایسه سنجش مقوله‌های انتخابی گروه منتخب با مقوله‌های تعیین‌شده توسط پژوهشگر، ضریب هم‌بستگی حاصل گردید. میانگین درصد کل نظرات متخصصان در مورد تخصیص واحد تحلیل برابر با ۷۹٪ درصد محاسبه شد و بدین‌سان، پایایی پژوهش مشخص گردید. در زیر به معرفی مؤلفه‌های خلاقیت در سیاهه مؤلفه گیلفورد و بیکاردز می‌پردازیم:

حساسیت به مسئله: طرح مواردی که حساسیت و کنجکاوی دانش‌آموزان را در برخی از مسائل برمی‌انگیزد.

سیالی: توانایی تولید پاسخ‌های فراوان برای یک سؤال یا مسئله‌باز

ایده‌های نوین (ابتکار): توانایی تولید پاسخ‌های جدید و بدیع، کلی، واحد و مرتبط با مسئله

انعطاف‌پذیری: توانایی تولید ایده‌های غیرمعمول یا دیدن یک موقعیت از جنبه‌های متفاوت

هم‌نهادی (ترکیب): قدرت ترکیب پدیده‌ها، ایده‌ها و مفاهیم. تفکر خلاق در صورت لزوم موضوع‌ها و پدیده‌های مختلف را درهم ادغام می‌کند و آن‌ها را به شکل بهینه مورد استفاده قرار می‌دهد.

تحلیلگری: تفکری است که می‌تواند مسائل را تجزیه و تحلیل کند و عوامل تشکیل‌دهنده آن‌ها را تشخیص

دهد.

پیچیدگی: توانایی دیدن روابط با ایجاد پیوستگی بر اساس اطلاعات جزئی

ارزشیابی: قضاوت بر امور، اطلاعات در روش‌های روبه‌رو شدن با مسائل

اقتباس: استفاده گزینشی از راه‌ها و کارهای گذشته می‌باشد که فرد آن را بر گرفته با نوعی خلاقیت و دخل و تصرف به‌طور موازی در حل مسائل و پرورش ایده‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهد.

بزرگ‌نمایی: تفکر خلاق، قدرت افزودن در مفاهیم و پدیده‌ها و قوی‌تر و بزرگ‌تر نشان دادن آن‌ها را دارد و می‌تواند ارزش‌های دیگری را بر آن بیفزاید. به همین ترتیب ذهن خلاق، توان مبالغه کردن، تکثیر و همچنین پدید آوردن ترکیبات اضافی را دارد.

کوچک‌نمایی: کوچک‌نمایی یکی از توانایی‌های تفکر خلاق است که می‌تواند پدیده‌ها یا مفاهیم را در مقیاس کوچک‌تر و فشرده‌تر ترسیم کند. در همین حال تفکر خلاق قادر است، پدیده‌ها را تجزیه کند و آن‌ها را در سطحی پایین‌تر و با ابعاد کوچک‌تر ارائه دهد. به همین ترتیب کم کردن و حذف کردن بعضی از متغیرها و پدیده‌ها از ویژگی‌های تفکر خلاق است.

جایگزینی: جایگزینی به معنی استفاده از مواد، امکانات، نگرش، عواطف و احساسات به جای مواد و امکانات دیگر است. علاوه بر این تفکر خلاق می‌تواند از استعدادها و افراد دیگر نیز، به جای استعدادها و افراد موجود استفاده کند.

ترتیب دوباره: ترتیب دوباره بدین معنا است که تفکر خلاق می‌تواند که اجزا و عناصر پدیده‌ها را با ترتیب‌های دیگری مطرح کند و آن‌ها را به گونه‌ای دیگر بچیند. تفکر خلاق توانایی برقرار کردن ترتیب منطقی رسانی و مکانی پدیده‌ها، افراد و عناصر آن‌ها را دارد و می‌تواند بین آن‌ها رابطه علت و معلولی برقرار کند.

عمل بالعکس (معکوس‌سازی): سرو ته یا بالا و پایین کردن چیزها، جهت مخالف مفاهیم و پدیده‌ها را مورد توجه قرار دادن، و بالأخره در نظر داشتن نقش‌های مخالف و بالعکس مفاهیم و پدیده‌ها است.

یافته‌ها

داده‌های به‌دست‌آمده از کتاب هفتم، هشتم و نهم را به‌صورت سیاهه مؤلفه‌های خلاقیت گیلفورد و بیکاردز نشان می‌دهیم.

بحث و بررسی

نتایج حاصل از پژوهش بر اساس میزان فراوانی و درصد جملات و تصاویر کتب مذکور نشان داد که محتوای این کتاب‌ها از نظر میزان برخورداری از مؤلفه‌های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز دارای وضعیت مناسب است و همچنین در مجموع، شاخص محاسبه‌شده در بخش‌های متن و تصاویر بالاتر از متوسط (بالاتر از یک) است که نشان

از تدوین فعال محتوای این کتاب‌ها دارد.

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت از مجموع ۱۸۵۳ واحد مورد تحلیل از قسمت‌های مختلف متن و تصاویر کتاب‌های فرهنگ و هنر پایه هفتم، تعداد ۱۴۴۸ واحد تحلیل مشمول مؤلفه‌های خلاقیت می‌شوند. این تعداد دارای مؤلفه‌های خلاقیت برابر با ۸۲/۳۹ درصد کل محتوی کتاب فرهنگ و

هنر پایه هفتم است. همچنین، از ۱۵ مؤلفه خلاقیت که مورد بررسی قرار گرفت، مؤلفه حساسیت به مسئله با ۴۷/۲۹ درصد فراوانی دارای بیشترین درصد تکرار بوده و مؤلفه‌هایی نظیر اقتباس، جایگزینی، عمل بالعکس و تحلیلگری فراوانی نسبتاً کمی از محتوای کتاب فرهنگ و هنر را به خود اختصاص نداده است. این نتایج حاکی از این است که، کتاب فرهنگ و

جدول شماره ۱: پایه هفتم

نسبت واحدهای خلاق به غیر خلاق	جمع واحدهای تحلیل	جمع واحدهای غیر خلاق	جمع واحدهای خلاق	عمل بالعکس	ترتیب دوباره	جایگزین	کوچکنمایی	بزرگنمایی	اقتباس	ارزشیابی	پیچیدگی	تحلیلگری	ترکیب	انعطاف‌پذیری	ایده‌های نوین	سیالی	حساسیت به مسئله	متن
۳,۱۸	۱۶۲۸	۳۸۹	۱۲۳۹	۲۰	۹	۲۱	۱۶	۳۳	۲۵	۴۴	۱۷	۴	۲۲	۳۰	۱۷۷	۳۰	۷۷۰	
	۱۰۰	۲۳,۸۹	۷۶,۱۰	۱,۲۲	۰,۵۵	۱,۲۸	۰,۹۸	۲,۰۲	۱,۵۳	۲,۷۰	۱,۰۴	۰,۲۴	۱,۳۵	۱,۸۴	۱۰,۸۷	۱,۸۴	۴۷,۲۹	درصدمتن
۱۳,۰۶	۲۲۵	۱۶	۲۰۹	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۵	۳	۳۵	۱	۸	۴۵	۰	۱۱۵	تصویر
	۱۰۰	۷,۱۱	۹۲,۸۸	۰	۰	۰	۱,۷۷	۰	۰	۲,۲۲	۱,۳۳	۱۳,۷۲	۰,۳۹	۳,۵۵	۲۰	۰	۵۱,۱۱	درصدتصویر
۳۵۷	۱۸۵۳	۴۰۵	۱۴۴۸	۲۰	۹	۲۱	۲۰	۳۳	۲۵	۴۹	۲۰	۳۹	۲۳	۳۸	۲۲۲	۳۰	۸۸۵	مجموع
	۱۰۰	۱۵,۵۰	۸۴,۴۹	۰,۶۱	۰,۲۷	۰,۶۴	۱,۳۷	۱,۰۱	۰,۷۶	۲,۴۶	۱,۱۸	۶,۹۸	۰,۸۷	۲,۶۹	۱۵,۴۳	۰,۹۲	۴۹,۲۰	درصد

جدول شماره ۲: پایه هشتم

نسبت واحدهای خلاق به غیر خلاق	جمع واحدهای تحلیل	جمع واحدهای غیر خلاق	جمع واحدهای خلاق	عمل بالعکس	ترتیب دوباره	جایگزین	کوچکنمایی	بزرگنمایی	اقتباس	ارزشیابی	پیچیدگی	تحلیلگری	ترکیب	انعطاف‌پذیری	ایده‌های نوین	سیالی	حساسیت به مسئله	متن
۲,۱۲	۵۷۲	۱۸۳	۳۸۹	۱۰	۲	۱۱	۱۲	۷	۱۰	۱۵	۸	۱۸	۸	۲۸	۱۹	۴۳	۲۰۲	
	۱۰۰	۳۲	۶۸	۱,۷۴	۰,۳۴	۱,۹۲	۲,۰۹	۱,۲۲	۱,۷۴	۲,۶۲	۱,۳۹	۳,۱۴	۱,۳۹	۴,۸۹	۳,۳۲	۷,۵۱	۳۱/۳۵	درصدمتن
۳۳,۶۶	۲۰۸	۶	۲۰۲	۰	۰	۰	۸	۳۵	۰	۰	۰	۱۸	۰	۱	۴۴	۰	۹۹	تصویر
	۱۰۰	۲,۸۸	۹۷,۱۱	۰	۰	۰	۳,۸۴	۱۶,۸۲	۰	۰	۰	۸,۶۵	۰	۰,۴۸	۲۱,۱۵	۰	۴۷,۵۹	درصدتصویر
۳۵,۷۸	۷۸۰	۱۸۹	۵۹۱	۱۰	۲	۱۱	۲۰	۴۲	۱۰	۱۵	۸	۳۶	۸	۲۹	۶۳	۴۳	۳۰۱	مجموع
	۱۰۰	۱۷,۴۴	۸۲,۵۵	۰,۸۷	۰,۱۷	۰,۹۶	۲,۹۶	۹,۰۲	۰,۸۷	۱,۳۱	۰,۶۹	۵,۸۹	۰,۶۹	۲,۶۸	۱۲,۲۳	۳,۷۵	۴۱,۴۵	درصد

جدول شماره ۳: پایه نهم

نسبت واحدهای خلاق به غیر خلاق	جمع واحدهای تحلیل	جمع واحدهای غیر خلاق	جمع واحدهای خلاق	عمل بالعکس	ترتیب دوباره	جایگزین	کوچکنمایی	بزرگنمایی	اقتباس	ارزشیابی	پیچیدگی	تحلیلگری	ترکیب	انعطاف‌پذیری	ایده‌های نوین	سیالی	حساسیت به مسئله	متن
۲,۴۸	۱۶۳۷	۴۷۰	۱۱۶۷	۲۶	۶	۳۰	۳۳	۲۴	۲۶	۱۶	۴۳	۲۶	۲۴	۲۷	۱۲۴	۴۸	۷۱۳	
	۱۰۰	۲۸,۷۱	۷۱,۲۸	۱,۵۸	۰,۳۶	۱,۸۳	۲,۰۱	۱,۴۶	۱,۵۸	۰,۹۷	۲,۶۲	۱,۵۸	۱,۴۶	۱,۶۴	۷,۵۷	۲,۹۳	۴۳,۵۵	درصدمتن
۳۲,۲۲	۲۹۹	۹	۲۹۰	۷	۸	۱	۴	۲۸	۰	۰	۹	۳۲	۴۳	۱۱	۲۹	۰	۷۱۱	تصویر
	۱۰۰	۳,۰۱	۹۶,۹۸	۲,۳۴	۲,۶۷	۰,۳۳	۱,۳۳	۹,۳۶	۰	۰	۳,۰۱	۱۰,۷۰	۱۴,۳۸	۳,۶۷	۹,۶۹	۰	۳۹,۱۳	درصدتصویر
۳,۰۴	۱۹۳۶	۴۷۹	۱۴۵۷	۳۳	۱۴	۳۱	۳۷	۵۲	۲۶	۱۶	۵۲	۵۸	۶۷	۳۸	۱۵۳	۴۸	۸۳۰	مجموع
	۱۰۰	۱۵,۵۸	۸۴,۱۳	۱,۹۶	۱,۵۱	۱,۰۸	۱,۶۷	۵,۴۱	۰,۷۹	۰,۴۸	۲,۸۱	۶,۱۴	۷,۹۲	۲,۶۵	۸,۶۳	۱,۴۶	۶۳,۱۱	درصد

گرافه نیست که بگوییم در این فرایند عنصر خلاقیت عامل بسیار مهمی است که در چگونگی انتقال صحیح یا اصلاح سریع تر فرهنگ نقشی اساسی ایفای می کند

هنر پایه هفتم از نظر میزان برخورداری از مؤلفه های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز در هر دو بخش متن و تصاویر وضعیت مطلوبی دارد. این نتایج نشان دهنده توجه مؤلفان کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم به مقوله خلاقیت است. اگر بپذیریم که کتاب فرهنگ و هنر نقش بسیار مهمی در شکوفایی خلاقیت دانش آموزان ایفا می کند، می توان گفت کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم به خوبی توانسته است این مهم را عملیاتی نماید.

در مورد محتوای کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم، یافته ها گویای این مطلب است که از مجموع ۷۸۰ واحد مورد تحلیل از قسمت های مختلف متن و تصاویر کتاب های فرهنگ و هنر هشتم، تعداد ۵۹۱ واحد تحلیل مشمول مؤلفه های خلاقیت می گردند. این تعداد واحد دارای مؤلفه های خلاقیت برابر با ۸۲/۵۵ درصد کل کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم است. همچنین، از ۱۵ مؤلفه خلاقیت که مورد بررسی قرار گرفت، مؤلفه حساسیت به مسئله با ۴۱/۴۵ درصد فراوانی دارای بیشترین درصد تکرار بوده و از مؤلفه هایی نظیر بزرگنمایی، ترکیب، پیچیدگی، ارزشیابی، اقتباس، جایگزینی و عمل بالعکس فراوانی نسبتاً کمی از محتوای کتاب فرهنگ و هنر پایه هشتم را به خود اختصاص داده است. این نتایج حاکی از آن است که، کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم از نظر میزان برخورداری از مؤلفه های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز در هر دو بخش متن و تصاویر وضع مطلوبی دارد. این نتایج نیز نشان دهنده توجه مؤلفان کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم به مقوله خلاقیت است.

در مورد محتوای کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم، یافته ها گویای این مطلب است که از مجموع ۱۹۳۶ واحد مورد تحلیل از قسمت های مختلف متن و تصویر کتاب فرهنگ و هنر هشتم، تعداد ۱۴۵۷ واحد تحلیل مشمول مؤلفه های خلاقیت می گردند. این واحد دارای مؤلفه های خلاقیتی برابر با ۸۴/۱۳ درصد کل کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم است. همچنین، از ۱۵ مؤلفه خلاقیت که مورد بررسی قرار گرفت، مؤلفه حساسیت به مسئله با ۶۳/۱۱ درصد فراوانی دارای بیشترین درصد تکرار بوده و مؤلفه هایی نظیر ارزشیابی، هیچ گونه فراوانی را از محتوای کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم به خود اختصاص نداده اند. این نتایج حاکی از این است که کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم از نظر میزان برخورداری از مؤلفه های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز در هر دو بخش متن و تصاویر وضعیت مطلوبی دارد. این نتایج نیز نشان دهنده توجه مؤلفان کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم به مقوله خلاقیت است. با توجه به نتایج حاصل می توان نتیجه گرفت کتاب فرهنگ و هنر پایه نهم در زمینه متن با حدود ۳/۱۸ درصد فراوانی در بالاترین سطح خلاقیت و سپس به ترتیب کتاب فرهنگ و هنر پایه هفتم با حدود ۲/۴۸ درصد و کتاب فرهنگ و هنر هشتم با حدود ۲/۱۲ درصد کمترین سطح خلاقیت را دارا می باشند. در زمینه تصاویر نیز به ترتیب کتاب های پایه های هشتم، هفتم و نهم با درصد فراوانی ۳۳/۶۶، ۳۲/۲۲ و ۱۳/۰۶

از بالاترین سطح خلاقیت تا پایین ترین سطح خلاقیت رتبه بندی می شوند.

در مجموع، با توجه به اینکه درصد فراوانی تمامی کتاب ها بالاتر از ۵/۰ می باشد، می توان نتیجه گرفت که تمامی کتاب های فرهنگ و هنر پایه های هفتم، هشتم و نهم بیشتر از ۵۰ درصد واحد تحلیلشان در قسمت خلاق قرار دارد، بنابراین، می توان نتیجه گرفت که این کتاب ها از لحاظ پرورش تفکر خلاق و ایجاد زمینه های خلاقیت در دانش آموزان در حد بسیار قابل قبولی هستند.

نتیجه گیری

نظام تعلیم و تربیت در هر کشوری می تواند عنصری بسیار مهم و موتور جلورنده اهداف و آرمان های ملت باشد. اگر تعلیم و تربیت را فرایندی در نظر بگیریم که برای تغییر، اصلاح یا انتقال ارزش های یک جامعه بنا شده است، گرافه نیست که بگوییم در این فرایند عنصر خلاقیت عامل بسیار مهمی است که در چگونگی انتقال صحیح یا اصلاح سریع تر فرهنگ نقشی اساسی ایفا می کند؛ زیرا خلاقیت عامل شکوفایی استعداد و ایجاد کننده حساسیت در فرهنگ است و می تواند درک و فهم انسان از فرهنگ را بالا ببرد.

در این زمینه باید یادآوری نمود که محور قرار دادن خلاقیت در تدوین برنامه درسی و ارائه منابع آموزشی متنوع و متعدد در هر یک از موضوعات درسی می تواند شرایط را برای تهیه و اجرای برنامه درسی خلاق مهیا کند. چنانچه محتوای کتاب های درسی در موقعیتی نامعین و توأم با بهت زدگی ارائه گردد، نوعی احساس خلأ فکری در فراگیرنده به وجود می آید.

همین احساس او را به تلاش برای تبدیل موقعیت نامعین به یک موقعیت معین سوق می دهد. فراگیرنده با تحلیل موقعیت، به کشف روابط میان عناصر می پردازد و جدا از کسب اطلاعات مورد نیاز، می تواند چگونه آموختن و چگونه فکر کردن را بیاموزد. بنابراین، محتوای انعطاف پذیر و برخاسته از نیازها، علائق و مشکلات دانش آموزان و جامعه، با توجه به تحولات آینده می تواند باعث یادگیری مؤثرتر شود؛ زیرا یادگیرنده را برای درک شرایط نامطلوب بررسی ارتباطات، الگوها، روابط، و حل مسائل و تبدیل تهدیدها به فرصت آماده می کند. با یادگیری مؤثرتر، تصمیم گیری برای خلاقیت و تطبیق رفتارها مناسب تر می شود. با ادغام شناخت، عواطف و تولید یادگیری مؤثر، رضایت نیز حاصل می گردد (سیو و ارمود، ۲۰۰۷).

در نظام تعلیم و تربیت به ویژه در سطح مدارس، کتاب های درسی یکی از ابزارهای مهم آموزش محسوب می شوند و در بروز رفتارهای صحیح و شکل گیری پایه های خلاقیت نقش اساسی دارند. کتاب فرهنگ و هنر را رویکرد ایجاد خلاقیت در کودکان و نوجوانان با سه عنوان فرهنگ و هنر هفتم، فرهنگ و هنر هشتم و فرهنگ و هنر نهم در دوره متوسطه اول قرار گرفته و در مجموع، در هفته کمتر از دو ساعت زمان

به آن اختصاص یافته است. از سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ کتاب‌های درسی متوسطه اول با نگرشی نو و در راستای نظام تربیتی ۳-۳-۶ و نظام تحول بنیادین تدوین شده است. بر این اساس، در این پژوهش، کتاب‌های فرهنگ و هنر پایه‌های هفتم، هشتم و نهم که در راستای نظام تحول بنیادین تهیه شده‌اند، از نظر مؤلفه‌های خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

پیشنهاد‌های کاربردی

با توجه به اینکه در تحقیق حاضر از پانزده مؤلفه خلاقیت، بیشترین توجه به مؤلفه حساسیت به مسئله است، به نظر می‌رسد که مؤلفان به چهارده مؤلفه دیگر خلاقیت از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز، از جمله سیالی، ایده‌های نوین، انعطاف‌پذیری، ترکیب، تحلیلگری، پیچیدگی، ارزشیابی، بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی، جایگزین، ترتیب دوباره، عمل به بلعکس توجه بیشتری نمایند.

به خلاقیت ذهنی، ذوق هنری و استعداد دانش‌آموزان و لزوم ایجاد (پوشه کار) به‌عنوان یک پایگاه ارزیابی مستمر دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی و به‌عنوان مبنایی برای هدایت تحصیلی در سال‌های آتی توجه شود.

جشنواره‌ها و مسابقات ملی، استانی و منطقه‌ای با موضوعات و محورهای باز و خلاق و به‌منظور تحریک ظرفیت هنری دانش‌آموزان و فراخوانی استعداد‌های هنری و خلاق آن‌ها برگزار گردند.

از آنجاکه از دیدگاه گیلفورد و بیکاردز یکی از خصوصیت فرد خلاق انعطاف‌پذیری، سیال بودن و ابتکار است، قرار دادن بخش نقد و نظر در پایان اغلب کتب درسی و اختصاص سؤالاتی در قالب نوشتن نقد و نظر در موضوعات مختلف کتب درسی عمل مطلوبی است که می‌تواند ما را به اهداف

خود که تولید پاسخ‌های فراوان یا تولید یک ایده جدید است برساند.

تبیین و آموزش مفصل و مستمر روش‌های مباحثه، پرسش و پاسخ، دیالکتیک، بارش مغزی و... برای معلمان و مدرسان کتب درسی و زمینه‌سازی برای تدریس متون درسی به روش‌های مباحثه محور در کلاس‌های درس بسیار مؤثر است.

اعطای یارانه کتاب به مدارس برای تجهیز کتابخانه‌ها به کتاب‌هایی که مستقیماً به پرورش خلاقیت مرتبطند.

بخشی از ساعات فوق‌برنامه و نیز بخشی از فعالیت‌های آموزشی و ارزشیابی دانش‌آموزان به نقد و بررسی اثرهای هنری بزرگان عرصه هنر اختصاص یابد.

اردوهای دانش‌آموزی با موضوع نقد و بررسی آثار هنری در سطح منطقه‌ای و استانی برگزار شود.

تا حد امکان بخشی از فضای داخلی کلاس درس به نمایش آثار هنری دانش‌آموزان اختصاص یابد.

سازوکارهای برنامه جامع و مستمر برای «معرفی هفتگی آثار برتر دانش‌آموزان» ایجاد شود.

پیشنهاد‌های پژوهشی

این پژوهش درباره کتاب‌های هنر و فرهنگ دوره متوسطه انجام گرفته است اما به محققان علاقه‌مند پیشنهاد می‌شود در مورد کتب دیگر نیز با توجه به مقوله خلاقیت چنین پژوهشی انجام دهند.

نتایج تحلیل محتوای کتاب هنر از نظر پرورش خلاقیت با سایر کتاب‌های دوره متوسطه مقایسه شود.

تأثیر کتب دوره ابتدایی از نظر پرورش خلاقیت بررسی شود و نتایج تحلیل محتوای به‌دست‌آمده با کتاب‌های دوره متوسطه مقایسه شود.

منابع

۱. تورنس، پل. (۱۳۷۲). استعدادها و مهارت‌های خلاقیت و راه‌های آزمون و پرورش آن، مترجم حسن قاسم‌زاده؛ دنیای نو.
۲. حسینی، افضل‌السادات. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر برنامه آموزش خلاقیت معلمان بر خلاقیت، پیشرفت تحصیلی و خودپنداره دانش‌آموزان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۲۳، ۱۶۸-۱۴۷.
۳. حسینی، افضل‌السادات. (۱۳۸۵). الگوی رشد خلاقیت و کارایی آن در ایجاد مهارت تدریس خلاق در معلمان ابتدایی، نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۵، ۱۷۷-۲۰۱.
۴. رحمتی، ملیحه. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کتاب فارسی پایه اول ابتدایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۵. سلیمی، لیلا. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کتب درسی علوم دوره دوم راهنمایی از دیدگاه الگوی آموزشی خلاقیت گیلفورد، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۴، ۱۰۲-۷۳.
۶. عیناوی، ندا. (۱۳۸۳). بررسی و تحلیل محتوای کتاب علوم دوره ابتدایی با عوامل خلاقیت گیلفورد، تهران دانشگاه علامه طباطبایی.
۷. عصاره، علیرضا. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کتاب‌های ریاضی چهارم و پنجم ابتدایی بر مبنای الگوی آموزش پلسک، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، شماره ۳۴، ۱۱۶-۹۳.
۸. قاسمی، فریاد. (۱۳۸۸). ارزیابی اهداف و محتوای کتاب‌های علوم تجربی دوره ابتدایی از دیدگاه الگوی آموزش خلاقیت پلسک. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی درسی ایران، سال دوم، شماره ۴، ۱۴۱-۱۱۶.
۹. گوتک، جرال‌آل. (۱۳۸۶). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی. مترجم: محمدجعفر پاک‌سرشت، جلد اول. تهران: سمت.
۱۰. منطقی، مرتضی. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر آموزش خلاقیت بر دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و دبستانی، مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های درسی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، دوره دوم، شماره اول، ۲۸-۱.
۱۱. مهدوی پور، محمدرضا. (۱۳۸۷). تحلیل محتوای کتاب شیمی نظام جدید متوسطه از نظر تطبیق با عوامل خلاقیت گیلفورد و مهارت حل مسئله گانیه. تهران: دانشگاه شهید رجایی.
۱۲. مزیدی، محمد. (۱۳۹۰). بررسی میزان برخورداری کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی از مؤلفه‌های خلاقیت. مجله علمی پژوهشی برنامه درسی، دوره اول، شماره اول، ۹-۶۹.
۱۳. مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۳). چرایی و چگونگی آموزش عمومی هنر، تهران: انتشارات مدرسه.
14. Agusto Fernando, Antonio, da silva viera, Sonia, p mediores, rnato mnatal jorje, albertina(2009). Structure method of new productdevelopment and creativty management: a teaching experience. Oxford: vol. 18, iss. 3 p.160.
15. Baran, gulen. (2001). A study on the relationship between six-years old children, creavity and mathematical ability, international education study, vol4, no 1
16. Eisner, f. (1994). Educational imagination: on the design and evaluation of school program: third edition
17. Iwai, kaori (2003). The contribution of art s education to children s lives, paper presented at preparedness for for teaching art, international journal of education & the art, volume 8 number5.
18. Runco, mark.a (2007). Creativity theories and theme: research, development and practice. Usa elsevir academic press
19. Sio U. N. & Ormerod T. C. (2007) Does incubation enhance problemsolving? A metaanalytic review psychological bulletin, 135(1), 701-710
20. Sriraman, b & yafian, n(2010) mathematical creativity and mathematics education. In press in b. sriraman k. lee (eds)

نگاهی به دهمین
دو سالانه ملی نگارگری ایران

نگاره اصیل

خاستگاه هنر و هویت

رشد آموزش هنر



عشق، صبر و ریاضت است؛ در حالی که در روزگار فعلی، موضوع اقتصاد هنر باعث گرایش جوانان به کارهایی شده است که زود به نتیجه می‌رسند و کارها خالی از خلاقیت شده‌اند». استاد تجویدی شناختن ادبیات و تاریخ ایران را لازمه کار هنری و به‌ویژه نگارگری می‌داند و اذعان می‌دارد که «در این دوسالانه می‌بینیم که برخی از آثار هخامنشی استفاده کرده‌اند اما کاملاً مشخص است که با این موضوع ناآشنا هستند». ویژگی بارز آثار دوسالانه، تذهیب‌های فاخر است اما یکنواختی آثار و تکرار نیز در تابلوهای به نمایش درآمده مشهود است. آسیبی که اهل نگارگری از آن یاد می‌کنند، عرضه آثار جدی و نفیس در دبی و کشور ترکیه است. در واقع، به اقتضای ضرورت‌های اقتصادی و در شرایط نبود حمایت داخلی، هنرمندان به دنبال بازارهای هنری مناسب می‌روند. تأکید مهم سینا پوریا، داور دوسالانه، بر این است که در نگارگری «طراحی خوب مهم‌ترین پایه و اساس آفرینش یک اثر خوب و ماندگار است و ابتدا باید طراحی یک اثر مطلوب و صحیح باشد. سپس می‌توانیم به تکنیک، پرداز و ... بپردازیم». نگارگری هنری است که ریشه‌های فرهنگی و هویتی قوم ایرانی در آیین آن به خوبی تجلی می‌یابد. به همین دلیل، برگزاری دوسالانه‌های ملی نگارگری همواره مغتنم و مورد نیاز جامعه و مخاطبان هنری است. برای دبیران هنر این نکته ارزش مضاعف می‌یابد؛ زیرا انتقال ارزش‌های هنری نگارگری به دانش‌آموزان همواره وظیفه اصلی آنان بوده است. از سوی دیگر، تابلوهای نگارگری در شاخه‌های تذهیب، تشعیر، گل و مرغ، نقاشی ایرانی و سیاه‌قلم دستمایه لازم را برای غنی کردن مباحث کلاس در اختیار دبیران قرار می‌دهد. در این بخش، با هدف آشنا کردن بیشتر مخاطبان گرامی، تعدادی از تابلوهای هنری دهمین دوسالانه نگارگری ارائه می‌شود.

نگارگری، مشخصه ممتاز هنر ایرانی

نگارگری ایرانی از هنرهای ریشه‌دار و بومی است که بعد از انقلاب اسلامی گسترش خیره‌کننده‌ای داشته است. اقبال جوانان و به‌ویژه بانوان به این رشته فراگیر درخور تحسین است. تداوم و استمرار این هنر در بستر تاریخ از ویژگی‌های مهم آن است. به همین دلیل، می‌توان آن را در روندی پژوهشی مورد مطالعه قرار داد و تحولات و دگرگونی‌هایش را بررسی کرد؛ تحولاتی که متناسب با تغییرات اجتماعی و فرهنگی مابهازایی در ارائه این هنر از خود به‌جای می‌گذارد. کما اینکه در دوسالانه دهم، برخی از این تحولات هنری و ارزشی قابل‌ملاحظه است. در این دوسالانه، شناخت بهتر «مکتب نگارگری تهران» با محدودیت‌های تجویدی اساس کار قرار گرفته است؛ مکتبی که محمل هنری آن «مدرسه صنایع قدیمه» بوده و دست‌اندرکاران با برگزاری نمایشگاه در محل اولیه آن مدرسه، سعی داشته‌اند آن را از سطح یک خاطره و اتفاق تاریخی به جریان هنری در نگارگری تبدیل کنند. بدیهی است پژوهش بیشتر در مورد «مدرسه صنایع قدیمه» و هنرمندان اصلی و تأثیرگذار آن ضرورت دارد. آثار به نمایش درآمده در این دوسالانه از میان هزار اثر انتخاب شده‌اند. این نکته رشد کمی و اقبال جوانان به نگارگری را نیز آینه‌داری می‌کند. البته مسئولان اذعان داشته‌اند که در بخش «پرتره‌سازی به شیوه نگارگری» یا «واقع‌گرایی با تکنیک‌های نگارگری» اثر درخور توجهی به دبیرخانه نرسیده و همین امر منجر به حذف چنین بخش‌هایی شده است. نگارگری و زیررشته‌های اصلی آن فرصتی مغتنم برای شناسایی ریشه‌های هنرهای سنتی و آیین‌های ایرانی فراهم می‌کند. این هنر، هنری مستقل است که روزگاری در کنار هنر «کتابت» بهترین شکل تکامل خود را تجربه کرده است. بنا به گفته استاد علی‌اصغر تجویدی، داور دوسالانه، «نگارگری هنر

نام هنرمند: رجیبی



نام هنرمند: رضا بدرالسماء



نام هنرمند: سلینا پوریا



نام هنرمند: سهیلا لشکری

نام هنرمند: فرشاد رحمانی



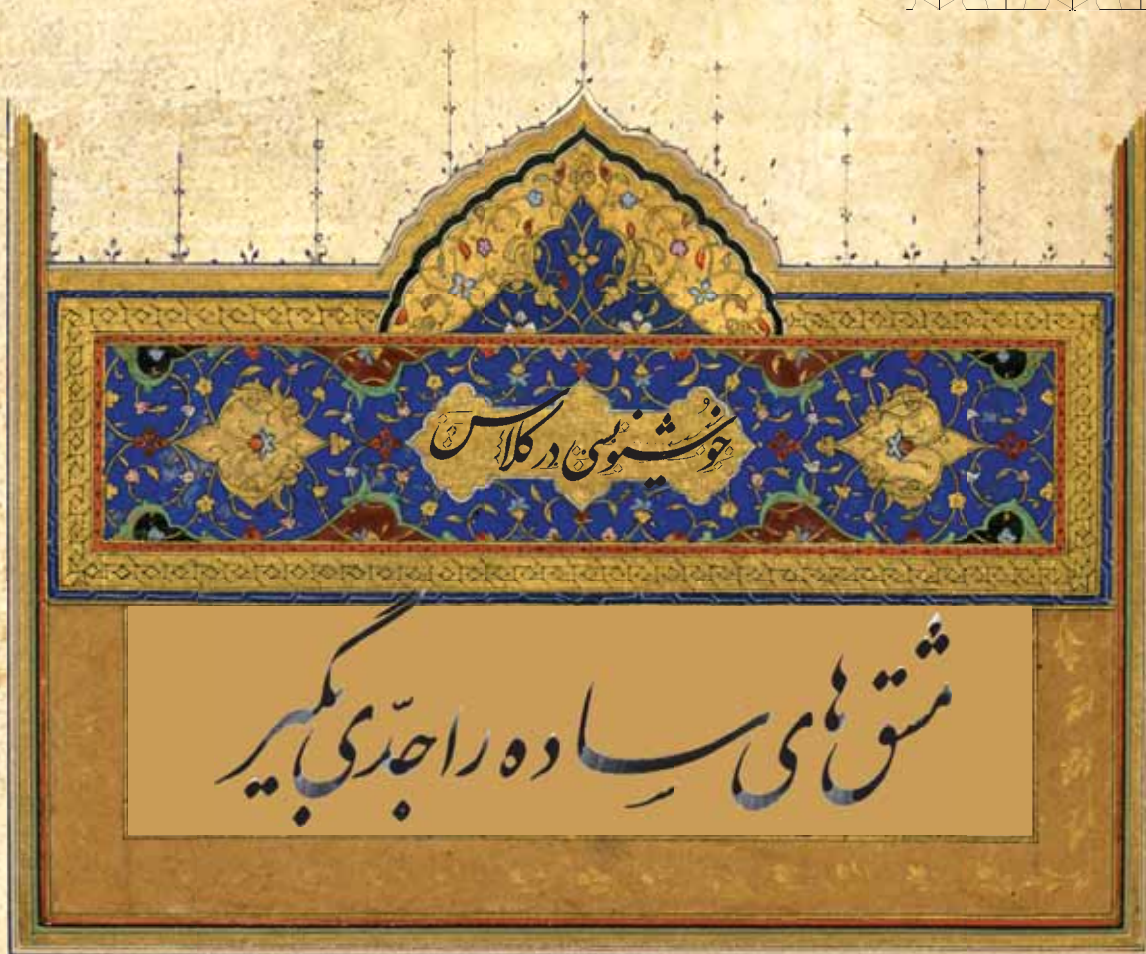
نام هنرمند: رضا پدرالسماء



نام هنرمند: نسیم براتی



نام هنرمند: بهنام شریف



کاوه تیموری

اشاره

انتخاب سطرها و مشق‌های آموزشی و ساده برای انتقال به دانش‌آموزان یکی از مهارت‌هایی است که دبیران هنر و معلمان و مدرسان خوشنویسی باید به آن آراسته شوند. کارکرد مشق‌های ساده و آسان این است که نگرش دانش‌آموز و هنرجو را نسبت به خوشنویسی تلطیف می‌کند و او را در راه رسیدن به زیانویسی مدد می‌رساند. در این مقاله ضمن بیان اهمیت مشق‌های ساده خط نمونه‌های آموزشی و کاربردی آن‌ها اجرا شده است. این مشق‌ها می‌تواند دستمایه مناسبی برای دبیران هنر قرار گیرد تا به رونق‌بخشی آموزش خط در کلاس کمک کند.

کلیدواژه‌ها: مشق‌های ساده، اهمیت، لذت‌آفرینی از خط، ارائه نمونه‌ها

سرمشق‌های ساده

یکی از امتیازات کلاس‌های خوشنویسی، نحوه مواجهه مطلوب با هنر جوی تازه‌وارد است. انتخاب سرمشق مناسب در نخستین جلسه نقش قابل توجهی دارد. به‌طور معمول پس از ارائه مفردات و حروف ساده، معلم و مدرس خط باید سرمشقی را به هنرجویش ارائه دهد که در شیبی منطقی با توانایی او سازگار باشد؛ زیرا لذت‌آفرینی در فرایند تعلیم خط به جذب و تداوم علاقه هنرجو کمک می‌کند. یافتن سرمشق‌های ساده و هنرجو پسند با مطالعه اشعار ادب فارسی قابل انجام است. این سرمشق‌ها می‌توانند ویژگی‌های زیر را داشته باشند:

- از مفردات و ترکیبات دوحرفی و سه‌حرفی غنی باشند؛
- دارای کلمات محدود و کشیده‌های ساده و خوش‌نما باشند؛
- معنی و مفهوم خوشایندی را به هنرجو القا کنند؛
- با استفاده از حروف و کلمات آن‌ها بتوان سطح زمینه یا کرسی را معرفی کرد.

اهمیت آموزش خط در مقاطع پایه

آموزش دادن هنر خط در مقاطع پایه یکی از راهکارهای ماندگار کردن این شالوده کهن و این استوانه فرهنگی مهم است. محمل اصلی این حرکت بنیانی در مدارس و کلاس‌های خوشنویسی است. در عین حال با توجه به ضرورت آموزش، مسئله مهم دیگر دستمایه‌ها و منابع آموزشی سنجیده برای ایجاد لذت‌آفرینی در فراگیرندگان است. «مشق‌های ساده خط» که دو ویژگی معنا و فرم زیبایی نگارشی را در خود پرورنده‌اند، یکی از این منابع اثرگذار به حساب می‌آید. به تجربه اثبات شده است که هنر جو در کلاس خط وقتی خود را در اجرای اصول مهم خط همچون کرسی و چیدمان چشم‌پسند موفق می‌بیند، این باور را برای تداوم یادگیری در خود احساس می‌کند. بر این مبنا، به وجود آوردن این احساس مهم نقطه عزیمت برای به نتیجه رسیدن آموزش خط به شمار می‌آید.

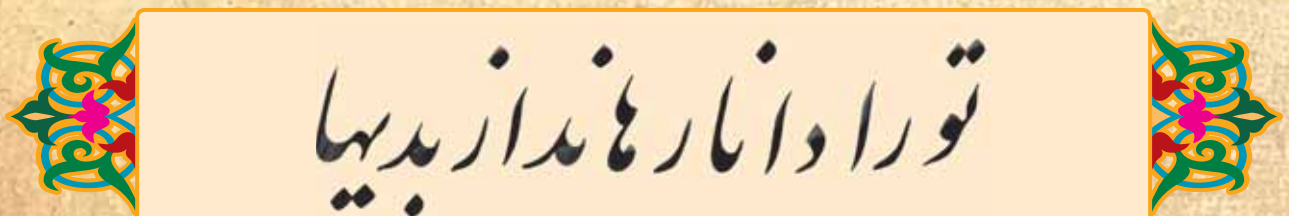
سادگی و لذت‌آفرینی از تمرین

در تمرین سرمشق‌های ساده خوشنویسی باید از نوعی ظرافت آموزشی و تربیتی استفاده کرد. به این سان که معلمان (به‌ویژه در دوره ابتدایی) و همچنین دبیران گران قدر هنر با مرور و آموزش این سرمشق‌ها می‌توانند آن‌ها را به راحتی به دانش‌آموزان انتقال دهند. در حقیقت، شکل دادن به این چرخه آموزشی و بهره‌گیری از یافته‌های به دست آمده در کلاس، پیام اصلی و کارکرد معین این سرمشق‌هاست. سهولت و سادگی این سرمشق‌ها مانع ایجاد چالش آموزشی در کلاس می‌شود و یادگیری تدریجی و همراه با لذت را، چه برای معلمان و چه برای دانش‌آموزان، میسر می‌کند. دبیران، مدرسان و هنرآموزان خوشنویسی به خوبی آگاه‌اند که سطرها یا دوسطری‌های آموزشی الزماً دارای زیبایی‌های نگارشی سطرهای خوش ترکیب نیستند. به‌طور معمول، این نمونه‌ها و نمونه‌هایی از این گونه در روندی آرام و تدریجی چهره دیرپای هنر خط را برای رهرو آن نمایان می‌کنند. همت هنرآموز خط می‌تواند هنر جو را همچنان در مسیر آموزش نگاه دارد و او را برای مواجهه با دشواری‌ها و تمرین‌های مداوم خط آماده کند. به زبان ساده، این نمونه‌ها کارکرد آموزشی دارند. در عین حال، سعی بر آن بوده است که علاوه بر لطافت معنی، جلوه‌های زیبایی خط در آن‌ها لحاظ شود؛ هر چند که این نکته به شکل نسبی و متناسب با امکانات اجزا و کلمات سطر تحقق یافته است. مشق‌ورزی سرمشق‌های ساده این مجموعه با هدایت دبیر هنر و مدرس خط در یک دوره زمانی شش ماهه می‌تواند هنر جوی خط را در مسیر پیشرفت‌هایی لذت‌آفرین قرار دهد. نگارش و آموزش این سرمشق‌ها بر اساس کاربرد انواع و میزان سختی و سادگی کلمات، دربردارنده محتوای دوره مقدماتی و متوسط انجمن خوشنویسان است. باید توجه داشت که این سرمشق‌ها و دست‌نوشته‌ها از نمونه‌های اعلای هنر خوشنویسی نیستند اما می‌توانند مسیر هنر جویان را در مراحل مختلف یادگیری این هنر هموار سازند. بر این اساس، بیننده خیره این آثار بی‌آنکه وقت خود را در ارزیابی کمی و کیفی آن سپری کند می‌تواند آن‌ها را با خط خویش مجدداً روایت و بازنویسی کند و به نفع دانش‌آموزان از آن‌ها بهره‌گیرد. آنچه در ذات و درون مایه این سرمشق‌های آموزشی نهفته است، درک تأثیر آن‌ها در فرایند تعلیم خوشنویسی است؛ روشی که در بوتۀ امتحان و تجربه ثمربخش و اثرگذار بوده است. گفتنی است که بر مبنای نظریه «کل آموزشی ژان پیازه» تلاش بر این بود که آموزش مفردات، حرکات دوحرفی و سه‌حرفی و کلمات در قالب کلیت سرمشق ارائه شده انجام گیرد. به‌عنوان پیشنهاد، تعدادی از این ابیات که ویژگی سرمشق‌های ساده را دارند، ارائه می‌شود. هر معلم و مدرس خوشنویسی می‌تواند با انتخاب‌های خود به این تعداد بیفزاید و آن‌ها را غنی‌تر کند.

الف - سرمشق‌های ساده با حرکات دوحرفی و سه‌حرفی

در این سرمشق‌ها ضمن تأکید بر خط زمینه (کرسی) و اصل مهم ترکیب (چیدمان حروف در کنار هم)، از حرکات دوحرفی و سه‌حرفی استفاده شده است. بنابراین، در این سرمشق‌ها از حرکات‌های غامض و دشوار خط نستعلیق خبری نیست. اجزای سرمشق‌ها به گونه‌ای است که در صورت آماده‌بودن ابزار نگارش (قلم‌نی با تراش خوب، مرکب صاف و روان و کاغذ مناسب) دانش‌آموز یا هنر جو می‌تواند پس از چند بار تمرین، خط خود را به آن‌ها نزدیک کند.

حرکت‌های دوحرفی و سه‌حرفی در سطرهای ساده



چه آوردی از راه دور و دراز

نه نادر به جا ماند و نه نادری

دیده به دیدار یار شاد باد

که ناهبسی مانند راه از چا

مرا این وز کار آموزگار است

دوایر مفرد در سطرهای ساده

ای ز تو نور دل و دیدار ما

به مردی و آرمان خود را چو مردان

یکی چون رود دیگر آید به جای

پند پذیر از دل جان کوش را

دل منه بر زمانه گذران

با هر که گرم کنی از آن تو شود

چنان ز می که مورا از تو نبوده در

کشیده‌های تخت در سطرهای ساده

باد بهار است آمد و آورد و یادتو

سایه رحمت خدارا از سر ما و امداً

تأیر مراد دوست رود زورگارتو

زنده تاهست نام ایران باد

امید است سر رشته کار ما

گله از دست روزگار کن

چشم بد از روی خوست وور باد

بر خیز خواب نور دیده

فعالیت:

دانش آموزان می توانند در یافتن مشق های ساده ای که دارای کشیده تخت اند، با یکدیگر مشارکت کرده، پنج نمونه را پس از تأیید معلم هنر خوشنویسی کنند.

هر که بدی کرد به بنده بندید

هر چه آید بر سپهر ما نکند

از دل نرود هر سزا که از دیده رو

مژده ای دل که ترا یار نسید آرد

تا سر زود در سپهر شود که تو داری

هم ز خود جوی سپهر می خواهی

مردانه ار از سپهر این کار در کند

خوردۀ ام تر با تر شیرین بنا آورده ام

ای ترا نام نلبند و جاوید

دارم پری و سزار سواد

فعالیت:

با یافتن چند نمونه از سطرهایی که دارای کشیده‌های کمانی می‌باشند آن‌ها را اجرا کنید.

حرف (م)

غم و اندوه زور کار مخور

الهی امیدم به درگاه توست

خوب کم از بد نزنون بهتر

بهر آرامم دلم نام دلار آرام بگو

به کام تو باد ایست کار تو

آدم از دانه او مشاده به دام

فعالیت:

با راهنمایی معلم هنر، دانش‌آموزان مصرع‌های ساده‌ای را که حرف «میم» دارند، پیدا می‌کنند و آن‌ها را در قالب قطعات خوشنویسی، می‌نویسند و آماده می‌سازند.

دایره (ش)

بهار آمد بهار آمد خوش آمد

دنیا به کام و گردش ایام بر مرا

خوش بود یادگار دوست مرا

به ادب کوی همی پسر همی کوی

پایه پایه برتوان روشن به باک

سرمشق‌های ساده و متنوع

باسبینما که از زر کور کرد

در دشمن زمانه ز مایا دگارا

هر زیان از زبان شود پکیدا

همه در دهن از نژون خوردن است

چو دادی قول بر قولست و ناکن

لذت‌یاشن از یاقهٔ

از آغاز دست‌پایان کنسید

همیشهٔ کنخواه مردمان باش

تمرین زیاد بهترین استیاد است

به‌نگی کوشش تا جاویدمانی

اگر بد کنی چشم‌نگی مدا

فعالیت:

با مطالعه و بررسی، پنج سرمشق ساده و متنوع را بیابید و تحریر کنید.

گر که خواهی ره خط سازوی
بهترین ره بود مسیانه روی

به هر کار بار از دان راز کوی
در چاره از رای او بازجوی

امروز همه امیسا فردا
فردا همه آرزوی دیروز

نتیجه‌گیری

سرمشق‌های ساده خوشنویسی در کلاس آموزش خط با حرکت پله‌پله، دانش‌آموزان و هنرجویان را به دنیای خوشنویسی وارد می‌کند. بر این اساس، شایسته است دبیران محترم هنر و هنرآموزان گرامی خوشنویسی برای آن‌ها در فرایند تعلیم خط سهم بسزایی قائل شوند. بی‌تردید، این حرکت گام‌به‌گام می‌تواند راه را برای رسیدن به هدف‌های رفتاری که نمونه بارز آن ایجاد علاقه و انگیزه برای خوش خطی و تمرین خط است، به خوبی هموار کند. آماده‌سازی مجموعه‌ای از سرمشق‌های ساده اولین گام انگیزه‌آفرین برای برپایی نمایشگاه‌های خوشنویسی در کلاس به شمار می‌آید. بنابراین، تأکید بر نکته محوری این نوشتار همچنان مورد نظر نگارنده است: مشق‌های ساده را جدی بگیر!

آشنایی با هنرهای زیبای بوسنی و هرزگوین هنر در قلب اروپا

اشاره

حضور مسلمانان در قلب اروپا انتقال دهنده هنرهای اسلامی و تجسمی از پانصد سال پیش در آن سرزمین بوده است. گزارش زیر حاصل بازدید از دانشکده هنرهای زیبای ساریوو و نگاهی به هنر در بوسنی و هرزگوین است. این گزارش با هماهنگی رایزن فرهنگی ج.ا.ا در بوسنی و سازمان فرهنگ و ارتباطات فراهم آمده است. رشد آموزش هنر از آقایان علی اصغر عامری، صالحی و عسگری که زمینه مساعدی را برای گفت‌وگو و ارتباطات و تعامل با استادان و دانشجویان و بازدید از فعالیت‌های این دانشکده و سایر شهرها و مکان‌ها در بوسنی و هرزگوین فراهم آوردند، سپاسگزاری می‌کند.

دانشکده هنرهای تجسمی سارا یوو

این دانشکده با قدمت زیاد دارای رشته‌های مجسمه‌سازی، نقاشی، مرمت آثار تاریخی، خوشنویسی است. بخش درخور توجهی از دانشجویان این دانشکده در رشته آموزش هنر کار می‌کنند. در واقع، این رشته قرینه رشته تربیت دبیر هنر در کشور ماست. دانشجویان این رشته در ترم‌های اولیه با کلیات هنرها آشنا می‌شوند و سپس در سال‌های سوم و چهارم رشته مورد علاقه خود را به‌عنوان واحدهای تخصصی انتخاب می‌کنند. در کارهای عملی دانشجویان گرایش‌های قطاعی، انجام دادن تزیین روی چرم، و هنر سوخت و جلدهای لاک‌ی نیز دیده می‌شود. این دو گرایش بیشترین تأثیر را از هنرمندان ایران گرفته‌اند. مجسمه‌سازی در این دانشکده بیشتر حول محور ساخت تندیس‌ها و اندام انسان‌ها متمرکز بود. مواد اصلی مجسمه‌ها سنگ، گچ و چوب بود و دانشجویان با اشتیاق و علاقه فراوان به پردازش مجسمه‌های ساخته‌شده مشغول بودند. در آثار خوشنویسی موجود در رشته مرمت آثار تاریخی، قرآن‌های قدیمی هم از ایران و هم از عثمانی دیده می‌شد. وجود وقف‌نامه‌های قدیمی نیز جالب توجه بود؛ زیرا از همان پانصد سال پیش اکثر وقف‌نامه‌ها به سه زبان بوسنیایی، فارسی و ترکی نوشته می‌شده و این نکته نفوذ فرهنگ ایران را در سرزمینی که به «محل تلاقی فرهنگ‌ها» معروف است، نشان می‌دهد. در دیدار با «دکتر کاظم حاج ملیچ»، رئیس گروه هنرهای تجسمی و دانشجویان ایشان مشخص شد که نام‌برده اطلاعات خوبی از تاریخ خوشنویسی ایرانی و اسلامی دارد و در این زمینه دو کتاب نیز تألیف کرده و به چاپ رسانده است. یکی از این کتاب‌ها تحقیقی درباره «کاغذ ابرو باد» است که نمونه‌های زیبای آن تابلوهایی خیال‌انگیز بود. آخرین سفر ایشان به ایران مربوط به چند ماه قبل و حضور در جشنواره ابداع و نوآوری در هنر (دانشگاه هنرهای اسلامی



مقدمه

کشور بوسنی و هرزگوین با ۵۲ کیلومتر مربع وسعت و ۳,۵ میلیون نفر جمعیت از کشورهای کوچک حوزه دریای بالکان است. نیمی از جمعیت بوسنی را مسلمانان تشکیل می‌دهند و به‌همین‌سان، در تمام شئون زندگی آنان می‌توان تأثیر آموزه‌های اسلامی را مطالعه کرد. سارا یوو، مرکز این کشور، از دیرباز - یعنی از زمان یوگسلاوی سابق - مهد فرهنگ، هنر و موسیقی بوده است. این شهر پر از مسجد است و به‌همین‌سان، به آن «شهر هزار مسجد» نیز می‌گویند. بافت جنگلی و طبیعت سارا یوو یکی از جلوه‌های زیبای آفرینش است. دورتادور شهر را جنگل‌های سرسبز و انبوه احاطه کرده است. خانه‌های این فضای طبیعی و پرنقش‌ونگار و همچنین عبور رودها و نهرها و آبراه‌ها فضایی هنرپرور و خیال‌انگیز را رقم زده است تا هر هنرمند غوغای درون خویش را به نوک قلم‌مو و قلم‌نی و کاردک مجسمه‌سازی بسپارد.



تبریز) بوده است. ایشان اشاره داشت که مثنوی خوانی در تکایای بوسنی رواج دارد و هنگام سخن گفتن درباره تأثیر فرهنگ ایران، مجموعه مسجد و مدرسه و کتابخانه «غازی خسرو بیگ» را به عنوان مثال عینی مصرف کرد. این مسجد را معماری ایرانی به نام اسیرعلی در قرن یازدهم ساخته و سازنده که پدرش ایرانی بوده آن را وقف آموزش و تحصیل طلاب علوم دینی کرده است. نکته قابل توجه برای دبیران هنر این است که هر سرزمینی تولید و خلاقیت هنری خود را به شکل ذاتی و طبیعی بر داشته‌های سرزمینی و فرهنگ خود استوار می‌کند. در آثار هنری هنرمندان نقاشی و مجسمه‌سازی این تأثیر محیط را به وضوح می‌توان دید. مردم بوسنی از سه قوم صرب، کروات و مسلمان تشکیل شده‌اند و در مجموع نسبت به هنر نگاه کنجکاوانه و علاقه‌ای درخور توجه دارند. بازدید دائمی آن‌ها از نمایشگاه‌های هنری مؤید این نکته است که به رغم حضور در جامعه‌ای قومیت‌گرا، هنر زبان مشترک همه آن‌هاست. در عین حال، درسی که می‌توان از دیار چندپارچه و قومیتی‌شده بوسنی و هرزگوین گرفت، توجه به ارزش اتحاد، انسجام و هم‌بستگی ملی در کشور خودمان است. بر این نکته تأکید می‌شود که این هم‌بستگی عمیق اجتماعی و فرهنگی باید با زبان هنر و تولیدات هنری قوام و دوام یابد و هنر می‌تواند مقوم اصلی برای این یکپارچگی باشد. از دیگر شهرهای مهم بوسنی که عموماً مسلمان‌نشین است، شهر بیهاج در سیصد کیلومتری سارایوو است. طول مسیر سیصد کیلومتری تا عمق جنگل‌های دوردست را فضای سبز طبیعی پوشانده و در واقع شاهکار هنری اصیلی را نقاشی ازل با قلم‌موی زیبای خود نقش‌انداز تابلوی طبیعت کرده است. پاکیزگی محیط زیست بین‌راهی سرمشقی برای محیط زیست کشورمان است که چگونه مردمان کشوری کوچک در حفظ و حراست سرمایه‌های ملی خود کوشا و متفقد اند. مهم‌ترین مرکز

هنری در بیهاج «گالری گرادسکاست» که تمام نمایشگاه‌های هنری در آن تشکیل می‌شود. با هنرمندان خوشنویس (با گرایش ثلث) و نقاش (با گرایش رنگ‌روغن و آکرلیک) فرصت دیدار دست داد. بیشترین درون‌مایه هنرمندان نقاش، طبیعت‌گرایی و به تصویر کشیدن زیبایی‌های رود بسیار مهم بیهاج به نام «اونا» است. این رود شهر بیهاج را در بر گرفته و آن را به یک جزیره تبدیل کرده است. همچنین در مسیر و سیر طولانی خود با کوهستان و جنگل تلاقی یافته است و بهترین مناظر را برای لذت‌بردن تقدیم بینندگان خود می‌کند. در دهه گذشته، یکی از مهم‌ترین نقاشان بیهاج به نام «انور کورویچک» آثار خود را به گالری هنر تقدیم کرده و شهرداری بیهاج نیز برای حفظ این آثار نگارخانه‌ای را به آن‌ها اختصاص داده است. نکته جالب دیگر، وجود کتیبه‌های خط نستعلیق و نسخ در سردر یکی از مساجد بود. این کتیبه که در سال ۱۲۳۲ ه. ق. روی سنگ حجاری شده، مربوط به دوره تعمیر و بازسازی مسجد فتحیه بیهاج است. دیدن کتیبه نستعلیق ایرانی در قلب اروپا بسیار شوق‌انگیز و شگفت‌آور است. آنچه آمد کندوکاوی گذرا بر مقوله هنر در سرزمین بوسنی و هرزگوین بود. به طور حتم، جلوه‌های هنری آن دیار با دقت و تأمل بیشتر در گفت‌وگو با صاحب‌نظران و هنرمندان بیشتر از موارد پیش گفته آشکار می‌شود.

**نکته قابل توجه
برای دبیران هنر
این است که هر
سرزمینی تولید
و خلاقیت هنری
خود را به شکل
ذاتی و طبیعی
بر داشته‌های
سرزمینی و
فرهنگ خود
استوار می‌کند**

روشنایی سلجوقی

معرفی و تحلیل ساختاری
وسایل روشنایی فلزی دوران
سلجوقی با تأکید بر آثار
موزه‌های ایران باستان و لوور



مهران هوشیار

استادیار گروه هنر اسلامی دانشکده هنر، دانشگاه سوره تهران

آزیتاحسینی

دانشجوی کارشناس ارشد پژوهش صنایع دستی، دانشگاه سوره

سمانه ترکشوند

دانشجوی کارشناس ارشد پژوهش صنایع دستی، دانشگاه سوره

چکیده

ساخت وسایل روشنایی از دیرباز یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر بوده است. عصر سلجوقی یکی از شاخص‌ترین دوره‌های تاریخی در دوران اسلامی است که در تمامی هنرها از جمله فلزکاری پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای حاصل آمده است. از آنجاکه تنوع فرم و تزئینات وسایل روشنایی فلزی این دوران بیش از نمونه‌های سفالی و شیشه‌ای به جای مانده است، در این مقاله سعی بر آن بوده است که وسایل روشنایی فلزی دوران سلجوقی با تمرکز و تأکید بر آثار موجود در موزه ایران باستان و لوور فرانسه معرفی و تحلیل ساختاری شود. روش به‌کاربرده شده در این پژوهش، شیوه تاریخی-توصیفی و تحلیلی بر اساس آثار موجود و متون باقی‌مانده بوده و با گردآوری مطالب و اسناد مکتوب و نیز مشاهده آثار موجود در موزه‌های مذکور، انجام شده است. هنرمندان سلجوقی به این ابزار تنها به چشم وسایلی برای رفع نیاز نمی‌نگریستند بلکه به دنبال هرچه زیباتر و خلاقانه‌تر کردن آن‌ها بودند و از درج نقوش تزئینی بر سطح این اشیاء، برای ثبت عقاید حامیان و پیروان خود و نیز بازتاب نگرش اجتماعی عصر سلجوقی استفاده می‌کردند. آشنایی با فرم و اشکال این وسایل می‌تواند در احیای هنر سلجوقی در هنر عصر حاضر، کمک شایانی باشد.

کلیدواژه‌ها: وسایل روشنایی فلزی، دوران سلجوقی، موزه ایران باستان، موزه لوور

مقدمه

و تشویق سلاجقه، در رشد و تعالی این هنر مؤثر واقع شده است؛ به طوری که بسیاری از هنرشناسان، هنر فلزکاری را که اغلب در وسایل روشنایی نمود پیدا کرده است، یکی از برترین هنرهای دوران سلجوقی برمی‌شمارند. این وسایل عبارت‌اند از: پیه‌سوز، شمعدان، چراغدان، پایه چراغ، قندیل، فانوس، مشعل و چراغ‌های روغنی، با توجه به بررسی‌های انجام‌شده و اهمیت هنر فلزکاری در دوره سلجوقی، نیاز به پژوهش بسیاری درباره این

با ظهور اسلام، هنر و صنایع دستی دچار تغییر و تحول عمده‌ای شد و اکثر قالب‌های هنری گذشته را دگرگون و متحول ساخت. هنر فلزکاری ایران در طول حیات خود در دوره‌های مختلف دچار تحولات عمده‌ای شده است که از جمله می‌توان به دوران حکومت سلجوقیان اشاره کرد. فلزکاری در دوران سلجوقی با حفظ شکوه و جلال و نیز ظرافت خاص دوره ساسانی، جنبه‌های هنر اسلامی را نیز در بر دارد و حمایت

هنر، به‌ویژه در این دوران، احساس می‌شود. این پژوهش بر مبنای وسایل روشنایی موجود در موزه ایران باستان و لوور پاریس صورت گرفته و نمونه آماری آن شامل ۱۷ اثر بوده است. هدف پژوهش، مطالعه انواع وسایل روشنایی فلزی و تکنیک ساخت آن‌ها در آن دوران، شناخت و بررسی تنوع شکلی آن‌ها و بررسی تنوع تزیینات به‌کاررفته در این آثار و نیز کمک به مستندسازی این آثار برای به‌دست‌آوردن ریشه‌ها و پیوندزدن گذشته به امروز می‌باشد.

پرسش‌هایی که در این خصوص مطرح می‌شود عبارت‌اند از:

۱- وسایل روشنایی دوران سلجوقی از نظر تکنیک ساخت چه تنوعی داشته‌اند؟

۲- تنوع شکلی وسایل روشنایی این دوره به چند دسته قابل تقسیم است؟

روش انجام تحقیق کتابخانه‌ای- میدانی، بر اساس جست‌وجوی منابع و مقالات و نیز به‌صورت بازدید از موزه ایران باستان تهران و جست‌وجو در موزه لوور پاریس از طریق وب‌گاه‌های موجود و قابل دسترسی بوده است. برخی از مقالات مورد استفاده در این پژوهش عبارت‌اند از:

• «فلزکاری سلجوقی هنر اسلامی با هویت ایرانی»، نوشته مهدی رازانی و حمیدرضا بخشوده‌فر، فصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی، سال پنجم شماره ۴ و ۵، زمستان ۱۳۸۸ و بهار ۱۳۸۹.

• «بررسی هنر فلزکاری در دوران سلجوقی»، نوشته باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، هنر و معماری، سال ۱۳۶۲.

• «قندیل نماد نور الهی»، نوشته فاطمه حاتمی، فقه و اصول، وقف میراث جاویدان، تابستان ۱۳۸۵، شماره ۴ و ۵.

• «جایگاه و نمود مذهب در قندیل‌های ایرانی»، نوشته مهناز شایسته‌فر، علوم قرآن و حدیث، مشکوه، بهار و تابستان ۱۳۸۱، شماره ۷۴ و ۷۵.

• «زبان و بیان در هنر فلزکاری ایران دوره اسلامی تا حمله مغول»، نوشته محمد خزایی و بهار موسوی مجازی، ماه هنر، خرداد ۱۳۹۱، شماره ۱۶۵.

معرفی هنر و صنایع فلزی دوران سلجوقی

سلجوقیان در اصل از طوایف چادرنشین و صحراگرد ترکمن از نواحی قرقیز در آسیای مرکزی بودند که در اوایل سده پنجم ه. ق با تصرف قسمت اعظم ماوراءالنهر حکومت خود

را پایه‌گذاری کردند. «روی کار آمدن سلجوقیان به پایتختی ایران چهار رویکرد اساسی در پی داشت که توسعه هنرها را نیز تحت تأثیر قرار داد. ۱- تعادل و موازنه بین گروه‌های نژادی و زبانی، ۲- تجزیه قدرت سیاسی در چهارچوب خلافت عباسی، ۳- تجدید حیات تسنن و تهذیب تشیع و شکوفایی تصوف، ۴- توسعه و گسترش زبان فارسی و آداب و سنت‌های ایرانی» (بازورث و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۱). صنعت فلزکاری بر اثر رواج مجدد اسلوب زرکوبی بر سطح اشیای مفرغی و برنجی، به شکوفایی تازه‌ای دست پیدا کرد. این اسلوب در اوایل دوره اسلامی گاه همراه با حکاکی و برجسته‌کاری روی فلزات در ایران به کار رفته بود لیکن از اوایل قرن بیستم ه. ق. مس و نقره مورد استفاده قرار گرفت و از اوایل قرن هفتم هجری نقره‌کوب کردن و زرکوب کردن ظروف و اشیای نفیس فلزی متداول شد. «صنعت فلزکاری سلجوقیان مانند دوران ساسانی در دو نوع است:

۱- اشیای ساخته‌شده از ورقه‌های مس، آهن، برنج و ندرتا از طلا و نقره؛

۲- اشیای ریختگی ساخته‌شده از مفرغ، برنج، مس و احتمالاً طلا و نقره» (احسانی، ۱۳۸۲: ۱۴۳).

در روش اول برای ساخت اشیای مسطح، از جمله قلمدان، پایه‌های بلند شمعدان مشبک و سینی به کار می‌رفت. اشیای ساخته‌شده به روش ریخته‌گری که جزء روش دوم می‌باشد عبارت‌اند از: تنگ، جام‌های بزرگ، شمعدان‌های بزرگ، برخی از پیه‌سوزها و عودسوزها.

بیشتر اشیای فلزی در عصر سلجوقی که در ایران ساخته شده‌اند، از جنس مس و آلیاژهای آن، یعنی مفرغ و برنج‌اند.

تکنیک‌های به‌کاررفته در هنر فلزکاری این دوره، بیشتر ریخته‌گری یا قالب‌گیری بوده است. به‌طور کلی نقوش تزیینی موجود بر این اشیای فلزی عبارت‌اند از:

۱- نقوش انسانی

۲- نقوش حیوانی

۳- نقوش موجودات افسانه‌ای

۴- نقوش گیاهی

۵- نقوش هندسی

۶- کتیبه‌های خطوط تزیینی.

شمعدان

شمعدان‌های این دوره انواع متفاوتی دارد. برخی از آن‌ها کوتاه‌اند؛ شکل ظاهری آن‌ها

بسیاری از
هنرشناسان،
هنر فلزکاری
را که اغلب در
وسایل روشنایی
نمود پیدا کرده
است، یکی از
برترین هنرهای
دوران سلجوقی
برمی‌شمارند





شکل ۱- شمعدان مفرغی، ایران، خراسان، سده‌های ۶ و ۷ م. ق، ریخته‌گری، حکاکی، موزه ایران باستان، بخش دوران اسلامی



شکل ۲- شمعدان مسی، ایران، خراسان، اواخر سده ۶ و اوایل سده ۷ م. ق، چکش کاری، برجسته کاری، نقره کوب، حکاکی، موزه لوور



شکل ۳- پیه‌سوز، مفرغی، ایران، قوچان، سده‌های ۵ و ۶ م. ق، ریخته‌گری، حکاکی مس و برنج کوب، موزه ایران باستان، بخش دوران اسلامی



شکل ۴- پیه‌سوز، مفرغی، ایران، خراسان، اواخر سده ۵ و اوایل سده ۶ م. ق، ریخته‌گری، حکاکی، موزه لوور پاریس



شکل ۵- پیه‌سوز، مفرغی، ایران، خراسان، اواخر سده ۵ و اوایل سده ۶ م. ق، ریخته‌گری، حکاکی، موزه لوور پاریس

شبهه به زنگ است و پایه‌هایی گرد یا چندضلعی دارند. این پایه‌ها دارای نقوش نیم‌برجسته یا تمام‌برجسته پرنده‌گان و حیوانات و گاه نقوش انسانی در حال انجام دادن کارهای مختلف هستند و معمولاً بر زمینه‌هایی با نقوش اسلیمی یا هندسی تزیین شده‌اند.

شمعدان‌های بلند سه پایه، و بدنه‌ای استوانه‌ای دارند که در انتهای استوانه یک سینی جهت قرار گرفتن شمع تعبیه شده است. پایه‌های این شمعدان‌ها اغلب به شکل پنجه حیوانات با نقوش گیاهی، هندسی، جانوری و کتیبه است. شمعدان‌های فلزی اوج هنرنمایی فلزکاران بوده است و هنرمندان روی آن‌ها انواع نوشته‌ها و تصاویر را قلم‌زنی، حکاکی و ... نموده‌اند. فرم شمعدان‌ها را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد:

الف- شمعدان‌های استوانه‌ای و ستونی (پایه یا بدن جانور)

ب- شمعدان‌های حجیم، پهن و کوتاه (پایه‌های چندضلعی یا مدور).

الف- شمعدان‌های استوانه‌ای و ستونی (پایه یا بدن جانور): این شمعدان‌ها معمولاً دارای پایه‌هایی به شکل پنجه یا بدن جانوران‌اند. استوانه میانی در بیشتر موارد مشبک شده که علاوه بر زیبایی به سبکی اشیاء نیز کمک نموده است (شکل ۱).

ب- شمعدان‌های حجیم، پهن و کوتاه (پایه چندضلعی و مدور): این فرم شمعدان‌ها

با نقش کردن تزیینات و وقایع روزمره از فرم استوانه‌ای مناسب‌ترند؛ چراکه فضای بیشتری برای به نمایش گذاشتن هنرنمایی هنرمندان دارند و با توجه به قدرت بدنه و سنگینی وزن نسبت به دیگر نمونه‌ها از استقامت بیشتری برخوردارند (شکل ۲).

پیه‌سوزها

پیه‌سوزها جزء اولین وسایل روشنایی در زندگی بشر بوده‌اند و با بررسی این اشیاء، به سیر تحول وسایل روشنایی می‌توان پی برد. پیه‌سوزها در این دوره فرم‌های متنوع و گوناگونی دارند. برخی دارای پایه‌های مخروطی و چندضلعی و برخی بدون پایه‌اند. تعدادی از آن‌ها تک‌فتیله‌ای و تعدادی چندفتیله‌ای هستند. همچنین بعضی دو یا سه دسته دارند که در طرفین و در عقب بدنه‌شان است. البته پیه‌سوزهایی هم یافت شده‌اند که علاوه بر دسته، زنجیری برای

آویزان کردن از سقف یا دیوار دارند. در ساخت و تزیین پیه‌سوزها، مانند دیگر وسایل روشنایی، هنرمندان این دوره تمام هنر خود را به کار گرفته و نمونه‌های بسیار زیبایی به وجود آورده‌اند. پیه‌سوزهای یافت‌شده را می‌توان با توجه به فرم و شکل به پنج دسته تقسیم نمود:

الف- پیه‌سوزها با پایه چندضلعی:

به‌طور کلی، این پیه‌سوزها علاوه بر پایه چندضلعی، دارای دسته‌هایی به شکل حیوانات از قبیل پرنده‌گان و فیل هستند. شاید نقطه اشتراک تمامی آن‌ها فرم گلابی‌شکل دهانه و دسته جانوری‌شان باشد. تعداد زیادی از پیه‌سوزها از این دسته‌اند (شکل ۳).

ب- پیه‌سوزهای تک یا چند فتیله‌ای بدون پایه:

این دسته از پیه‌سوزها معمولاً بدنه‌ای مدور با درپوش‌های جانورسان و گاه دسته‌هایی مزین به شکل پرنده دارند (شکل ۴).

ج- پیه‌سوزهای چند فتیله با پایه:

پیه‌سوزها بیشتر پایه‌های جانوری و گاه پایه‌های مدور دارند (شکل ۵).

د- پیه‌سوزهای حیوانی:

این دسته از پیه‌سوزها بیشتر به شکل حیوانات افسانه‌ای و گاه پرنده‌گان می‌باشند (شکل ۶).

ه- پیه‌سوزهای آویزی:

این پیه‌سوزها برای روشن کردن از سقف آویزان می‌شوند و شاید بتوان آن‌ها را نوعی قندیل محسوب کرد. معمولاً این نوع پیه‌سوز بیش از دو فتیله داشته‌اند تا بتوانند روشنایی بیشتری به وجود آورند (شکل ۷).

۲- جدول و نمودار شیوه اجرای نقوش و روش ساخت

شمعدان	پیه‌سوز	شیوه اجرای نقوش و روش ساخت
۵	۱۰	حکاکی
۲	۳	مشبک کاری
۴	۱۲	ریخته‌گری
۱	۰	چکش کاری
۱	۰	برجسته کاری
۱	۰	قلم‌زنی
۲	۰	نقره کوب



شکل ۶- پیه‌سوز، مفرغی، ایران، سده ۶ ه. ق، ریخته‌گری، حکاکی، موزه لوور پاریس



شکل ۷- پیه‌سوز، مفرغی، ایران، خراسان، سده ۵ ه. ق، ریخته‌گری، موزه ایران باستان، بخش دوران اسلامی

سلجوقی نیز می‌شود- استفاده از فلزهای گران بها چون طلا و نقره جایز نبوده است، هنرمندان آن دوران به ابتکاری جدید دست می‌زده‌اند؛ یعنی ساخت اشیاء از آلیاژهای ارزان تری مثل مفرغ و برنج و همچنین تزیین و ترصیع آن‌ها با فلزات نقره و طلا، و بدین طریق این ظروف کم‌بها را جلوه و جلای مطلوب می‌بخشیده‌اند.

بر اساس تحقیقات و اطلاعات جمع‌آوری شده در این پژوهش، ۱۷ نمونه اثر که از نظر تنوع، به ترتیب شامل پیه‌سوز و شمعدان‌اند، مورد مطالعه قرار گرفتند. با توجه به آمار ارائه‌شده در جدول و نمودار ۳-۱، بیشترین نوع فلز استفاده‌شده در این نمونه‌ها، مفرغ است. همچنین در این دوران، از دو تکنیک ریخته‌گری و حکاکی جهت ساخت و تزیین نقوش اشیای فلزی موجود در این دوره، موزه، استفاده شده است (نمودار ۳-۲)، ضمناً روی تمامی شمعدان‌ها و پیه‌سوزهای موجود می‌توان تزییناتی شامل تلفیق نقوش گیاهی، هندسی، انسانی، حیوانی و کتیبه‌ای (نوشتاری) مشاهده کرد. استفاده کمتر از نقوش انسانی و حیوانی و استفاده فراوان از نقوش گیاهی و هندسی و نوشتاری را نیز می‌توان به‌وضوح مشاهده نمود (نمودارهای ۳-۳ و ۳-۴).

متأسفانه روی اشیای یافته‌شده، امضا یا نامی که مشخص کند اثر متعلق به کدام هنرمند است یا به سفارش چه کسی ساخته شده است، وجود ندارد. ضمناً پس از انجام بررسی و تحلیل ساختاری نقوش تزیینی به‌کاررفته روی آثار موجود در موزه‌های ایران باستان و لوور پاریس، جداول فراوانی و نمودارهای مربوط به آن‌ها تهیه و تنظیم گردید. با توجه به آمار و ارقام مندرج در جداول و نمودارهای مذکور، روش ساخت و شیوه تزیینات متداول شمعدان و پیه‌سوزهای متعلق به دوران سلجوقی ریخته‌گری و حکاکی بوده است. ضمناً نقوش تزیینی به‌کاررفته در شمعدان‌ها و پیه‌سوزهای دوران سلجوقی، نوع «هندسی و گیاهی» در اکثریت و نوع «انسانی» در اقلیت می‌باشند. همچنین، نوع «حیوانی و نوشتاری» به لحاظ توزیع فراوانی نسبی در حد میانه نزدیک به اکثریت قرار دارد. لذا از این پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که توجه و تمرکز هنرمندان فلزکار دوره سلجوقی بیشتر بر روش ساخت ریخته‌گری و همچنین شیوه تزیینات با نقوش هندسی و گیاهی بوده است و آن‌ها ظاهراً توجه کمتری به نوع انسانی داشته‌اند اما از نوع حیوانی و نوشتاری نیز کم‌وبیش استفاده کرده‌اند.

۱- جدول و نمودار تنوع جنس شمعدان و پیه‌سوز

شمعدان	پیه‌سوز	جنس
۴	۱۱	مفرغ
۱	۰	مس
۰	۱	برنج

۳- جدول و نمودار فراوانی نسبی نقوش تزیینی در شمعدان‌ها

تعداد	نوع نقوش
۴	گیاهی
۳	نوشتاری
۱	انسانی
۳	حیوانی
۴	هندسی

۴- جدول و نمودار فراوانی نسبی نقوش تزیینی در پیه‌سوزها

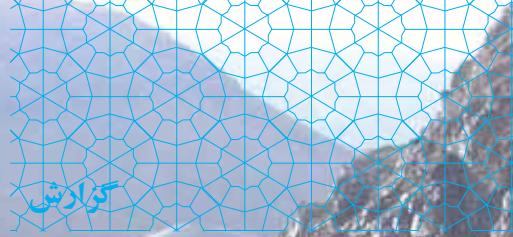
تعداد	نوع نقوش
۶	گیاهی
۴	نوشتاری
۱	انسانی
۴	حیوانی
۵	هندسی

نتیجه‌گیری

در این مقاله پس از معرفی ابزار و وسایل روشنایی، درباره زمینه تاریخی، فرهنگی، هنری و تکنیک ساخت و انواع تزیینات وسایل روشنایی فلزی در دوره سلجوقی توضیحاتی داده‌ایم و در ادامه، به بررسی و توصیف هر یک از اشیای فلزی روشنایی، از لحاظ تکنیک و روش ساخت و نقوش تزیینی به‌کاررفته روی آن‌ها پرداخته‌ایم. تحقیق حاضر با هدف بررسی دقیق‌تر ابزار روشنایی باقی‌مانده از دوران سلجوقی انجام شده است. ابزارهای روشنایی به‌دست‌آمده از این دوران، که بیشتر شمعدان و پیه‌سوزند، که در موزه‌های ایران باستان و لوور پاریس نگهداری می‌شوند از آنجاکه در دوره‌های اسلامی- که شامل دوره

منابع

۱. احسانی، محمدتقی. (۱۳۸۶). هفت هزار سال فلزکاری در ایران. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۲. افروز، محمد. (۱۳۸۹). فلزکاری عصر سلجوقی و صفوی. تهران: انتشارات جمال هنر.
۳. بازورث و دیگران. (۱۳۸۴). شاهکارهای هنر ایران (ترجمه یعقوب آژند). تهران: انتشارات مولی.
۴. ایس، کریستی. (۱۳۴۷). تاریخ هنر اسلامی (ترجمه مسعود رجوب نیا). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵. پوپ، آرتور و آکرومن، فیلیس. (۱۳۸۴). شاهکارهای هنر ایران (ترجمه پرویز نائل خانلری). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۶. توحیدی، فائق. (۱۳۸۶). مبانی هنرهای فلزکاری، سفالگری، نگارگری و... تهران: انتشارات سمیرا.
۷. حیدرآبادیان، شهرام. فرناز عباسی فر. (۱۳۸۸). هنر فلزکاری اسلامی. تهران: نشر سبحان نور.
۸. دیماند، س. م. (۱۳۶۵). راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. سید صدر، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). دایره المعارف هنر. تهران: سیمای دانش.
۱۰. کاتلی و دیگران. (۱۳۸۶). هنر سلجوقی و خوارزمی (ترجمه یعقوب آژند). تهران: انتشارات مولی.
۱۱. گرگانی، مهراوه. (۱۳۷۶). ابزار روشنایی. مجله میراث فرهنگی، شماره ۱۷، بهار و تابستان.
۱۲. حمدحسن، زکی. (۱۳۸۸). هنر ایران در روزگار اسلامی (ترجمه محمدابراهیم اقلیدی). تهران: انتشارات صدای معاصر.
۱۳. وارد، ریچل. (۱۳۸۴). فلزکاری اسلامی (ترجمه مهناز شایسته‌فر). تهران: انتشارات مطالعات اسلامی.
14. Allan W. James. (1982). Nishapur Metalwork of the Early Islamic Period. New York, NY: MetPublications



نمادپردازی در
 تزیینات هنر اسلامی
منار جام
 نماد ایستادگی هنر در
 آشوب‌های زمانه

محمد دشتی





اشاره

هنر تنها ابزاری است که می‌تواند به مصاف آشوب و جنگ برود، در میانه میدان، بر بلندای رفیع پیروزی بایستد و مشعل امید را برای انسان‌های پراکنده در عالم سرگشتگی و ناامیدی روشن نگه دارد؛ کارکردی که تنها در جوهر و گوهر هنر نهفته است. مردم یک بوم و حتی نمادهای هنری آن توانایی این را دارند که نیم‌قرن جنگ و خون‌ریزی و بی‌خانمانی را تاب آورند و چون مشعلی فروزان، صلح را به انسان‌های صادق و صالح و امیدوار نوید دهند.

سال‌هاست سایه شوم پرندۀ جنگ بر سر کشور تاریخی افغانستان در پرواز است؛ جنگی که از درگیری‌های داخلی آغاز شده و با دخالت دو ابرقدرت شرق و غرب آن کشور را رو به ویرانی برده است. امروز نیز با حضور گروه‌های افراطی و جنگ‌طلب هنوز ساکنان مظلوم افغانستان طعم جنگ را می‌چشند.

این کشور ستم‌دیده در چنین شرایط سختی شگفت‌انگیز نیز هست. به‌رغم اینکه مجسمه‌های عظیم بودای آن را طالبان در ایالت بامیان فروریخته‌اند، منار جام که یکی از تماشایی‌ترین بناهای تاریخی افغانستان و پس از قطب منار در دهلی بلندترین منار آجری جهان است، هنوز پابرجاست و برای نجات سرزمینش دست دعا به سوی آسمان دارد.

پدیده‌های شگفت‌انگیز و منحصر به فرد که در میان این آشوب‌ها و جنگ‌های داخلی و خارجی، برجای ایستاده و نظر نازک‌اندیشان و هنرمندان هنرشناس ایرانی و خارجی را به خود جلب کرده است.

در همین ارتباط، گروه باستان‌شناسی و هنر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری در روز پنج‌شنبه ۲۷ آبان‌ماه ۱۳۹۵ یک جلسه سخنرانی با عنوان: «نمادپردازی در تزیینات هنر اسلامی (نمونه موردی: منار جام) را برگزار کرد.

در این جلسه که با حضور دانشجویان، علاقه‌مندان به هنر معماری و دیگر مدعوین برگزار شد، دکتر محمد خزایی دانشیار دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس نتایج و خلاصه یافته‌ها و بررسی‌های پژوهشی خود را درباره منار جام بیان کرد و در پایان نیز درباره این نماد هنری منحصر به فرد، بحث و گفت‌وگو شد. به دلیل اهمیت این اثر تاریخی و ضرورت اشاره به دلالت‌های تاریخی مبتنی بر جایگاه و قدمت منار جام، در ادامه ابتدا سابقه تاریخی منار جام بنا بر برخی منابع مکتوب مرور می‌شود و سپس، گزارش دکتر خزایی ارائه می‌گردد که در آن جلسه مورد توجه حاضران و مدعوین قرار گرفت.



منار و معنای آن

عامل راهنما در کنار شاهراه‌ها و مسیرهای بیابانی و جنگلی برشمرده است که در دوره‌های بعد به مقبره بانی آن یا بزرگان تبدیل شده و یا در پی واقعه‌ای خوب یا بد، عملکردی جدید یافته است. کیانی نیز مناره یا منار را به معنای جای نور و بنایی بلند و کشیده دانسته است که عموماً در کمتر بناهای مذهبی مانند مدارس، مساجد و مقبره‌ها ساخته می‌شدند» (حیدری، ۱۳۸۷).

منار جام و سابقه تاریخی آن

مهدی روشن‌ضمیر در سال ۱۳۵۷ شمسی، در

محمد مهدی حیدری، کارشناس ارشد معماری، در مقاله‌ای با عنوان «جستاری در باب منار» که در مجله هنر و معماری نگاشته است، می‌نویسد: «... منار به مفهوم امروزی و متعارف آن بنایی است مرتفع با پلان عمدتاً مدور. این عنصر که در میان مردم امروز به‌عنوان مأذنه، یکی از نمادهای معروف بناهای مذهبی شناخته می‌شود، از دیرباز در معماری و شهرسازی ایران وجود داشته و بخش مهمی از خاطره جمعی ایرانیان را تشکیل می‌دهد ... استاد پیرنیا، منار را در ریشه به‌عنوان

دکتر خزایی: چرا منار جام؟

دلیل اینکه من این موضوع را برای ارائه در این جلسه انتخاب کردم، این است که بخش زیادی از کار من روی نقوش و بناهای دوره اسلامی و قبل از اسلام است. زمانی که در تحقیقات و کارهای پژوهشی خودم به این مناره رسیدم، دیدم که ویژگی‌های خاصی دارد که این ویژگی‌ها را قبلاً در کمتر جایی دیده‌ام. طراحی دقیق و تناسب‌های به‌کاررفته در این اثر و همچنین ترکیب رنگ و نقوش آن، از جمله همین ویژگی‌هاست که بسیار بااهمیت و قابل توجه است.

همین خصوصیات منحصره‌فرد باعث شد که مدت دو سال روی شواهد و آثار این بنا کار کنم که حاصل آن کتابی شده که در حال چاپ است. شرح کامل این بررسی‌ها نیز ان‌شاءالله به‌زودی در دسترس علاقه‌مندان، پژوهشگران و هنرشناسان قرار خواهد گرفت.

این مناره در منطقه هلمن قرار دارد که در بخش مرکزی و کوهستانی کشور افغانستان و بین منطقه هرات و غزنه قرار دارد. این تک مناره در میان کوهستان واقع شده و شاید بتوان گفت کمتر از ۵۰ تا ۶۰ سال است که شناسایی شده و مورد توجه قرار گرفته است.

این اثر ارزشمند تاریخی، به‌عنوان تنها اثر تاریخی افغانستان، در سال ۱۹۸۱ در یونسکو به ثبت جهانی رسید. مناره جام را معماری به نام علی‌ابراهیم نیشابوری ساخته و این اثر شگفت‌انگیز نشان‌دهنده توانایی و قابلیت این معمار است. آثار هنری شاه زنده و شاه مشهد و نیز بخشی از مسجد جامع هرات دیگر آثار برجسته این معمار هنرمند هستند.

با عنایت به اینکه خطوط استفاده شده در بنا خطوط کوفی (بدون نقطه) هستند، برخی قدمت این بنا را ۵۷۰ سال و برخی دیگر ۵۹۰ اعلام کرده‌اند و البته، حدود سال ساخت آن بین همین دو عدد حدس زده می‌شود.

این مناره به دستور و اشاره غیاث‌الدین ابوالفتح محمد ابن سام، یکی از بزرگ‌ترین سلاطین غوری، ساخته شده است. لازم به توضیح است که غوریان از سال ۵۲۰ تا ۶۱۰ بر افغانستان آن زمان که از نیشابور تا لاهور در قلمرو آن بوده است، حکومت می‌کرده‌اند.

در طول مدت تحقیقات، ما با برخی مشکلات از جمله اختلاف‌نظرها و عدم قطعیت در مورد زمان و سال ساخت آن، معمار بنا و ارتفاع آن و همچنین کاربری مناره، روبه‌رو بودیم اما تلاش کردیم بر اساس شواهد و مدارک موجود، به نزدیک‌ترین

مقاله‌ای درباره منار جام نوشته است:

«... غیاث‌الدین محمد یکی از شاهان دودمان غوری در رجب سال ۵۵۸ ه. ق به سلطنت رسیده است. از بناهای معروف وی که خوشبختانه باقی مانده است، یکی منار جام است که به فرمان وی ساخته شده و در مرکز سرزمین غور، یعنی فیروزکوه، واقع است.

این بنا یکی از آثار پرارزش و زیبای قرن دوازدهم میلادی می‌باشد که از لحاظ هنر معماری، آجرکاری و کاشی‌کاری، یکی از بهترین شاهکارهای دوران اسلامی آن زمان به شمار می‌رفته است و اکنون نیز یکی از مراکز جهانگردی کشور دوست و هم‌جوار ما افغانستان به حساب می‌آید.

این بنا تاریخی از بلندترین نمونه‌های سبک خود بوده و به بلندی ۶۳ متر و قطر پایه هشت متر در کنار هریرود قرار گرفته است و تا بیست سال پیش، جز در افسانه‌ها، از وجود آن اطلاعی وجود نداشت. در سال مزبور یکی از باستان‌شناسان بلژیکی به نام آندره ماریک، عضو هیئت باستان‌شناسی فرانسه در افغانستان، و احمدعلی کهزاد رئیس انجمن تاریخی افغانستان در محل مزبور حاضر و مشغول کارهای علمی گردیدند.

منار جام در کنار هریرود و به‌صورت انفرادی قرار گرفته است و در اطراف آن جز آثاری که باستان‌شناسان در حفاری‌ها به دست آورده‌اند، اثری از ساختمان وجود ندارد و فقط در ارتفاعات کوه‌های دو سوی دره هریرود نشانه‌هایی از بقایای برج‌ها و باروها به چشم می‌خورد.

شهر فیروزکوه که امروز اثری از آن نمانده و این منار در آن قرار داشته است، به سبب سیل‌های متوالی و به‌ویژه در حمله مغول به کلی خراب و نابود شده است» (روشن‌ضمیر، ۱۳۵۷).

در همین زمینه دیگران نیز نوشته‌اند:

«... باستان‌شناسان روز هجدهم ۱۹۵۷ میلادی را به نام روز کشف منار جام تلقی می‌کنند. در همین روز، گروهی از باستان‌شناسان غربی به رهنمایی باستان‌شناس افغانستان احمدعلی کهزاد به خم دره در دهکده جام رسیدند که ناگهان با آن تجسم زیبایی روبه‌رو شدند. تماشای منار، آندره ماریک، باستان‌شناس فرانسوی را چنان شگفت‌زده ساخت که برای یک لحظه احساس می‌کرد با برج جادویی روبه‌رو شده است.

باستان‌شناسان بر این باورند که اهمیت منار جام تنها در زیبایی آن نیست بلکه این منار می‌تواند کلیدی در جهت گشودن رازهای دوره غوریان در افغانستان باشد» (میرغلام، ۱۳۵۹).

باستان‌شناسان بر این باورند که اهمیت منار جام تنها در زیبایی آن نیست بلکه این منار می‌تواند کلیدی در جهت گشودن رازهای دوره غوریان در افغانستان باشد



گمانه‌ها دست یابیم که به آن اشاره خواهیم کرد. در مجموع، ساخت مناره در دوران قبل از اسلام و دوران اسلامی خیلی مورد توجه بوده است. ما مناره‌های زیادی در قرون دوم، سوم، چهارم و پنجم داشته‌ایم که بسیاری از آن‌ها به دلیل اینکه از خشت خام ساخته می‌شده‌اند، در مقابل عوامل طبیعی و گذشت زمان مقاومت لازم را نداشته و از بین رفته‌اند. یکی از قدیمی‌ترین مناره‌هایی که بر جای مانده‌اند، مناره‌های غزنین است که از زمان سلطان محمود غزنوی و پسرانش مسعود سوم و سلطان بهرام بر جای مانده است. البته مقدسی می‌گوید قبل از این مناره‌ها دو مناره در زرنند ساخته شده است که سطح یکی از آن‌ها که به دستور یعقوب لیث ساخته شده، از مس بوده که البته اثری از آن باقی نمانده است.

قدیمی‌ترین و معروف‌ترین مناره‌های ایران

قدیمی‌ترین مناره ایران هم مناره سنگ بست در نزدیکی مشهد است که به دستور ارسلان جاذب، از والیان دوران حکومت سلطان محمود غزنوی در طوس، ساخته شده است.

در قرن پنجم و ششم و در طول دوران حکومت سلجوقیان هم مناره‌های زیادی ساخته شده‌اند؛ از جمله مناره خسروگرد در نزدیکی شهر سبزوار. دو مناره هم در دامغان قرار دارد که مربوط به آل زیاد است. منار چهل دختران در شهر اصفهان نیز از آثار همین دوره است. منار زیار و منار ساریان نیز جزء همین مناره‌هاست که خیلی هم خوب ساخته شده‌اند و از چنان تکنیکی در ساخت برخوردار بوده‌اند که هم‌اکنون و بعد از گذشت ۸۰۰ تا ۹۰۰ سال، همچنان پابرجا هستند.

در بین این مناره‌ها که مربوط به قرن پنجم و ششم هستند، منار جام ویژگی‌های خاصی دارد؛ از جمله اینکه بزرگ‌ترین مناره‌ای است که با آجر ساخته شده است. البته قطب مناره هم که در همان زمان غیاث‌الدین ابوالفتح محمد با ۷۲ متر ارتفاع در شهر دهلی هندوستان با سنگ ساخته شده است، ظرافت و زیبایی منار جام را ندارد. همان‌طور که اشاره کردم، بر اساس تحقیقات من این مناره که علی ابن ابراهیم نیشابوری آن را ساخته، ۶۶ متر

ارتفاع واقعی دارد و ضمناً سال ساخت آن هم سال ۵۷۰ است.

کاربری مناره جام

درباره کاربری آن هم به اعتقاد من این منار بخشی از مسجد جامع فیروزکوه بوده که به دستور امرای قبلی غوریان و سلطان غیاث‌الدین محمد ساخته شده است. بعد از تخریب مسجد در اثر سیل، این مناره که مقاومت خوبی داشته، بر جای مانده است.

در هر صورت، به کارگیری هنرهای بی‌بدیل اسلامی در ساخت این نما و به‌خصوص نمای بیرونی و چشم‌فریب آن نشان از تسلط سازنده منار بر هنر و به‌خصوص هنر معماری اسلامی و استفاده از نشانه‌هایی دارد که ضمن آفرینش زیبایی بصری و شکلی بنا، راز و رمزهای فراوانی با خود همراه دارند.

نمود ظاهری این بنای زیبا و چشم‌نواز نمایش بی‌همتایی از حرف «الف» است که با آجر با ذوق هرچه تمام‌تر روی هم چیده شده است. در زبان بصری هنر اسلامی حرف «الف» از مفاهیم نمایشی برخوردار است. در تفاسیر تاریخی حروف مقطعه، معانی نمادینی برای حرف الف در نظر گرفته‌اند. برای مثال، حرف «الف» به‌عنوان نمادی از الله یا انسان کامل، برخوردار از تمام مراتب تجلی را تداعی می‌کند. ابوالحسن دیلمی (م. ۳۹۱. ق.)، از صوفیان سده چهارم هجری ق. می‌گوید: «اصل هر امری وهمی و عقلی و حسی، حروف بیست و هشت‌گانه و بیست و نه‌گانه است. و آن بر هر چیزی دلالت دارد و از هر چیزی آشکار است. و اصل همه حروف الف است و دیگر حروف از آن پدید می‌آید و الف اشاره به توحید دارد.»

درباره ارتفاع منار جام در بین پژوهشگران اختلاف نظرهایی ملاحظه می‌شود. ارتفاع منار تاریخی جام را ۶۰ متر، ۶۳ متر و ۳۰ سانتی‌متر، ۶۵ متر و گاه ۷۰ متر اعلام می‌کنند. نظر به شواهد، بلندی منار می‌بایستی ۶۶ متر بوده باشد. دلیل آن هم این است که عدد ۶۶ از نظر مقدار در حروف ابجد معادل «الله» است. گفته شد نمود کلی مناره به شکل الف می‌باشد و الف دلالت بر اسم «الله» دارد.

نمود ظاهری این بنای زیبا و چشم‌نواز نمایش بی‌همتایی از حرف «الف» است که با آجر با ذوق هرچه تمام‌تر روی هم چیده شده است





شده است.

شکل مناره شبیه یک میل عمودی به ارتفاع ۶۶ متر، متشکل از پنج بخش است: پایه هشت‌وجهی، سه استوانه که روی پایه هشت‌وجهی استوارند و قطر آن‌ها به تدریج کاهش یافته است و یک مآذنه که پایه‌های آن با شش طاق جناقی باز توسط یک گنبد نیم‌کروی پوشانده شده و بر فراز رأس استوانه سوم قرار دارد. ساختمان داخلی مناره هم از دو استوانه بزرگ و کوچک تشکیل شده است.

پایه هشت‌وجهی مناره

اولین قسمت مناره که از سطح زمین شروع می‌شود، پایه هشت‌وجهی مناره است. ارتفاع پایه مناره ۷ تا ۸ متر است که در حال حاضر تنها حدود ۴ متر آن قابل دیدن است و بقیه آن با بالا آمدن سطح آب قابل رؤیت نیست. دیواره‌های این قسمت از مناره بیشترین میزان خرابی را دارد. کلمه «ابوالفتح» در ابتدای دیواره هشتم ثبت گردیده است که عبارت بعد از آن می‌بایستی محمد بن سام باشد. طبق متن دو کتیبه دیگر مناره، که به اسم و القاب سلطان اختصاص دارد، متن کامل کتیبه احتمالاً عبارت زیر بوده است: السلطان المعظم شاهنشاه الاعظم غیاث الدین و الدین معزالاسلام و المسلمین ابوالفتح محمد بن سام.

بدنه هشت‌وجهی بر فراز پایه منار

این بدنه توسط دو ردیف آجر به صورت خفته - راسته که در بین آن‌ها یک بافت تزئینی گره چینی به صورت قطار بندی کار شده - از قسمت پایه جدا شده است. این بخش از ساقه مناره که کمی باریک‌تر از پایه مناره است، تا ارتفاع تقریبی ۱۸ متر به شمشه‌های آجری به شکل استوانه تغییر شکل پیدا می‌کند.

مشخصه‌های جغرافیایی منار جام

منار جام مهم‌ترین اثر باقی‌مانده از غوریان در ولایت کوهستانی غور در مرکز افغانستان است. این منطقه باستانی در فاصله تقریبی ۷۰ کیلومتری مرکز ولایت چغچران (ولایت فیروزکوه امروز) و ۲۱۵ کیلومتری شرق هرات، در دره‌ای به عمق ۱۹۰۰ متر بالاتر از سطح دریا در میان کوه‌های مرتفع (۳۰۰۰ متر بالاتر از سطح دریا) قرار دارد.

منار جام، ترکیبی جاودانه از حقیقت و رؤیا

این منار زیبا و اصیل برگرفته از هنر و معماری اسلامی در مکانی که آب رود جام به هریرود می‌پیوندد، در میان انبوهی از کوه‌های تیره‌رنگ، در شاکله زرین یک برج باوقار قد برافراشته است. در قسمت میانه آن، کمربندی از کاشی نیلگون نظرهارا به خود جلب می‌کند.

نفاست و ظرافت ساختمان که از واحدهای کوچک خشت پخته ساخته شده و بر روی ملات گچ وضع گردیده، نمایی زیبا و دیدنی به وجود آورده است. تزئینات متنوع و با هم متفاوت‌اند و این تنوع نقش‌ها، زیبایی بیشتری به مناره بخشیده است. هنگام تابیدن آفتاب بر سطح نقوش، اختلاف سطوح، سایه‌روشنی جادویی را ایجاد می‌کند و به منار شکلی ماورایی و رؤیایی می‌بخشد.

شکل و مناره ساختمان منار جام

منار جام از نظر معماری یکی از ظریف‌ترین بناهای سده ششم دوره اسلامی است که از آجر ساخته شده و تمام سطح خارجی آن با انواع آجر تراش نقش برجسته و کاشی فیروزه‌ای تزئین

این منار زیبا و اصیل برگرفته از هنر و معماری اسلامی در مکانی که آب رود جام به هریرود می‌پیوندد، در میان انبوهی از کوه‌های تیره‌رنگ، در شاکله زرین یک برج باوقار قد برافراشته است

کتیبه قرآنی

متن کل سوره مریم شامل ۹۸ آیه (۹۷۶ کلمه) داخل رشته نواری بر روی هشت قسمت بدنه به شکل کتیبه طویلی به صورت پیوسته و مسلسل از یک بخش به بخش دیگر ادامه می‌یابد. به عبارت دیگر، دیواره‌های هشت گانه این قسم منار با آیات قرآن شریف، سوره مریم، به صورت یک رشته بر اساس تک تک حروف که به صورت آجر تراش ساخته شده، روی هم سوار و چیده شده‌اند. هر حرف بر اساس کاربردش در کلمه، در فرم‌های متنوعی تراشیده یا قالب‌گیری شده است تا در جای مناسب خود به کار گرفته شوند. برای مثال، هنرمند حدود ۱۵ شکل مختلف «ب» (شامل «ب» تنها، «ب» چسیان و ...) طراحی کرده است تا در ساختار کلمه مناسب با وضعیت قرارگیری آن حروف چیده شود. این عمل شبیه حروف چینی سربی است به گونه‌ای که کلمات از در کنار هم چیدن حروف متحرک سربی حاصل می‌شوند.

آثار و برکات سوره

در تفسیر البرهان به نقل از پیامبر اسلام (ص) در فضیلت این سوره روایت شده است که اگر سوره مریم بر دیوار خانه‌ای نوشته شود، آن خانه از خطرات حفظ می‌شود و آنچه در خانه است در امنیت می‌باشد. شاید بتوان دلیل بقا و ماندگاری این بنا، آن هم در شرایط خاص آن منطقه، را همین موضوع دانست.

استوانه اول:

این استوانه که در بالای هشت وجهی تا بقایای تاج بزرگ مناره واقع است، در حدود ۱۴ متر ارتفاع دارد و به چهار بخش مجزا ولی به هم پیوسته شامل بخش‌های زیر تقسیم شده است: یک نوار تزیینی با نقوش گیاهی تکرارشونده، شمشه‌های آجری، کتیبه بزرگ با کاشی فیروزه‌ای و تزیینات برجسته آجری با نقوش اسلیمی (گیاهی).

استوانه دوم: بخش میانی مناره

دومین استوانه حدود شانزده متر ارتفاع دارد. سطح خارجی این قسمت از مناره با دو ردیف کتیبه و دو نوار تزیینی به صورت حلقوی که دورتادور آن را فرا گرفته، پوشیده است. هر دو کتیبه در میان دو نوار افقی با نقش‌های مروریدنشان به صورت برجسته قرار گرفته‌اند.

استوانه سوم

کوچک‌ترین میل استوانه‌های منار حدود ۷ متر ارتفاع دارد و بر تارک آن قبه قرار دارد که عبارت آسمانی «اشهد ان لا اله الا الله محمد رسول الله» روی آن نقش بسته است.

مأذنه

بالاترین قسمت مناره مأذنه است که به واسطه یک قبه (که سقف آن هم‌اکنون فروریخته) روی شش طاق قوسی باز قرار گرفته است و حدود چهار متر ارتفاع دارد.

ساختار درون منار

ساختمان درون منار برای تعبیه راه‌پله‌ها، از دو استوانه بزرگ و کوچک که تاج بزرگ مناره در میانه آن‌ها قرار گرفته، تشکیل شده است. ساختار استفاده از راه‌پله‌ها در دو قسمت متفاوت بوده است. ساختمان استوانه بزرگ درون مناره با ۳۸ متر ارتفاع توسط دیواره‌های عریض بیرونی که قطر آن از پایه ۹/۷ متر است و در قسمت بالا به ۶ متر کاهش پیدا می‌کند، احاطه شده است.

پله‌های استوانه دوم از تاج (رواق) بزرگ که در بالاترین سطح استوانه بزرگ قرار دارد، شروع می‌شود. این قسمت، نسبت به قسمت پایین استوانه باریک‌تر و ارتفاع کمتر دارد و مرکز آن تهی هم است و دیواره آن به چهار پشتواره نگاه‌دارنده (شمع) تکیه دارد.

ابعاد نمادین تزیینات منار جام

ابوالمفاخر باخرزی در کتاب «اوراد الاحباب و فصوص الاداب» درباره معنای مناره می‌گوید: «عبارت است از شهرت و اسم و رسم و ناموس و خویش‌نمایی، یا خود را به نوعی و مرتبه‌ای یا مقامی معروف و مشهور کردن و بر آن ثابت بودن.» اگر به دقت به این مناره بنگریم به این نتیجه می‌رسیم. شکل ظاهری بنا نمایی از قدرت سیاسی است و در مهم‌ترین بخش‌های مناره نام سلطان خودنمایی می‌کند. علاوه بر این ظاهر آراسته و زیبا، معمار پیام اصلی این بنا را در تزیینات پیچیده و رمزگونه آن گنجانده است. نقوش و کتیبه‌ها علاوه بر شکل ظاهر در قالب اعداد و حروف نمادپردازی و با کاربرد نمادین مفاهیم بروز و ظهور یافته‌اند.

معمار منار

بر اساس اسناد بنا عده‌ای آن را «عمل علی ابن



از پیامبر اسلام (ص)
روایت شده است
که اگر سوره مریم
بر دیوار خانه‌ای
نوشته شود، آن خانه
از خطرات حفظ
می‌شود و آنچه در
خانه است در امنیت
می‌باشد. شاید بتوان
دلیل بقا و ماندگاری
این بنا، آن هم در
شرایط خاص آن
منطقه، را همین
موضوع دانست

انواع گره چینی دیواره هشت وجهی منار و تزیینات پس زمینه آن

با حرکت نوارهای کتیبه به خط کوفی حاوی متن کامل سوره مریم از بخشی به بخش دیگر و درهم تنیدن نوار و گره خوردن آن، چهل سطح هندسی شامل بیضی، مربع، مستطیل، ستاره هشت وجهی و ... در این قسمت از مناره تشکیل شده است که با چهارده نقش متنوع هندسی بر اساس نوع چیدمان آجرها تزیین شده‌اند.

نقش «لا» در تزیینات منار جام

در حرکتی سیال و در یک رشته کتیبه، آیاتی از سوره مریم بر بدنه هشت وجهی منار جریان پیدا کرده است. در این کتیبه علاوه بر ایجاد دوازده نقش «لا»- منطبق بر حروف دوازده گانه کلمه لا اله الا الله- از تلاقی نوار کتیبه، اسم «الله»، دو مرتبه در سطوح هشت گانه قاب‌ها تکرار شده است که یکی در جبهه شرقی به شکل محراب و در جهت قبله مناره و دیگری در جبهه غربی منار، شکل گرفته است. از محل این تلاقی‌ها و در گوشه راست محراب اسم «محمد» نیز حاصل آمده است. با طراحی نقش «لا» در بیشتر اماکن مذهبی، هنرمندان علاوه بر حفظ مفاهیم نمادین با توجه به شکل متقارن این نقش و همسانی سطوح سیاه‌وسفید، با تکرار آن به تزیین و ایجاد تعادل و تقارن در بنا و دیگر آثار هنری پرداخته‌اند. ایجاد تعادل، تقارن و تناسب از اصول زیبایی‌شناسی هنر اسلامی است. ضمناً احساس تعادل یکی از نیازهای مهم بشر در طول زندگی است. تکرار نقش «لا» به صورت انتزاعی با ایجاد نظم و تعادل، لطافت و آرامشی روحانی را عرضه می‌دارد.

ضمناً استفاده از نقش «لا» در تزیینات بناهای این دوره سابقه‌ای طولانی دارد. این نقش در تزیینات آجری مناره‌ها و مساجد بسیاری در آن دوره مشهود است. برای مثال، نقش «لا» در تزیینات آجری مسجد ملک زوزن از جایگاه مهمی برخوردار است. این مسجد بزرگ که امروزه از آن اثر چندانی باقی نمانده، دارای تاریخ ۶۱۶ هجری است. مسجد توسط ملک زوزن، یکی از رجال نامدار دوران سلطنت خوارزمشاهیان، در حدود ۶۰ کیلومتری جنوب خواف در خراسان ساخته شده است.

اساساً به دلیل نقش نمادین «لا» در هنر اسلامی، در مناره جام از آن در شکل‌ها و نقوش مختلفی استفاده شده و این نشان‌دهنده عمق نمادپردازی در تزیینات هنر اسلامی در این اثر ارزشمند تاریخی و اسلامی است.

ابراهیم آل [نیش] ابوری المع [ما] ریخ [ر] اسا [ن] «خوانده‌اند.

برداشت دیگر از این نوشته، «عمل علی بن ابراهیم النیشابوری المقیم بیخراسان» می‌باشد. این شیوه (استفاده از واژه المقیم) در کتیبه بعضی از بناها و دیگر آثار هنری دیده می‌شود. برای مثال، در کتیبه مقبره عبدالصمد در نطنز، که در سال ۷۰۷ هجری بنا شده، در زیر مقرنس داخل گنبد، بعد از اسم کلمه المقیم به خط ثلث آمده است: «هذه البقعه المشرفه مزار الشيخ... عبدالصمد ابن علی الاصفهانی المقیم بنطنز... فی سبع و سبع مائه» (۷۰۷ هجری).

از نمونه‌های دیگر می‌توان به کتیبه حاشیه کاسه زرین فام سده هفتم هجری کاشان موجود در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن اشاره کرد که در آن اسم هنرمند به صورت «کاتبه محمود بن محمد النیشابوری المقیم بقاشان» آمده است.

تاریخ ساخت

بر فراز مربع بزرگ، هنرمند کتیبه‌ای که تاریخ ساخت بنا در آن درج شده، قرار داده است: «تاریخ سنه سبعین و خمسمائة» (سال ۵۷۰/۱۱۷۴ م). در بعضی از نوشته‌ها با توجه به نبود علائم نقطه‌گذاری، تشخیص سبعین (۷۰) از تسعین (۹۰) دشوار است.

کتیبه مسجد جامع هرات

«تاریخ شهر الله المبارک رمضان سنه سبع و تسعین و خمسمائة» (۵۹۷ ه.ق/ ۱۲۰۰ م). در این نوع خط کوفی، ابتدا حرف سین به حرف ب وصل شده و بنابراین، تاریخ صحیح سبعین (۷۰) و تاریخ صحیح ساخت منار سال ۵۷۰ است.

تزیینات سطح دیواره

هشت وجهی مناره

اشاره شد که دیواره هشت وجهی مناره در حقیقت پرکارترین بخش مناره است و بیشترین تزیینات و کتیبه‌های بنا را در خود جای داده است. کتیبه قرآنی مهم‌ترین عنصر شکل‌دهنده تزیینات این بخش از منار است. متن کل سوره مریم به خط کوفی داخل رشته‌ای نواری شکل چیده شده و با امتداد آن و با ایجاد گره، در سطوح هشت گانه اشکال متنوعی به صورت پیوسته ایجاد کرده است.

دیواره

هشت وجهی
مناره در حقیقت
پرکارترین بخش
مناره است و
بیشترین تزیینات
و کتیبه‌های بنا
را در خود جای
داده است

پی‌نوشت

1. Andre Maricq

منابع

- حیدری، محمدمهدی. (۱۳۸۷). جستاری در باب منار، هنر و معماری: معماری و شهرسازی، شماره ۳۴.
- روشن‌ضمیر، مهدی. (۱۳۵۷). به آثار غوریان، مجله بررسی‌های تاریخی، مهر و آبان، شماره ۷۸.
- میرغلام، محمد غبار. (۱۳۵۹). افغانستان در مسیر تاریخ (جلد اول، چاپ دوم). قم: ایران‌سد.



عکس از ارسی‌های حسینه امینی‌ها، قزوین: مهراں مافی بردار

چکیده

امروزه اهمیت هنر بر عموم مردم و به‌خصوص جامعه‌ی والای فرهنگی تاندازهای آشکار شده است. اگر مقوله‌ی هنر به‌خوبی مورد توجه قرار گیرد، باعث رشد خلاقیت و بروز هنرهای تزیینی زیادی می‌شود. بحث تزیینات معماری که در کتاب فرهنگ و هنر (متوسطه‌ی اول پایه‌ی هشتم) آمده به معماری ایرانی اشاره کرده است. چه خوب است که معلم هنر در این بخش به ظرافت‌ها و زیبایی‌های معماری اصیل ایرانی، از جمله ارسی‌ها، بپردازد، زیرا جلوه‌ای از هنر کشور ایران است که پیشینه‌ی کهن دارد، و در تمام ادوار تاریخ مورد توجه سیاحان، کاشفان، شرق‌شناسان و کارگزاران فرهنگی کشورهای مختلف قرار گرفته است. در مقاله‌ی حاضر به گوشه‌ای از معماری فاخر ایرانی اشاره شده و درباره‌ی چشم‌انداز مساجد و خانه‌ها و اماکن و بازارهای ایرانی مطالبی بیان گردیده است. بی‌شک، معرفی و آموزش این هنر می‌تواند گامی مهم در شناخت اندام‌ها و بازیافتن و بازشناساندن هویت اصیل تمدن ما باشد. در این مقاله از روش مرور متون و منابع و اسناد تصویری و توصیفی برای معرفی ارسی استفاده شده است؛ پنجره‌ای که با ترکیبی از شیشه‌های گرهی و گره‌های چینی به مشابیه روزنه‌ای از بهشت می‌ماند و از عناصر مهم طراحی نور در فضای داخلی معماری ایران بوده است.

کلیدواژه‌ها: ارسی، پنجره، معماری ایرانی، نور، کارکرد، اشکال هندسی

آرسی

چشم‌انداز هنر اصیل معماری ایرانی

عاطفه معظمی

لیلا حسینی

کارشناسان هنرهای تجسمی و دبیران
هنر ناحیه ۲ شهر همدان

تاریخچه چوب و پنجره در معماری ایران

در و پنجره و کارهای جالب هندسی که به شکل‌های مختلف و مطلوب ساخته شده است تا امروز پابرجا مانده‌اند و همچون نگینی درخشان بر انگشتری ارزشمند معماری ایران می‌درخشند.

یکی از کهن‌ترین نمونه‌های مثبت‌کاری یافت‌شده متعلق به تمدن ایران، یک جفت در است که از آرامگاه سلطان محمود غزنوی به دست آمده است. از دوران سلجوقی به بعد نمونه‌های فراوانی از آثار چوبی مثبت‌کاری در مساجد تکایا و معابر و امامزاده‌ها به‌جای مانده است که تحول این هنر را به‌خوبی نشان می‌دهد.

طبق شواهد موجود، در دوره صفویه بسیاری از هنرهای چوبی مورد توجه بوده‌اند و از این عصر نمونه‌های متعدد فراوانی بر جای مانده است. آثار به‌جای مانده از این عصر، اشکال توریقی یا طرح‌های گل و حیوانات است که بر ساخته‌های چوبی با ظرافت خاصی نقش بسته است.

اینکه ترکیب تزیینات چوبی با شیشه‌های رنگی به دستور چه کسی یا از چه طریق وارد معماری و در و پنجره‌سازی شده، مشخص نیست، اما آنچه مسلم است این نوع شیشه‌ها در ایران از زمان صفویه وارد کار شده و در پنجره‌های مشبک به کار رفته‌اند.

با توجه به مواردی که ذکر شد و استناد به بعضی مطالب، به نظر می‌رسد که استفاده از ارسی در معماری از قرون دهم و یازدهم شروع شده باشد، اما طرح‌های به‌کاررفته در آن از دیرباز در پنجره‌سازی رواج فراوان داشته است.

ارسی و طرح‌های آن

در آن زمان‌ها که از آهن‌آلات خبری نبود و مردم از وجود سیمان اطلاعی نداشتند، خانه‌های خود را با تیرهای چوبی و نی و استفاده از خاک و گل و گیاه و گاه می‌ساختند. در آن زمان، خانه‌ها دارای پنجره‌های سه‌دری، پنج‌دری و هفت‌دری بودند. پنجره‌ها را در نهایت زیبایی و با استفاده از چوب گردو یا بید سرخ می‌ساختند و هلال پنجره‌ها و حواشی آن‌ها را با مثبت‌کاری و ریزه‌کاری تزیین می‌کردند. قطعات کوچک شیشه‌الوان را نیز در این ریزه‌کاری‌ها به نحوی جای می‌دادند که به‌صورت بوته‌های گل و اشکال عجیب هندسی درمی‌آمد؛ نقشی که عقل از زیبایی آن حیران می‌ماند. پیش از

از زمان‌های بسیار کهن تاکنون انسان همواره در تلاش و تکاپوی فراوانی برای خلق آثاری ارزنده بوده است تا بتواند به کمک آن‌ها در آسایش و آرامش بیشتری زندگی کند. او در این میان، کوشیده است هنری بیافریند که سوای کاربردش، جنبه زیبایی‌شناسانه داشته باشد.

چوب یکی از عناصر دائمی معماری ایران بوده و هنرمندان ایرانی از آنچه طبیعت در دسترسشان قرار داده است، نهایت استفاده را کرده‌اند. آن‌ها با شعور، علاقه، مهارت و چیره‌دستی فراوان، با کمک وسایل بسیار ساده و منابع موجود در طبیعت، شاهکارهای عظیم و بزرگ هنری پدید آورده‌اند. زمان، مکان و سلیقه افراد همواره بر تزیینات وابسته به معماری، همچون خود بنا، تأثیر فراوانی دارد؛ تا آنجا که از نقطه‌ای به نقطه دیگر با تغییر مکان و فرهنگ، شاهد تفاوت‌های چشمگیری در این زمینه هستیم.

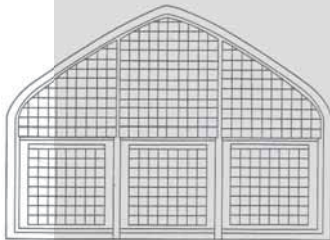
در آثار دنباله‌ای تخت جمشید و دیگر کاخ‌های هخامنشی از چوب‌های سرو، کاج، یکا و انواع دیگری به نام آسمانه در کلاف‌کشی پل‌ها، پوشش سقف‌ها و ساخت دروازه‌ها استفاده شده است. در معماری سبک پارتی هم در زیر چپله‌نالی (نعل درگاه)، روی درگاه‌ها کلاغ‌پر و شاخک چهارچوب جای می‌گرفته و روی آن با گچ‌بری‌های زیبا یا مثبت‌کاری‌ها و زرکوبی‌های پرکار، پر می‌شده است.

ساسانیان برای تزیین بناها، از چوب بیشتر در تاب‌سازی سقف و ساخت دروازه‌ها بهره برده‌اند. شهرهای ایران مخصوصاً شیراز، اصفهان در به‌کاربردن سقف‌های چوبی - که ستون‌های مرتفعی آن‌ها را نگاه می‌داشته، خیلی معروف‌اند و در بعضی از مساجد قدیم نیز ستون‌های چوبی به کار رفته است. علاوه بر این، ایرانیان در گنبد‌های برخی بناها به‌ویژه در شهرهای قزوین و نیشابور از چوب استفاده کرده‌اند. همواره وضعیت اقتصادی تأثیر بسیاری بر تزیینات بناها و حتی خود آن‌ها داشته است. این تزیینات با ستون‌های خراطی‌شده، سرستون‌سازی، پل‌کشی، طراح‌های برجسته و نقش‌دار، کلاف‌بندی‌های زیبا، لمبه‌کوبی در زیر سقف‌های ایران و اتاق‌ها، پیش‌کردگی و تلنکه‌سازی به شکل برجسته همراه‌سازی، و به‌خصوص مثبت و گره‌سازی و مشبک‌بندی

یکی از کهن‌ترین نمونه‌های مثبت‌کاری یافت‌شده متعلق به تمدن ایران، یک جفت در است که از آرامگاه سلطان محمود غزنوی به دست آمده است



تصویر شماره ۱: ارسی
عمارت سالار سعید، سنندج



تقسیم می‌کنند و در هر قسمت با به کار بردن شیشه‌های رنگی کوچیک، نمای خارجی و داخلی زیبایی برای اتاق فراهم می‌آورند. ارسی در شهرهای مختلف نام‌های گوناگونی دارد؛ برای نمونه در یزد به «درهای شکم‌پاره» و در قزوین به «درهای چندچشم» مرسوم است. از جمله بناهای دارای ارسی می‌توان به ارگ کریمخانی، خانه محتشم، بنای دیوان‌خانه و باغ دولت‌آباد اشاره کرد» (عطارزاده، ۱۳۸۵).

۵- واژه ارسی در فرهنگ عمید به معنی در اتاقی است که به روی حیاط باز می‌شود.

کاربرد و جایگاه ارسی

ارسی از هنرهایی است که در جوامع مختلف ارزش و جایگاه خاصی داشته و همیشه در معماری بناها برای طبقات مختلف از نمای ارسی متفاوتی استفاده می‌شده است.

پنجره‌ها بیشتر به اتاق‌های نشیمن یا پذیرایی باز می‌شده‌اند و در تالارهای بزرگ کاخ‌ها یا عمارات از آن‌ها استفاده می‌شده است. به‌علاوه، شاهکار ارسی بناها متعلق به قسمت پذیرایی بوده است.

یکی از بهترین نمونه‌های پنجره ارسی در ایران متعلق به عمارت «سالار سعید» است که در حال حاضر در موزه سنندج نگهداری می‌شود. این پنجره که از دوره قاجار به‌جا مانده، متشکل از ۴۲ هزار تکه و کار استاد فرج‌الله نجاری است.

(تصویر شماره یک)

اینکه به کاربرد و جایگاه ارسی بپردازیم، بهتر است ابتدا با مطالب چندی که در منابع مختلف از جمله فرهنگ لغات و سفرنامه‌ها آمده است، آشنا شویم.

در فرهنگ فارسی، ارسی چنین تعریف شده است:

«۱- {اروسی = روسی}، روس، اهل روسیه، از مردم روسیه.

۲- نوعی در قدیمی که دارای چهارچوب مخصوص بوده و در داخل چهارچوب حرکت می‌کرد و با پایین و بالا رفتن باز و بسته می‌شد؛ قسمی در برای اتاق که عمودی باز و بسته می‌شود.

۳- گاه از باب تسمیه کل به اسم جزء، اتاقی را که دارای چنین درهایی است ارسی می‌نامند.» در کتاب «آشنایی با معماری اسلامی ایران» اثر استاد محمدکریم پیرنیا آمده است:

«بعضی گمان کرده‌اند ارسی به پنجره‌هایی اطلاق می‌شود که به تقلید از معماری روسی در ایران رواج یافته، در صورتی که نمونه‌های جالبی از ارسی، حتی پیش از آنکه معماری چشمگیری در روسیه پای گرفته باشد، در بناها و نقاشی‌ها مشاهده می‌کنیم. گویا مقایسه قند اروسی با این نوع پنجره، که خود و نام آن هر دو اصیل ایرانی و فارسی هستند، موجب این اشتباه شده است.

«آر» پیشوندی است به معنای بالا رفتن و نظیر آن در واژه‌های اردک (مرغ بالاجهنده)، ارلنگ (حرکت توأم با جهش اسب) ارچین (پله) و بسیاری از واژه‌های دیگر دیده می‌شود. به معنای شبکه و نور و چشمه و تماشا در گویش‌های جنوبی ایران بسیار معمول است» (پیرنیا، ۱۳۷۸). در جایی دیگر پیرنیا اشاره کرده است: «او به معنای بالادست و ارسس یعنی پنجره‌هایی با لنگه‌های بازشو بالارونده. بنا به گفته فرهوشی، این کلمه از اروپا (arose) پهلوی گرفته شده و به معنای سفید و روشنایی است» (همان: ۳۵۵).

۴- بنجامین در وصف این نوع پنجره در سفرنامه خود می‌نویسد: ایرانیان به‌جای آنکه برای اتاق‌های خود به شیوه غربی چندین پنجره بسازند، همه را یکجا کرده یک پنجره بزرگ مادر برای اتاق در نظر می‌گیرند که از سقف تا کف اتاق می‌رسد. این پنجره بزرگ را با قاب‌های مختلف به سه یا چهار قسمت

(و) **محرمیت:** پنجره‌های ارسی همچنین باعث محدودشدن دید از بیرون به درون خانه و ایجاد محرمیت می‌شود.

(ه) **خواص صوتی:** اگر قطعات یک گره نسبت به هم زوایای مختلف یا متعددی پیدا کنند، جابه‌جایی صوتی صورت می‌گیرد. در طبیعت می‌توان کندوی زنبورعسل را مثال آورد که دقیقاً عمل انتقال صوت یا (رزونانس) را انجام می‌دهد.
(تصویر شماره ۲)

طرز کار ارسی‌ها

ارسی‌ها از نظر طرز کار به دو دسته تقسیم می‌شوند:

ارسی‌های ساده: این‌گونه ارسی‌ها به علت سبک بودن به راحتی با دست و یک نفره جابه‌جا می‌شوند و باز و بسته کردن آن‌ها تا حدودی آسان است.

ارسی‌های وزنه‌ای: در ارسی‌های وزنه‌ای علاوه بر حالت کشویی که در ارسی‌های ساده وجود دارد، درون چهارچوب خالی است. در عمارت کاخ گلستان و کاخ صاحبقرانیه (تصویر شماره ۳) به علت بزرگی و عظمت لنگه‌ها یا چشمه‌ها با وزنه و قرار دادن قرقره‌هایی در بالای پنجره‌ها تعادلی برای باز و بسته کردن ارسی‌ها به وجود آورده‌اند.

بعدها در زمان مرمت ارسی‌ها از جمله ارسی‌های تالار جهان‌نمای کاخ صاحبقرانیه (در زمان پهلوی) لنگه‌ها را به‌صورت گردان ساخته‌اند و به علت وزن زیاد، آن‌ها را از حالت کشویی خارج کرده‌اند.
(تصویر شماره ۳)

طراحی و نقش و طرح در ارسی

در بررسی ارسی‌های بازمانده از کاخ عالی‌قاپوی اصفهان، عمارت مسعودیه تهران و بعضی از خانه‌های قدیمی مشاهده گردید که با وجود اختلاف عرض بین اتاق‌ها، عرض ارسی‌ها یکسان بوده است. این امر نشان می‌دهد که ارسی‌ها با استفاده از طرح‌های یکسان و یا بهتر بگوییم پیمودن - که اصطلاحی در زبان معماری ماست - ساخته می‌شده‌اند. این اندازه‌ها در قسمت‌های مختلف بنا تکرار می‌شده و تناسب اجزا و کل را تضمین می‌کرده است. در واقع،



تصویر شماره ۲:
حسینیه امینی‌های قزوین
عکس: مهران مافی بردبار

تأثیرات و دلایل استفاده از پنجره‌های ارسی

(الف) نور: این نوع پنجره باعث می‌شود نور خورشید به‌اندازه کافی وارد فضای اتاق شود؛ نه کمتر و نه بیشتر.

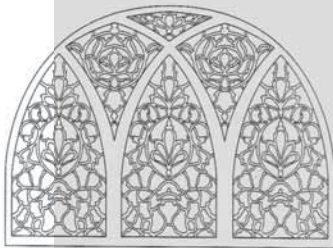
(ب) روان‌شناسی رنگ‌ها: از نظر روان‌شناسی، رنگ‌های مختلف این شیشه‌ها و نورهای هم‌رنگشان بر انسان تأثیرات مختلفی می‌گذارد. هر رنگ در کنار رنگ دیگر شدت این تأثیر را خنثی و مقدار مناسب آن را تنظیم و تعدیل می‌کند. رنگ‌های استفاده شده در شیشه‌ها اغلب رنگ‌های لاجوردی قرمز، سبز و زرد هستند و هرکدام به‌تنهایی تأثیر روان‌شناختی مجزایی دارند.

(ج) زیبایی: سطح پنجره‌های ارسی را با استفاده از انواع نقش‌های گوناگون گره‌سازی و با شیشه‌های رنگین و ساده می‌آراسته و ترکیب‌های بدیعی پدید می‌آورده‌اند. هماهنگی بین این شبکه‌های هندسی و نورهای رنگی زیبایی دلپذیری ایجاد می‌کند.

(د) نقش هندسی ارسی: ناپسند دانستن تقلید از نقش‌ها و صورت‌های انسانی و حیوانی در نقاشی و سایر هنرهای تصویری و تجسمی، به تدریج موجب شد که تقلید از طبیعت در فرهنگ بسیاری از هنرهای اسلامی چندان مورد توجه قرار نگیرد و جایگاهی نیابد. از این‌رو، هنرمندان به ترکیب‌های هندسی و انتزاعی بسیار توجه کردند.



تصویر شماره ۳:
کاخ ارسی صاحبقرانیه، تهران



**همواره سعی
هنرمند بر
این بوده که با
انتخاب نقشی
زیبا و به کارگیری
شیشه‌های رنگی
در جایگاهی
مخصوص بر
زیبایی و ظرافت
این هنر بیفزاید
و جایگاه مناسب
این هنر ارزشمند
را حفظ نماید**

به استعداد و ذوق و سلیقه هنرمند سازنده آن، بسیار متفاوت است.

در این راستا همواره سعی هنرمند بر این بوده که با انتخاب نقشی زیبا و به کارگیری شیشه‌های رنگی در جایگاهی مخصوص بر زیبایی و ظرافت این هنر بیفزاید، جایگاه مناسب این هنر ارزشمند را حفظ نماید و به‌ویژه، هنری بیافریند که در خور شأن استفاده‌کننده و معرف توانایی هنرمند آن باشد.

هر هنری اگر بخواهد زنده و پایدار بماند، نیازمند مقدماتی است. هنر ارسی‌سازی هم برای دوام و گسترش نیازمند داشتن دانش طراحی و محاسبات دقیق و ساخت چهارچوب کلی آن است. شاید کسانی باشند که بدون داشتن چنین مقدماتی بتوانند ارسی‌سازی کنند ولی هیچ‌گاه موفق نخواهند شد به آن درجه‌ای دست یابند که یک طرح و ارسی‌ساز خبره خواهد رسید. مشکل اصلی طراحی ارسی، یکی در اندازه شیشه‌خورها برای طرح‌های اسلیمی و گره است، و دیگری در اندازه تکه‌های چوب و اینکه چگونه و از کجا باید بریده شوند تا برای جانداختن پس از فاق و زبانه‌کردن مشکلی به وجود نیاید و شیشه‌ها و چوب‌ها به راحتی بتوانند در جایگاه خود قرار گیرند یا اینکه در اندازه و جای آن‌ها اشتباهی صورت نگیرد.

صنعتگران و هنرمندان این رشته بر پایه اصول هندسی ساده و نقوش سنتی، دستاوردهای حیرت‌انگیزی عرضه کرده‌اند که در آن‌ها، زیبایی نقش بسزایی دارد.

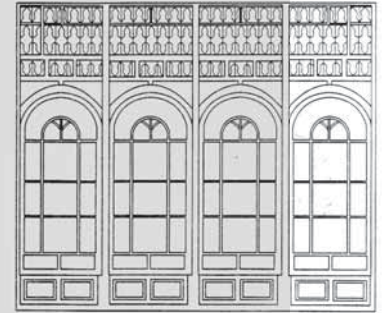
البته گاه هنرمند در این طرح‌ها به قیدوبندهای ناشی از بینش‌ها و معتقدات خود بیشتر مقید بوده است تا محدودیت‌هایش در کار ارسی‌سازی.

اولین مرحله در ساخت پنجره‌های ارسی انتخاب طرح و ترسیم آن است که در اینجا به چگونگی آن اشاره می‌کنیم.

در طراحی ارسی اصولی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها اندازه‌گیری دقیق و تقسیم شیشه‌خورها در جای مناسب است. اگر به پنجره‌های ارسی یا سردرهای قواره‌بری دقت کنید، می‌بینید که هر طرح از تکرار یک نقش اصلی به وجود آمده است که می‌توان آن را یک واگیره نامید. واگیره هم در گره هندسی و هم در گره گردان (اسلیمی) وجود دارد. نقش اصلی بر

معمار با به کارگیری پیمودن، طرح و محاسبه و اجرای کار را یک‌جا انجام می‌داده و مطمئن بوده است که طرح متناسب و زیبا و درست خواهد بود. با استفاده از پیمودن، اندازه ارسی مشخص می‌شده و به همین دلیل است که بیشتر ارسی‌ها با استفاده از شیوه پیمودن اندازه یکسانی دارند.

ارسی‌ها اجزا و قطعات مختلفی دارند که در همه آن‌ها مشترک است. یکی از این اجزا، چارچوب کلی کار است که خود به‌وسیله اجزای چوبی دیگر هم از عرض (به‌وسیله وادار) و هم از ارتفاع (به‌واسطه تیر افقی) تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی‌ها علاوه بر اینکه دهنه بزرگ ارسی را به قطعات کوچک‌تر تبدیل می‌کردند، باعث می‌شدند که باز و بسته کردن لنگه‌ها آسان شود، امکان ظریف‌کاری روی پنجره فراهم آید و استحکام و ایستایی آن افزایش یابد. سپس، قطعات کوچک‌تر چوب این قسمت‌ها را به قسمت‌های کوچک تقسیم می‌کرده است. در حالتی، خود این قطعات مرزهای لازم برای آلت‌سازی و پارچه بری را به دست می‌داد که به‌وسیله نقش‌های ظریفی تکمیل می‌گردید. پنجره‌های ارسی بسته به نوع آن‌ها - سه‌درکی، پنج‌درکی و هفت‌درکی - طرح‌های مختلفی دارند. تعدادی از پنجره‌ها به‌صورت گردان کار شده‌اند و تا حد امکان، کمترین شکل هندسی در آن‌ها به کار رفته است. تعداد دیگری هم به‌صورت گره‌سازی است. گره‌سازی از جمله هنرهای سنتی به شمار می‌رود که در طول تاریخ کهن این سرزمین همواره با کاربردهای جدید، نوآوری و خلاقیت همراه بوده و هر طراح یا استاد زبردست توانسته است به ذوق و سلیقه خویش در آن تغییراتی به وجود آورد. در تعداد زیادی از پنجره‌های ارسی، ترکیبی از گره هندسی و گردان به کار رفته که تمام سطح بالای پنجره‌ها را در بر گرفته است. پنجره‌هایی نیز دیده می‌شود که به‌صورت بسیار ساده و بدون طرح با شبکه‌های مربع یا شیشه‌خورهای بزرگ ساخته شده‌اند و گاهی قسمتی از آن‌ها به‌صورت شطرنجی شبکه‌بندی شده است. در میان پنجره‌های ارسی، آن‌هایی که دارای شاه‌گره‌اند، ظرافت بیشتری دارند و ساخت و طراحی آن‌ها با مشکل بیشتری همراه بوده است. این تنوع در ساخت، بسته



لقطه‌های موجود در گره‌سازی می‌توانند از چوب، شیشه یا ورقه‌های آهنی باشند و اغلب از شکل ظاهری اشیا، حیوانات و گیاهان الهام گرفته‌اند یا با تغییر و تحول کلی از شکل صور فلکی به وجود آمده‌اند

اساس قرار گرفتن این واگیره‌ها در کنار یکدیگر و بسته به تعداد واگیره‌ها، اساسی خاصی دارد. هر واگیره را یک مجلس می‌خوانند و سردرهایی را که مثلاً دارای چهار واگیره باشد، چهار مجلسی می‌گویند. در ارسی قسمت‌های مختلفی برای طراحی وجود دارد که در هنگام کار، به صورت گره هندسی، گردان و یا مشبک به کار می‌روند. در طرح آلت و سقط، آلت‌ها همواره باید طوری طراحی شوند که پس از فاق و زبانه‌کردن بتوان لقطه‌ها را که در اصل شیشه‌های رنگی‌اند، بدون هیچ‌گونه مشکلی در آن‌ها جا داد. این عمل را می‌شود از طریق تقسیم درست طرح یا- بهتر بگوییم- تقسیم واگیره به تکه‌های مختلف انجام داد. در مواقعی، طرح را از روی یک پنجره قدیمی برمی‌داریم، و در واقع، طرح ساخته‌شده‌ای را برای کار جدید در نظر می‌گیریم و می‌کشیم. برای این منظور، به کمک کاغذ پوستی و مداد، طرح قسمت واگیره را برمی‌داریم و به‌طور دقیق روی مقوا رسم می‌کنیم. گفتنی است در طراحی یک پنجره ارسی یا کار گره‌سازی همواره لازم نیست تمام کار را طراحی کنیم بلکه همان‌طور که گفتیم، قسمتی را طراحی می‌کنیم که تکرارپذیر باشد (به‌صورت واگیره یا به‌صورت گردان).

گره‌سازی

گره‌سازی از جمله هنرهای سنتی است که در طول تاریخ کهن این سرزمین همواره با کاربردهای جدید، نوآوری و خلاقیت همراه بوده و هر طراح یا استاد زبردستی توانسته است با ذوق و سلیقه خویش تغییراتی در آن به وجود آورد و آثاری نو بیافریند. امروزه پیشرفت فناوری بر این قدرت و توانایی افزوده است. گره‌سازان چون گذشته با مشکل اره‌کشی الوار، برش و تراش چوب مواجه نیستند و می‌توانند با صرف کمترین زمان، در جهت تولید راحت‌تر این هنر اصیل گام بردارند.

گره: اگر دو یا چند جسم یا شی با یا بدون استفاده از وسیله و ابزاری همدیگر را قطع کنند یا به یکدیگر متصل شوند، تکه چندشاخه‌ای پدیدار می‌شود که به آن «گره» می‌گویند. در صنعت گره‌سازی و گره چینی، گره‌ها دو قسمت مهم به نام «آلت» و «لقطه» دارند.

گره‌کشی: کشیدن به معنای ترسیم کردن است و گره‌کشی به طراحی و ترسیم نقش گره

روی سطح مورد نظر اطلاق می‌شود. **گره چینی:** اگر آلت گره به‌وسیله یک عامل خارجی غیر از عوامل تشکیل‌دهنده گره به همدیگر متصل شوند، به آن «گره چینی» می‌گویند؛ مانند کاشی معرق که اتصالات در آن به‌وسیله ملات دوغاب انجام می‌گیرد. از نمونه‌های دیگر گره چینی می‌توان به گره در آجرکاری‌های تزئینی اشاره کرد که به کمک آجرهای بریده‌شده در اندازه‌های گوناگون انجام می‌پذیرد.

گره بندی: در صورتی که آلت‌های به‌کاررفته در گره طوری به هم اتصال یابند که هیچ نیازی به مصالح دیگر (فاق و زبانه، کام و زبانه، کیف و غیره) نباشد، به آن «گره بندی» گفته می‌شود. **گره‌سازی:** در این حالت، آلت تشکیل‌دهنده گره به‌وسیله کام و زبانه یا فاق و زبانه‌کردن طوری به هم متصل می‌شوند که به استفاده از مواد دیگر برای اتصال نیازی نیست. چون این عمل (اتصالات) با ساخت‌وساز همراه است، اطلاق نام گره‌سازی به آن مناسب به نظر می‌رسد، ولی در این صنعت- هنر هم کلمه گره چینی مرسوم و متداول است.

عناصر تشکیل‌دهنده گره

آلت

کلمه آلت در فرهنگ معین به معنی وسیله و واسطه میان فاعل و مفعول آمده است. آلت در گره بیشتر عامل ایستایی گره است و آن خود به دلیل داشتن کام و زبانه‌ای است که باعث اتصال قطعات آلت به لقطه یا آلت به آلت در گره می‌شود.

آلت‌های مورد استفاده در گره به دو دسته مهم تقسیم می‌شوند: آلت اصلی و آلت تبعی (تابع).

آلت اصلی: در عرف درودگری به کلاف نیز موسوم است و می‌تواند به‌صورت چندضلعی، دایره یا منحنی و یا به‌صورت محیطی (خارج گره) یا محاطی (داخل گره) واقع شود. **آلت تبعی:** آلت تبعی به دو دسته آلت کبیر (بزرگ) و آلت صغیر (کوچک) تقسیم می‌شود.

آلت کبیر در اصطلاح گره‌سازان به «استخوان بندی» معروف‌اند و به آن‌ها «تیره» نیز گفته می‌شود. این آلت‌ها به صورت‌های



مسجد نصیرالملک در شیراز



ارسی عمارت سالار سعید سنندج

مختلف در حد فاصل کلاف یا آلت اصلی قرار می‌گیرند و برای استحکام و ایستایی بیشتر شبکه‌ها و محکم‌تر شدن آن به کار می‌روند. از آن‌ها می‌توان به صورت‌های ساده عمودی و افقی یا نقش چلیپایی و اسلیمی و بر اساس طرح‌های نباتی و غیره استفاده کرد.

آلات صغیر: به آلت‌های کوچکی گفته می‌شود که در میان اطراف آلات کبیر برای ساخت شبکه‌ها یا اجرای طرح مورد نظر به کار می‌روند. آلت صغیر در اصل لقطه راه که می‌تواند از چوب یا شیشه یا ورقه‌های آهن باشد، به صورت قابی به هم متصل می‌سازد. در صورتی که لقطه در آن به کار نرفته باشد، آلت صغیر همان نقش اتصال و پیوند را برای ایجاد نقش بر عهده می‌گیرد.

لقطه

نقوش یا اشکالی را که از کنار هم چیدن آلت‌ها به وجود می‌آیند، «لقطه» گویند. لقطه‌های موجود در گره‌سازی - همان‌طور که گفته شد - می‌توانند از چوب، شیشه یا ورقه‌های آهنی باشند و اغلب از شکل ظاهری اشیاء، حیوانات و گیاهان الهام گرفته‌اند یا با تغییر و تحول کلی از شکل صور فلکی به وجود آمده‌اند.

بسیاری از نقش‌های لقطه ریشه ایرانی دارند و بعضی از آن‌ها بر اساس شرایط اقلیمی و فرهنگی شکل گرفته‌اند. این نقوش یا واحدهای گره به دو قسم ایرانی و غیر ایرانی بخش‌پذیرند ولی مشکل بتوان این قبیل تقسیم‌بندی‌ها را دقیق یا مستند دانست. در هر حال، لقطه‌ها برحسب اینکه از خانواده گیاهان، حیوانات، اشیاء، کرات و یا نقوش هندسی الهام گرفته باشند، نام‌های متفاوتی دارند.

انواع گره‌سازی

الف. گره‌سازی ساده

در این روش در برش چوب‌های سازنده آلات، گره بر حسب نقشه و طرح و سپس با ایجاد اتصالات بین آن‌ها (فاق و زبانه، کام و زبانه و ...) به وجود می‌آید.

ب. گره‌سازی ترکیبی

همان‌طور که از نام آن پیداست، از ترکیب آلات با عوامل دیگری چون لقطه - که می‌تواند شیشه، ورقه‌های شفاف «فایبر گلاس» ورقه‌های فلزی (گالوانیزه) و چوب باشد - ساخته می‌شود.

در این نوع گره‌سازی، از تزیینات منبت‌کاری و غیره روی آلات گره (پخ) و لقاط گره (خاتم‌سازی، منبت) و در بعضی موارد حتی آینه‌کاری در حد بسیار وسیعی استفاده می‌شود. گره‌های ترکیبی به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: (۱) گره‌های مضاعف، (۲) گره‌های مطابق.

چنانچه قطعات یا لقطه‌ها و آلات گره در گره‌سازی هم‌جنس باشند و با هم وحدت بلاواسطه داشته باشند، گره را مضاعف می‌خوانند که می‌تواند دارای تزییناتی روی آلات و سطح لقطه‌ها باشد. این تزیینات شامل پخ‌زنی، ابرازنی و منبت‌کاری است. در صورتی که قطعات آلت و لقاط به‌واسطه عوامل دیگری به هم متصل شده باشند، گره‌سازی را مطابق گویند. در گره‌سازی مطابق، آلات و لقاط می‌توانند هم‌جنس و یا غیرهم‌جنس باشند. در این مجموعه، بیشترین بحث ما مربوط به این نوع گره است که در در و پنجره‌سازی و قاب‌سازی سقف مورد استفاده فراوان دارد.

سبک خانه‌های ارسی

«ارسی، با توجه به کاربرد آن در مکان‌های مختلف مثل خانه، مسجد، مدرسه، بازار، سرا، حسینیه و غیره، مورد استفاده قرار گرفته است. این بازشوی چوبی متشکل از عناصری به نام درک (لنگه) است که به‌صورت عمودی باز و بسته می‌شوند. تعداد و شکل این درک‌ها بسته به محل استفاده از آن‌ها متفاوت بوده است. در



ارسی‌ها به
شکل‌های
متنوعی ساخته
شده‌اند.
رایج‌ترین نوع
آن‌ها شامل
خطوط افقی و
عمودی و کارهای
زیبایی داخل این
خطوط است

- ایجاد ارتباط بصری به شکل‌های مختلف با محیط سرسبز حیاط (یا دیگر فضاها)؛
- هدایت نور مناسب به داخل اتاق؛
- جداره‌ای مناسب بین دو یا چند اتاق.

ارسی‌ها در حالت بسته نور ملایمی را در رنگ‌های مختلف به داخل اتاق هدایت می‌کنند. محل قرار گرفتن ارسی‌ها افزون بر اتاق بزرگ ارسی یا شاه‌نشین، اتاق‌های ارسی سه‌درکی، اتاق‌های گوشوار و فضای بین دو اتاق بزرگ چسبیده به هم نیز هست. در خانه دهدشتی در بوشهر، طباطبایی در شیراز، حسینیه قزوین، و خانه امام‌جمعه تهران، یک ارسی چند لنگه در میان دو اتاق بزرگ ارسی قرار داشته و هنگام جلسات یا میهمانی‌های بزرگ، با بالا کشیدن درک‌ها یک اتاق بزرگ پیوسته شکل می‌گرفته است.

ارسی‌ها به شکل‌های متنوعی ساخته شده‌اند. رایج‌ترین نوع آن‌ها شامل خطوط افقی و عمودی و کارهای زیبایی داخل این خطوط است. در برخی دیگر از ارسی‌ها در پایین کالا یا تیر افقی میانه ارسی، هلالی‌هایی دیده می‌شود. این نوع ارسی در چندین خانه در تهران، قزوین و اصفهان مشاهده شده است.

تعداد درک‌های ارسی‌های جبهه زمستان‌نشین در خانه‌های ارسی‌دار با مرکزیت اتاق ارسی، فرد است؛ برای نمونه، می‌توان به خانه طباطبایی در حیاط مرکزی متعلق به قسمت بیرونی و دو حیاط متعلق به اندرونی و یک حیاط متعلق به خدمه می‌باشد. در میان دو حیاط اندرونی و حیاط اندرونی ضلع شمال غربی، اتاق ارسی دیگری وجود دارد که مجزا از قسمت‌های دیگر است. در اتاق ارسی یا سرسرای مرکزی سه پنجره ارسی سه‌درکی دیده می‌شود که ارسی ضلع جنوبی بزرگ‌تر از دیگر ارسی‌هاست و همه آن‌ها (ارسی‌های سراسری مرکزی و اتاق اندرونی) دارای طرح‌های گردان و مشابه‌اند.

در گونه‌های مورد بررسی، فضاهای معماری به شکل‌های زیر استقرار یافته‌اند:

- در دو جبهه حیاط روبه روی هم؛
- در دو جبهه حیاط در کنار هم به شکل L؛
- در سه جبهه حیاط به شکل U؛
- در چهار جبهه حیاط به صورت حیاط مرکزی.

خانه‌های مورد بررسی از ارسی ۱ لنگه تا ۹ لنگه بهره گرفته شده است. از درک‌های یکپارچه در مواقعی استفاده شده است که بتوان آن‌ها را در بالای کمرکش میانی جاداد که در این موارد، ارتفاع زیاد اتاق می‌باشد. درک‌های یکپارچه وزن زیاد دارد و همه کس قادر به بالا کشیدن آن نیست. به هر حال، با این تدبیر (وزنه‌ای کردن لنگه‌ها) خانم خانه می‌توانست به راحتی از ارسی استفاده کند.» (امرای، ۱۳۸۳)

در بعضی نقاط، به‌ویژه شیراز، قزوین و کاشان، درک‌های دو تکه با ویژگی‌های زیر موجود است:

- هر دوی آن‌ها بالا می‌روند و ارتباط مستقیم بصری با حیاط به وجود می‌آید.
- درک بالایی جابه‌جا می‌شود و درک پایینی ثابت می‌ماند. در این حالت، می‌توان در ساعاتی از روزهای زمستان نور آفتاب را به داخل اتاق هدایت کرد. با توجه به ثابت ماندن درک پایینی، ساکنان اتاق در حالت نشسته از داخل حیاط دیده نمی‌شوند.
- درک بالایی جابه‌جا می‌شود و درک پایینی در جای آن قرار می‌گیرد. در اینجا نیز به‌اندازه نصف درک دید دارد و در حالت نشسته می‌توان از داخل اتاق حیاط را دید.
- در مجموع، ویژگی‌های ارسی را می‌توان به این شرح خلاصه کرد:
- اختصاص حداقل جا در موقع باز و بسته شدن؛



حسینیة امینی‌های قزوین
لحظه برداشته شدن درب‌ها
عکس: مهران مافی بردبار

نتیجه‌گیری

ارسی‌سازی از هنرهایی است که رو به فراموشی نهاده و هنرمندان ارسی‌ساز- که تعداد آن‌ها از انگلستان دست تجاوز نمی‌کند- بیشتر به مرمت در و پنجره‌های قدیمی مشغول‌اند، حدیث ارسی حکایت غم‌انگیزی دیگری است از هنرهای سنتی این رشته، مشتمل بر هنرهایی چون گره‌سازی، قواره‌بری، پارچه‌بری، مشبک، درودگری، و شیشه‌بری که هر کدام ناگفته‌های فراوانی دارند. در و پنجره‌های مشبک به شیشه‌های رنگی، در عین حال که حفاظ مناسبی در برابر آفتاب گرم و تابان ایران به حساب می‌آیند، نور را در رنگ‌های متنوع و متعدد منعکس می‌کنند که این تنوع جلوه‌ای خاص به تزیینات وابسته به بنا می‌بخشد. از دیرباز، این هنر در اختیار تعداد کمی بوده است، هم‌اکنون نیز تعداد بسیار اندکی در این حرفه مشغول فعالیت‌اند که آن‌ها نیز به دلیل مشکلات و موانع موجود بر سر راهشان نتوانسته‌اند به‌طور شایسته از این هنر استفاده

کنند و همچنان به بازسازی و مرمت پنجره‌های ارسی قدیمی مشغول‌اند.

در میان این افراد، تعداد کسانی که هنر و حرفه خود را به کسی آموزش دهند یا حتی از میان مشتاقان کار ارسی‌سازی شاگردی بپذیرند، بسیار کم است و از همین رو، آینده این هنر معلوم نیست. استفاده از پنجره‌های ارسی در ساختمان‌های امروزی مستلزم شرایطی است که باید مورد بررسی قرار گیرد. از جمله این شرایط می‌توان به هزینه ارسی‌سازی در ایران، نوع ارسی و چگونگی تناسب در و پنجره‌های ارسی‌کاری و بنای مورد نظر اشاره کرد. هنر ارسی بیشتر به دوره صفویه و قاجاریه مربوط می‌شود و در معماری آن دو دوره جلوه و جایگاه خود را دارد و به اوج رسیده است اما اگر امروزه بتوان به کمک معماران زنده چیره‌دست و فعال و خلاق طرحی ارائه نمود که بر اساس آن پنجره‌های ارسی با بناهای مدرن امروزی همگون گردند، شاید بتوان با ایجاد بناهایی با معماری خلاق در جهت احیای آن تلاش کرد.

منابع

۱. امرایی، مهدی. (۱۳۸۳). ارسی، پنجره‌های رو به نور، انتشارات سمت.
۲. پیرنیا، محمد کریم.
۳. (۱۳۸۴). آشنایی با معماری اسلامی ایران، سروش دانش. بروگ، اریک. (۱۳۹۵). نقوش هندسی در معماری اسلامی، ناشر یزدا.
۴. گودرزی سروش، محمد مهدی (۱۳۹۳)، پنجره ارسی چشم معماری ایران. 5. www.r30.ir 6. www.chidaneh.com



کارشناس گرافیک
مدرس گرافیک

بهروز مقدم

متولد ۱۳۵۲

قزوین

دبیر آموزش و پرورش
تخصص در تصویرسازی و طراحی
۲۳ سال سابقه به طوری که
دو نمایشگاه انفرادی تصویرسازی

محو عشق
تکنیک: جوهر و قلمو

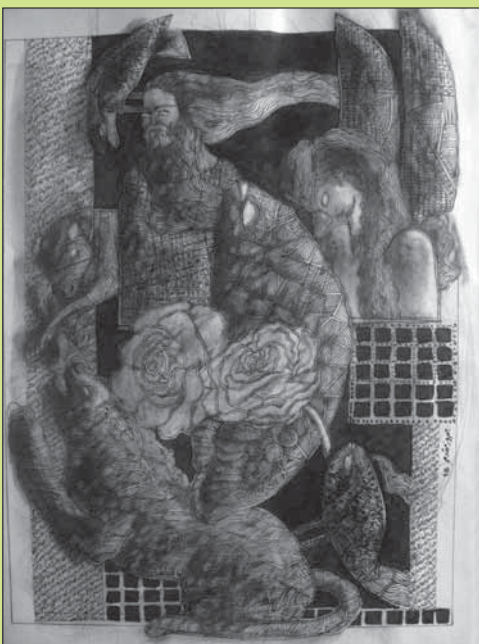


محو عشق
تکنیک: جوهر و قلمو



تناسخ روح
تکنیک: جوهر و قلمو

سوره دل
تکنیک: جوهر و قلمو



اسرار آسمان
تکنیک: جوهر و قلمو



پرتره جهان پهلوان تختی
تکنیک: رنگ روغن



مرتضی یزدانی دینانی

متولد ۱۳۵۹
اصفهان (ساکن تهران)

کارشناس ارشد نقاشی، دانشگاه تهران
نمایشگاه انفرادی نقاشی

۱۳۹۵ ریختار، گالری ماه، تهران
۱۳۹۲ حیران بازی، گالری شیرین، تهران
۱۳۸۸ گالری هما، تهران
نمایشگاه‌های گروهی

۱۳۹۵ نمایشگاه ۳۰ نما؛ کیارستمی، سینما جارسو
۱۳۹۴ نمایشگاه آبی ایرانی، موزه هنرهای معاصر اهواز

۱۳۹۴ نمایشگاه نقاشی، روند، گالری پنجره، تهران
۱۳۹۴ نمایشگاه نقاشی، بی‌نشان، گالری علیها، تهران
۱۳۹۳ نمایشگاه نقاشی، تختی، گالری شیرین، تهران

۱۳۹۲ نمایشگاه نقاشی، از اهالی امروز، فروغ فرخزاد، گالری ویستا، تهران

۱۳۹۲ نمایشگاه تصویرسازی، خانه هنرمندان، تهران
۱۳۹۱ نمایشگاه نقاشی، بازی، گالری شیرین، تهران

۱۳۹۱ نمایشگاه نقاشی، شصتمین سالگرد تأسیس هنرستان هنرهای زیبا، موزه هنرهای معاصر، تهران
۱۳۹۱ نمایشگاه نقاشی، راهروی هنرهای زیبا، خانه هنرمندان، تهران

۱۳۸۹ نمایشگاه نقاشی، گالری برگ، تهران
۱۳۸۸ نمایشگاه نقاشی، گالری تهران، تهران

۱۳۸۸ منتخب نسل نو، پردیس سینمایی ملت، تهران
۱۳۸۷ منتخب نسل نو، گالری آبی کاخ نیاوران، تهران

...

عضو پیوسته انجمن نقاشان ایران

عضو پیوسته انجمن تصویرگران ایران



از مجموعه‌ی «ریختار»
تکنیک: رنگ روغن



هنر معلم هنر بودن

پای صحبت سیده شهناز
واقفی نژاد، نقاش و دبیر هنر

یاسمن رضائیان

پدر، استاد مینیاتور و دوست استاد فرشچیان بود. مادر هنرمند و پدربزرگ هم دبیر هنر مدرسه هنرهای زیبای اصفهان بود. هنر نسل به نسل در خانواده آنها پرورش یافته است و امروز در تابلوهای خانم سیده شهناز واقفی نژاد جلوه‌گری می‌کند. دبیر هنری که علاوه بر تدریس در مدرسه، در گالری نگارستان طلوع فعالیت می‌کند و مطالعات و تجارب ارزشمندی در زمینه روان‌شناسی کودک نیز دارد.

یک صبح بهاری مهمان گالری ایشان بودیم و پای صحبت‌هایشان نشستیم.

فعالیت شما در زمینه نقاشی به صورت جدی

از چه زمانی شروع شد؟

به‌طور جدی از ۱۸ سالگی کارم را شروع کردم. همسرم مشوقم بود و همراهی‌ام می‌کرد. شروع کارم با کانون پرورش فکری بود و در آنجا به مدت هشت سال مربی هنری کودکان بودم. بعد از آن، وارد مدارس شدم و کارهای دکورسازی انجام می‌دادم و کلاس‌های خصوصی هم برپا می‌کردم. سال‌ها کار آموزش را در آموزشگاه‌ها انجام دادم تا اینکه خودم آموزشگاه زدم. ۱۴ - ۱۳ سال است که آموزشگاه دارم و چندین بار نمایشگاه انفرادی برگزار کرده‌ام.

لطفاً در مورد سبک کارتان توضیح بدهید.

سبک من بیشتر رئال و امپرسیونیسم است. طبیعت را خیلی دوست



را طراحی کار می‌کنیم. سال هفتم طراحی از مدل زنده داریم. بچه‌ها برگ می‌آورند، آن را دست می‌گیرند و از حالت‌های مختلفش طراحی می‌کنند. این کار خیلی برایشان لذت‌بخش‌تر از آن است که بخواهند از مدل آماده‌ای که معلم می‌دهد، استفاده کنند.

یک جلسه انگور می‌آورند و می‌کشند. کمی از آن می‌خورند و دوباره می‌کشند و این کار را آن‌قدر ادامه می‌دهند تا به چوب انگور می‌رسند و آن را هم می‌کشند. گاهی هم شمع به کلاس می‌برم. بچه‌ها از مراحل مختلف آن طراحی می‌کنند؛ آب شدنش را نگاه می‌کنند و مرتب طرح می‌زنند. این باعث می‌شود جو شاد و هیجان‌انگیزی در کلاس ایجاد شود.

در پایه هفتم چون دیگر این امکان را نداریم که بچه‌ها در ارتباط مستقیم با طبیعت قرار بگیرند، تصویرهایی از مناظر طبیعی مثل مناظر روستایی، گل و ساختمان‌های کهنه و قدیمی را در اختیارشان می‌گذارم و از روی آن کار می‌کنند.

در پایه نهم آناتومی بدن را کار می‌کنند و در کنار آن باز هم به طبیعت می‌پردازند. چند ماه بعد از سال، کار پاستل یا مداد رنگی را به دلخواه انجام می‌دهند. به تک‌تک آن‌ها چند مدل مختلف می‌دهم. هر کدام را بخواهند انتخاب می‌کنند و روی آن کار می‌کنند.

در نهایت، اگر بچه‌ها مایل باشند کارهایشان را به قاب‌سازی مدرسه می‌دهند تا برایشان قاب کنند.

شما همیشه از طرح‌های خاصی برای آموزش دانش‌آموزان استفاده می‌کنید؟

طرح‌هایی که به بچه‌ها می‌دهم سال‌به‌سال متفاوت است. اگر از طرحی

دارم؛ عشایر، روستاها، دهات و کوچ عشایر برایم جالب است. در نمایشگاه‌هایی که گذاشته‌ام، توریست‌ها هم از این موضوعات خیلی استقبال کرده‌اند.

اصل کارم رنگ‌روغن است اما آبرنگ، طراحی، مداد رنگی و پاستل گچی هم کار می‌کنم.

آیا برای تدریس از کتاب‌های هنر مدرسه استفاده می‌کنید؟

تا اندازه‌ای، البته روی این قضیه باید به‌طور جدی کار شود و از معلم‌هایی که در این زمینه تعلیم دیده و پرورش یافته‌اند، استفاده شود. اغلب معلم‌ها اگر سطح کار بالایی داشته باشند راضی نمی‌شوند با حقوق کارمندی در مدرسه بمانند و ترجیح می‌دهند به کار آزاد بپردازند.

با این حال شما حاضر شدید در مدرسه بمانید.

یکی از دلایلی که باعث شد در مدرسه بمانم این بود که متأسفانه محیط‌های هنری بیرون از مدارس، محیط‌های خوبی نیستند. از سوی دیگر، احساس کردم این همه استعداد در خانواده‌های مذهبی حیف می‌شود. بچه‌ها از همین جا می‌توانند زمینه مورد علاقه‌شان را پیدا کنند. پس، باید معلم متخصصی داشته باشند که آن‌ها را آموزش بدهد و راهنمایی کند.

در واقع، بچه‌ها در مدرسه همه چیز را تجربه می‌کنند؛ از این شاخه به آن شاخه می‌پرند تا متوجه می‌شوند چه چیزی را دوست دارند و راه آینده‌شان را پیدا می‌کنند.

شیوه تدریس‌تان برای دانش‌آموزان چگونه است؟

در سه پایه دوره راهنمایی، سه ماه اول سال

بچه‌ها از همین جا می‌توانند زمینه مورد علاقه‌شان را پیدا کنند. پس، باید معلم متخصصی داشته باشند که آن‌ها را آموزش بدهد و راهنمایی کند



چندین کشور بازدید کرده بودیم. آن‌ها در همهٔ زمینه‌ها به هنر اهمیت می‌دهند. فضایی به‌اندازهٔ مدرسهٔ ما دارند که بچه‌ها در آن کار سفال انجام می‌دهند یا در چنین فضایی دستگاه گذاشته‌اند و بچه‌ها با فلز کار می‌کنند. در شرایطی که بچه‌ها اغلب سرگرم موبایل و اینترنت‌اند خیلی از مادرها به من می‌گویند خوشحالیم بچه‌هایمان در خانه در اوقات فراغتشان نقاشی می‌کشند. اگر آموزش و پرورش هنر را در مدارس تقویت کند، بچه‌ها به این کار رو می‌آورند. همین خوب است که بدون هیچ وسیلهٔ خاصی و فقط با استفاده از یک دفتر و مداد سیاه طراحی کنند و آنچه را درونشان است بیرون بزنند. این برای رشد خلاقیت بچه‌ها بسیار سودمند است.

یادمان نرود پرورش خلاقیت خیلی مهم است و فقط هم منحصر به افرادی که در آینده سراغ هنر می‌روند، نمی‌شود. اگر قرار است دکتر تحویل جامعه بدهیم، یک دکتر خلاق تربیت کنیم و اگر قرار است مهندس تحویل جامعه بدهیم، یک مهندس خلاق تربیت کنیم.

نقش خانواده‌ها در پرورش خلاقیت بچه‌ها چیست؟

استقبال شود، سال بعد هم از آن استفاده می‌کنم اما اگر استقبال نشود، برای سال بعد تغییرش می‌دهم.

آیا در تدریس درس‌های دیگر هم می‌شود از هنر استفاده کرد؟

بله می‌شود. یک‌بار قرار بود در مورد فلسطین موضوعی را به بچه‌ها یاد بدهیم. من همهٔ بچه‌ها را به حیاط بردم، با گچ روی زمین نقشهٔ فلسطین را کشیدیم و خانه‌ها را مشخص کردیم. بعد بچه‌ها هر کدام داخل خانه‌ها می‌رفتند و حتی در اتاق‌ها می‌خوابیدند و نقش کودکان فلسطینی را بازی می‌کردند. این روش هم برایشان جذاب بود و هم باعث شد درس را خوب یاد بگیرند.

به نظرم همهٔ دبیران می‌توانند بخش‌هایی از درسشان را از حالت کلاسی خارج کنند و با هنرمندی، به شیوهٔ خودشان تدریس کنند.

در این میان، قدم مهمی که آموزش و پرورش باید بردارد چیست؟

لازم است آموزش و پرورش به درس هنر در مدارس اهمیت بدهد. در مدارس دولتی بچه‌ها در این درس محروم‌اند. ما از مدارس

اغلب در مدارس به بچه‌ها زیاد گفته می‌شود کاردستی درست کنند. بهتر است اولیا اجازه بدهند خود بچه‌ها این کار را انجام بدهند. مهم نیست کثیف یا پاره شود. باید آن‌ها را تشویق کنند که خودشان کار کنند

سال اول دبستان دانش‌آموزی داشتم که پدر بزرگش فوت کرده بود و او از این موضوع خیلی ناراحت بود. در مراسم تدفین حاضر شده بود و چون همه چیز را دیده بود، فکرش به هم ریخته بود. برای اینکه او را از آن حال وهوا و ذهنیت سنگین خارج کنم، پرسیدم: تو چطور به مدرسه می‌آیی؟ گفت: بعضی وقت‌ها با راننده، گاهی با سرویس و گاهی با پدرم. پرسیدم: همه از یک راه می‌آیند؟ گفت: نه، از راه‌های مختلف می‌آیند ولی همه به مدرسه می‌رسند. گفتم: ما یک بهشت داریم که فقط یک راه دارد. آن راه را هم جز خدا کسی بلد نیست. چون اگر همه بلد بودند، آدم‌های بد هم از آن راه به بهشت می‌رفتند.

بعد وصف کردم که در بهشت چه چیزهایی هست. در نهایت، گفتم یک راه زیرزمینی برای رسیدن به بهشت وجود دارد که اولش را همه می‌دانند ولی وقتی درش بسته می‌شود، دیگر کسی نمی‌داند باید کجا برود. با این توصیف، او متوجه شد که پدر بزرگش به بهشت رفته است.

بعد از صحبت‌هایمان شروع کرد به نقاشی کشیدن. در نقاشی‌اش یک سنگ قبر کشید و بالای سنگ قبر نوشت: خانم واقفی، دوست دارم. بعد روی سنگ قبر نوشت اینجا مخصوص خانم واقفی است. این برای من خیلی جالب بود؛ چون او متوجه شده بود مرگ اتفاق بدی نیست و حتی با این کار خواسته بود راه بهشت را برای کسی که دوستش دارد باز کند.

بنابراین، در موضوعات این‌چنینی و حتی مسائل دینی هم می‌توانیم از هنر قصه‌گویی استفاده کنیم تا بچه‌ها از دین زده نشوند. یادم است ایام تاسوعا و عاشورا بود و می‌خواستیم واقعه را برای دخترم که آن موقع کوچک بود، توضیح بدهم. علی‌اصغر را به گل تشبیه کردم و تمام ماجرا را با گل تعریف کردم. بعد دخترم موقعی که خواب بودم، از باغچه یک گل چید و بالای سرم گذاشت و گفت این گل علی‌اصغر است. حتی موضوعات سخت و خشن را با استفاده از هنر قصه‌گویی می‌توان به‌صورتی لطیف به بچه‌ها آموزش داد.

بگذارید نقش خانواده را با یک خاطره بگویم. یادم است در جلسه‌ای که معلم‌ها با اولیا داشتند، دبیران خود را معرفی می‌کردند. نوبت من که رسید گفتم فرق درس من با درس دبیر ریاضی این است که وقتی بچه‌هایشان به سراغ تمرین‌های ریاضی‌شان می‌روند، آن‌ها را تشویق می‌کنید اما زمانی که به سراغ کشیدن یک نقاشی می‌روند، به آن‌ها می‌گویید مگر تو درس نداری! همیشه به مادرها می‌گویم اجازه بدهید بچه‌ها به یک کار هنری علاقه‌مند شوند. می‌گویم شما که خانم هستید، اگر یک کار هنری بلد باشید کار خانه را با عشق انجام می‌دهید تا بعد از آن، بتوانید با خیال راحت سر کار هنری‌تان بروید. پس بگذارید بچه‌ها هم برای درس خواندن انگیزه داشته باشند و بدانند بعد از انجام دادن کارهای درسی‌شان می‌توانند به هنری که دوست دارند بپردازند.

از شاگردانتان کسانی بوده‌اند که به نقاشی علاقه‌مند شده و این راه را ادامه داده باشند؟

بله، شاگردانی دارم که این کار را ادامه داده‌اند و نمایشگاه هم برگزار می‌کنند. یکی از شاگردانم خودش از طبیعت عکاسی می‌کند و از عکس‌هایش نقاشی می‌کشد. حتی دانش‌آموزانی داشته‌ام که پس از دوران مدرسه دوباره به من سر زده‌اند و گفته‌اند آن روزها چقدر خوب بود و دوست دارند اگر شرایطش فراهم باشد، دوباره به این کار برگردند. بعضی از آن‌ها نقاشی‌های دوران مدرسه‌شان را برای من می‌آورند و می‌گویند هنوز کارهایشان را نگه داشته‌اند و حالا می‌خواهند به آموزشگاه بیایند و نقاشی را از سر بگیرند.

گاهی هم پیغام‌ها و نامه‌هایی از بچه‌ها به دستم می‌رسد که می‌گویند بهترین دورانی که ما در مدرسه داشتیم با شما بود.

شما در زمینه روان‌شناسی کودک هم مطالعاتی دارید. آیا این درست است که بعضی از والدین بچه‌ها را از سنین قبل از دبستان در کلاس‌های نقاشی ثبت‌نام می‌کنند؟ خیر، این کار غلط است. به خود من هم



طرح روی جلد دفترها کپی رنگی از کارت‌پستال‌هایی است که خودم کار کرده‌ام. این دفترها را در مدرسه به‌عنوان جایزه به بچه‌ها می‌دهیم و بچه‌ها در آن‌ها طراحی می‌کنند. در نهایت، این دفتر برایشان یادگاری باقی می‌ماند و یاد این روزها را زنده می‌کند.



همین، باید شرایطی برای کودک فراهم کنیم که بدون دغدغه‌های این‌چنینی به کارش بپردازد.

❁ شایه کار با بچه‌های دبستانی چگونه است؟

بچه‌های اول و دوم دبستان وابستگی زیادی به خانه دارند. بنابراین، باید از موضوعات داخل خانه برای آن‌ها استفاده کرد.

یک ساعت و نیم نشستن در کلاس برای بچه زیاد و خسته‌کننده است. برای همین، من از قصه‌گویی استفاده می‌کنم. وقتی قصه می‌گویم می‌بینم بچه‌ها به وجد می‌آیند. یک‌دفعه دست به رنگ‌هایشان می‌برند تا گوشه‌ای از قصه را بکشند. من هم متوجه می‌شوم چه زمانی باید قصه‌ام را تمام کنم.

بعد از اینکه قصه تمام می‌شود، می‌گویم حالا هر جای داستان را دوست دارید بکشید. گاهی یکی از بچه‌ها می‌گوید: خانم، من هیچ‌جای داستان را دوست نداشتم. می‌گویم اشکالی ندارد، هر چه خودت دوست داری بکش. حتی در این مورد هم نباید کودک را مجبور کرد. از دوم دبستان به بعد کم‌کم موضوعات حرکت‌دار و اجتماعی می‌شوند. مثلاً شخصیت قصه در مسابقه طناب‌کشی شرکت می‌کند یا دارد از درخت بالا می‌رود. تعداد افراد در داستان هم بیشتر می‌شود و به‌طور غیرمستقیم به بچه نشان داده می‌شود که چطور صحنه‌ها را پشت سر هم بکشد.

❁ با توجه به این صحبت‌ها، اصول نقاشی را چطور به کودک یاد می‌دهید؟

آموزش رنگ‌های اصلی یکی از مسائل پایه‌ای نقاشی است. وقتی می‌خواهیم رنگ را یاد بدهیم، لازم نیست بگوییم این رنگ سرد است و این رنگ گرم. این را باید با داستان گفت. مثلاً می‌گویم: یک روز مینا کوچولو تصمیم می‌گیرد به پارک برود و نقاشی بکشد.

پیشنهاد داده بودند که تدریس خصوصی برای بچه‌ها داشته باشم اما قبول نکردم. درست نیست که به بچه چهارساله بگویید بیا سر کلاس بنشین. الان معلم می‌آید و مثلاً یک ساعت و نیم او را در کلاس بنشانید. کودک هر موقع دوست دارد باید سر کار بنشیند و نباید اجباری بالای سرش باشد.

❁ گاهی مادرها در مورد نقاشی کودکانشان نظر می‌دهند و مثلاً می‌گویند گل را این‌طوری بکش. آیا این هدایت ذهن درست است؟

وقتی کودک یک خانه می‌کشد و کنارش آدمی نقاشی می‌کند که از خانه بزرگ‌تر است، نباید به او بگوییم این آدم در این خانه جا نمی‌شود. به‌هیچ‌عنوان نباید در نقاشی کشیدنش دخالت کنیم. بچه‌ها در اصل نقاشی نمی‌کشند؛ درونشان را بیرون می‌ریزند. وظیفه مادر یا مربی هم فقط این است فضایی ایجاد کند تا کودک بتواند آنچه را که درونش است بکشد. شاگردی داشتم که در نقاشی‌هایش مادرش را خیلی بزرگ می‌کشید و پدرش را خیلی کوچک. بعدها متوجه شدم که پدرش جانباز است و همه کارها به عهده مادر است. در واقع، نقش پررنگ‌تر مادر می‌شد که کودک باعث شده او را بزرگ‌تر از پدر ببیند.

نکته دیگری هم در این زمینه مطرح است. اگر یک کلام من مادر یا مربی به کودک بگویم مواظب باش لباس کثیف نشود، او دیگر نگران این است که لباسش کثیف نشود و نمی‌تواند کارش را انجام بدهد. برای

معلم هنر بودن در مدرسه یک هنر است. این مهم است که شما چطور به بچه‌ها انگیزه بدهید و آن‌ها را سر ذوق بیاورید



در راه جعبه مداد رنگی هایش باز می شود اما متوجه نمی شود. زمانی که به پارک می رسد، می بیند همه مداد رنگی هایش ریخته و فقط سه تا از آنها در جعبه مانده است؛ زرد و قرمز و آبی. مینا ناراحت می شود اما مادرش به او می گوید: «شکالی ندارد با همین سه رنگ نقاشی ات را بکش.»

این سه رنگ، رنگ های اصلی هستند اما این را به کودک نمی گوئیم. همه در کلاس رنگ های دیگرشان را پنهان می کنند و آن سه تایی را که مینا داشته روی میز می گذارند و با همان ها نقاشی می کنند. بعضی موقع ها بچه ها می گویند: خانم، این رنگ را با این یکی قاطی کردم؛ این شد. از همین جا ذهن کودک کم کم متوجه موضوع رنگ های اصلی و ترکیب آنها می شود.

نکته بسیار مهم در زمینه رنگ آمیزی این است که به کودک نکوئیم تنه درخت قهوه ای ست و آسمان آبی. آسمان می تواند زرد یا سبز باشد. کودک باید چیزی را که دوست دارد نقاشی کند؛ نه آنچه را که می بیند.



محمدعلی اشرفی

بنا و کتیبه‌های باغ نگارستان

گردید. به سال ۱۳۰۷ خورشیدی باغ نگارستان به‌عنوان محل دائمی دارالمعلمین عالی در نظر گرفته شد و در سال ۱۳۱۱ خورشیدی به دانشسرای عالی تغییر نام داد.

در طول بیش از نیم‌قرن، تعداد زیادی از شخصیت‌های علمی، ادبی و هنری کشور چون ملک‌الشعرا بهار، کاظم عصار، علی‌اکبر دهخدا، بدیع‌الزمان فروزانفر، پروین اعتصامی، علی‌نقی وزیری، جلال‌الدین همایی، سعید نفیسی، محمود حسایی، ابراهیم پورداوود، غلامحسین صدیقی، پرویز خانلری، محمد معین، محمدابراهیم باستانی پاریزی، و علی‌محمد کاردان در این مجموعه تاریخی تحصیل و تدریس علم کرده‌اند. با تصویب قانون تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ خورشیدی در مجلس شورای ملی، بخشی از کلاس‌های درس دانشگاه تهران در این مجموعه دایر شد و از سال ۱۳۲۵ به بعد، برخی از دانشکده‌ها و مؤسسات به محل امروزی دانشگاه تهران منتقل شدند. از سال ۱۳۳۵ این بنای عظیم به مؤسسه لغت‌نامه‌دهخدا، مؤسسه جغرافیا، مؤسسه زبان‌های خارجی و کلاس‌های عمومی

یکی از مکان‌های دیدنی تهران باغ نگارستان است که به خاطر ویژگی‌های منحصربه‌فردش هنوز شور و شوق زندگی در آن جریان دارد. این مجموعه دیدنی سرگذشت‌نامه‌ای سیاسی، آموزشی و تربیتی را در دل خود نهان داشته و اکنون به بنایی تاریخی با کارکرد فرهنگی و تفریحی تبدیل شده است. امروز این بنا را با نام باغ نگارستان می‌شناسیم ولی در اصل «این مجموعه بخشی از قصر و باغ نگارستان دوره فتحعلی‌شاه قاجار است که با هدف ایجاد یک مرکز بیلاقی-حکومتی در خارج از دارالخلافه تهران ساخته شده بود. علت نام‌گذاری این مجموعه به «باغ نگارستان» وجود نقاشی‌ها و نگاره‌های متعدد از فتحعلی‌شاه و درباریان او در ساختمان‌های مختلف بوده است. اگرچه امروز اثری از بناهای آن قصر بر جای نمانده اما هنوز بدین نام شهره است.

در سال ۱۲۸۴ ه. ق. با اجرای طرح توسعه شهری ناصرالدین‌شاه، باغ نگارستان وارد محدوده شهر تهران شد. در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه، نخستین مدرسه فلاح و مدرسه صنایع مستظرفه در این محل تأسیس



بودن زندگی را در هم‌نشینی بناهای آجری و فضای زنده و پویای باغ احساس می‌کند. تندیس فردوسی به‌عنوان نماد زبان فارسی در مرکز این بنا قرار گرفته است. این بنا دارای بهترین و کیفی‌ترین کتیبه‌های خوشنویسی اثر محمدحسین خان عمادالسیفی ملقب به عمادالکتاب (ف: ۱۳۱۵ ه. ش) می‌باشد. این کتیبه‌ها به لحاظ کرسی‌بندی و نوع نگارش به‌گونه‌ای هستند که بیننده‌ی اهل فن می‌تواند از فاصله‌ی دور آن‌ها را در کمال زیبایی تماشا کند. لازم است در اینجا از اهتمام زنده‌یاد دکتر حسن حبیبی نیز در بازسازی هنرمندانه و بر مبنای اصالت این بنا یاد کنیم. اگر پیشگامی مرحوم دکتر روح‌الامینی برای بقای این بنا و حمایت دکتر حسن حبیبی - که خود از دانش‌آموختگان دانشسرای عالی بوده است - نبود، شاید این باغ به پارکینگ بزرگی برای سازمان برنامه‌بودجه تبدیل شده بود. نماهای درونی و نماهای بیرونی بناهای باغ نگارستان در قالب چینش هنرمندانه‌ی آجرها برای بیننده آرامشی مثال‌زدنی به ارمغان می‌آورند که حاصل تلفیق مصالح و فرم زیبایی آن‌هاست.

دانشکده‌ی ادبیات اختصاص یافت و در سال ۱۳۳۷ خورشیدی به همت دکتر غلامحسین صدیقی به مؤسسه‌ی تحقیقات علوم اجتماعی و تعاون واگذار گردید.

پس از انتقال دانشکده‌ی علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران به محل امروزی خود، این مجموعه برای راه‌اندازی موزه‌ی تاریخ و مفاخر دانشگاه تهران در نظر گرفته شد» (بروشور باغ نگارستان).

در دهه‌ی ۱۳۵۰ دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران به این مکان انتقال یافت و استادان بزرگی چون زنده‌یادان دکتر محمود روح‌الامینی، دکتر طبیبی، دکتر یوسفی، دکتر جلالی، دکتر منصورفر و سایر استادان در آنجا به تربیت دانشجویان پرداختند. سبک معماری و تلفیق فضای آن با باغ‌آرایی و گل‌آرایی مجموعه برای دانشجویان جامعه‌شناسی آن دوره بسیار خوشایند و دلنشین بود. دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی هنوز وقت خود را با یادآوری خاطرات آن فضای زیبا خوش می‌کنند. در حال حاضر نیز هر بیننده‌ی که وارد مجموعه می‌شود، جاری



دانشگاه تهران

• در سال ۱۲۹۷ ه. ش / ۱۳۳۷ م. ق مصادف با دوره احمدشاه و به زمان وزارت میرزا احمدخان نصیرالدوله بدر مدرسه‌ای به نام دارالمعلمین مرکزی، در خیابان نادری اول کوچه نوبهار افتتاح شد.

• این مدرسه که تنها دو کلاس داشت و ریاست و نظامت آن با میرزا ابوالحسن خان فروغی و میرزا اسماعیل خان مرآت بود، به تربیت معلم برای آموزش در مدارس ابتدایی و دبیرستان می‌پرداخت.

• چندی بعد، به دلیل گسترش جمعیت دارالمعلمین و کوچکی فضا، مکان مدرسه به ساختمان شرکت فرهنگ در خیابان تخت زمر، کوچه سمیم‌الملک و سپس به خانه قوام‌الدوله نبش خیابان فرمانفرما منتقل شد.

• اما پس از مدتی، میرزا ابراهیم‌خان حکیم‌الملک (وزیر علوم) به تأسیس مرکز دارالمعلمین اقدام کرد و چون برای انجام این امر، سرمایه و مکان در اختیار نداشت، به دلیل بودجه اندک وزارت‌خانه، به ساخت تالاری در مدرسه دارالفنون، به‌عنوان محل موقت دارالمعلمین پرداخت اما امتحانات نهایی مدرسه را به تاریخ ۱۳۰۷ ه. ش / ۱۳۴۷ م. ق در دو تالار بزرگ باغ نگارستان برگزار نمود.

• تا اینکه میرزا یحیی‌خان اعتمادالدوله قراگوزلو (وزیر معارف) تصمیم گرفت از باغ نگارستان برای محل دارالمعلمین استفاده کند و از این‌رو در صدد تجدید ابنیه باغ



گویی بازسازی دوباره این بنای ارزشمند که توسط سازمان زیباسازی شهرداری تهران همچنان ادامه دارد، یک بار دیگر روح بزرگانی را که در این مکان به تحصیل و تدریس اشتغال داشته‌اند زنده می‌کند. لازم به ذکر است در باغ نگارستان که در حال حاضر بخشی از آن را موزه کمال‌الملک تشکیل می‌دهد، گاه‌شماری ذکر شده که مزید اطلاع خوانندگان گرامی آن را ذکر می‌کنیم:

گاه‌شمار تأسیس و تحولات تاریخی دانشسرای عالی تا زمان پیوستن به



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد پسران برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد جوانان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

• رشد آموزش ابتدایی • رشد تکنولوژی آموزش

• رشد مدرسه فردا • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش • رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

• تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

• وبگاه: www.roshdmag.ir

برآمد. به این ترتیب، ۲۵ هزار مترمربع از اراضی شمالی باغ نگارستان که در حوالی زمین‌های مدرسه متوسطه علمی قرار داشت به مدرسه دارالمعلمین مرکزی واگذار گردید و این مرکز با تخریب عمارت‌های معروف قاجاری، ساختمان مفصل با زیربنایی معادل ۲۳۳۵ مترمربع احداث کرد که نقشه آن را به پیشنهاد دکتر عیسی صدیق (رئیس تعلیمات عمومی) - مهندس مارکوف روسی طراحی نموده بود.

• طبق اساسنامه مصوب ۲۱ آذر ۱۳۰۸ ه. ش این مدرسه که دارالمعلمین عالی نام داشت، به دو شعبه علمی و ادبی تقسیم می‌شد و بدین خاطر که ۱۸۰ دانشجو و ۱۶ استاد (هشت ایرانی و هشت فرانسوی) در این مرکز، مشغول تدریس و تعلیم بودند، در بخش شمالی باغ، ساختمانی ۱۲ اتاقه برای سکونت معلمان فرانسوی و در بخش جنوبی باغ، عمارتی سه طبقه مشتمل بر اتاق‌های خواب، حمام، روشویی و غذاخوری برای استفاده شاگردان شبانه‌روزی بنا گردید.

• در سال ۱۳۱۰ ه. ش دارالمعلمین عالی با سازماندهی مجدد، وضع قوانین جدید و شروع کارهای فوق برنامه، به شکل یک مؤسسه نوین تعلیمات عالییه درآمد که ریاست آن را دکتر عیسی صدیق و مدیریت داخلی آن را نیز میرزا حسن خان فرزاد برعهده داشت.

• در تیرماه ۱۳۱۱ ه. ش با درخواست دکتر عیسی صدیق مدرسه علمییه، بنای خود را به دارالمعلمین عالی واگذار نمود و به این ترتیب، به تعداد ساختمان‌های عمارت افزوده گردید. • در اسفندماه ۱۳۱۲ ه. ش نام دارالمعلمین عالی به دانشسرای عالی تغییر یافت.

• به دنبال تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ ه. ش، دانشسرای عالی با پیوستن به دانشگاه تهران پذیرای دو دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه تهران گردید.

دیدن و لذت بردن از معماری و شناخت نوع مصالح و همچنین مشاهده و ملاحظه کتیبه‌های ارزشمند باغ نگارستان برای اهل هنر به‌ویژه دانشجویان، دبیران و مدرسان هنر فرصت گران‌قدری است. به علاوه، این مکان با توجه به فضای پرتراوت آن فرصتی مناسب را برای گردش‌های هنری دانش‌آموزان فراهم می‌آورد.



اقتصاد مقاومتی: تولید و اشتغال

رشد برای رشد

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۲۳۳۰۸۸۴۹۰ لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد: ♦ میزان تحصیلات:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

استان: ♦ شهرستان:

خیابان:

پلاک: ♦ شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

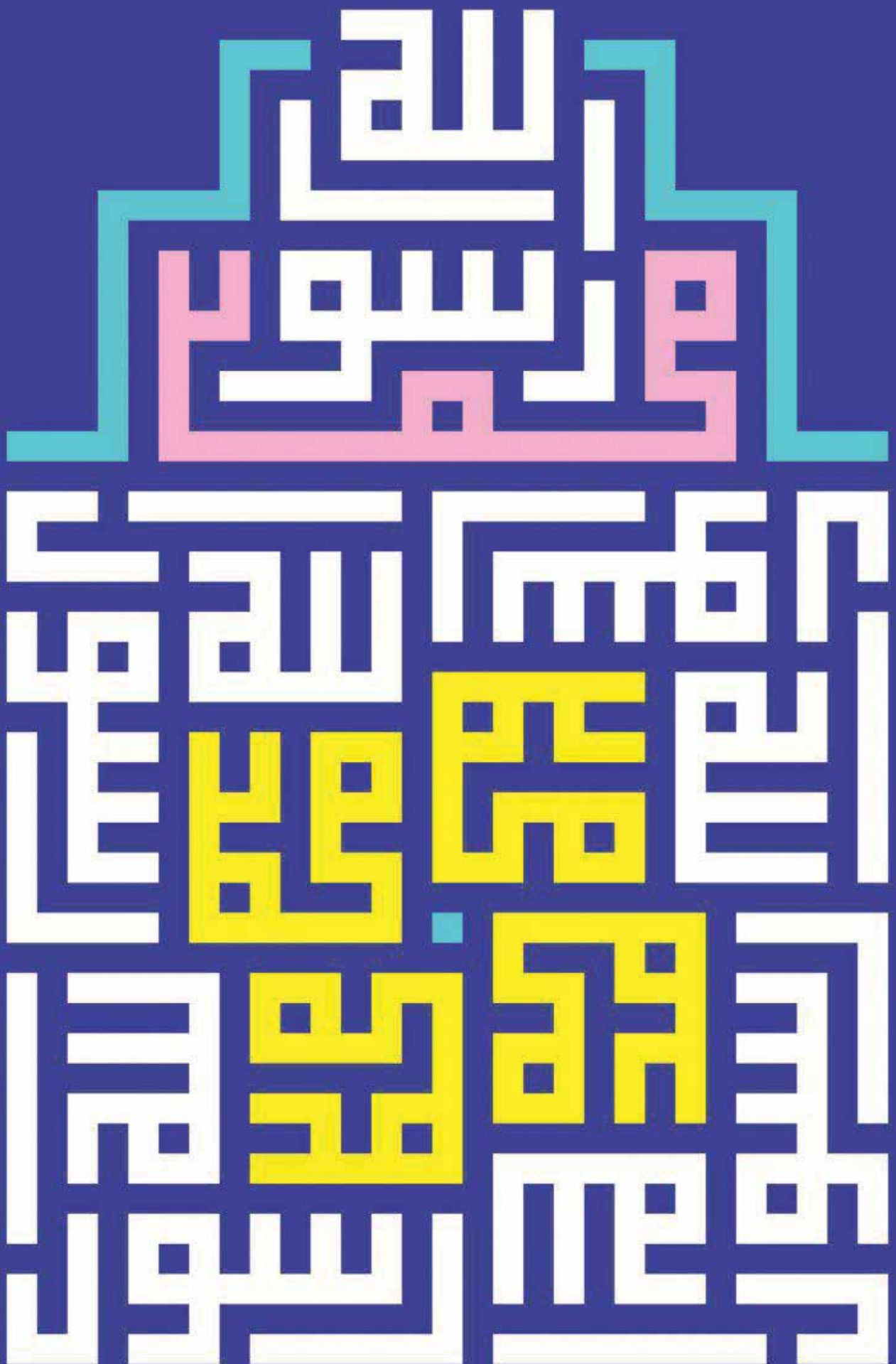
امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵

♦ تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

- ♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال
- ♦ هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال





طراحی از اوژن فلاندن در دوره قاجار

برج طغول

برج طغول در شهری از آثار به‌جامانده از دوره سلجوقیان است. این برج با بیش از ۴۸ مترمربع مساحت و در حدود ۲۰ متر ارتفاع با اسکلتی خشتی و آجری به‌صورت استوانه‌ای افراشته، خودنمایی می‌کند و نمای داخلی آن به‌صورت استوانه است. درباره اینکه این بنا، محل دفن چه کسی است، در میان مورخان اتفاق نظر وجود ندارد.

در ضلع شمالی و جنوبی برج، دو سردر با معماری طرح رازی وجود دارد. تقریباً تا ارتفاع ۴ متری برج، دیوارها به‌صورت توپیر با قطر حدود ۱٫۵ متر تشکیل شده‌اند. دیوارهای بلندتر از ۴ متر به‌صورت توخالی ساخته شده‌اند. وسط برج پلکانی وجود دارد که در آن در همان ارتفاع در ضلع شمالی بنا خودنمایی می‌کند و ربط بین قسمت‌های تحتانی و فوقانی برج است.

درها و قوس‌های رازی فشار فوق‌العاده‌ای را تحمل می‌کنند. توخالی بودن دیوارهای فوقانی به استحکام بنا کمک می‌کند و جنس خشت به‌کاررفته در برج که از زاج و خاک و سفیده تخم‌مرغ است، بر استحکام آن‌ها می‌افزاید. منوچهر آرین در مقاله «نگاه دیگری به برج‌ها» می‌گوید: «اتلاق واژه برج به این بنا و بناهای مشابه به‌این علت است که گذشتگان با مشاهده سایه‌ها بر روی بنا و دریچه‌های گذر نور خورشید که روی آن‌ها تعبیه شده، پی به برجی که خورشید در آن غوطه‌ور می‌شدند؛ زیرا در هر برجی خورشید ارتفاع خاصی در آسمان نسبت به افق دارد. از کاربردهای این برج این موارد را برشمرده‌اند: محلی برای روشن کردن آتش در بالای آن به جهت هدایت مسافران راه ابریشم، محل سخنرانی با توجه به اکوی صدا و معروف‌تر از همه ساعت آفتابی».



بی‌نظیرترین ساعت آفتابی دنیا

ویژگی منحصربه‌فرد این بنا، ساعت آفتابی است که در دل کنگره‌های آن پنهان شده است. از نمای بیرونی، حول این برج ۲۴ کنگره با زاویه حاده جلوه‌گر شده است که اگر روبه‌روی درگاه آن بایستید، گویی شیری با دهانی باز به شما می‌نگرد. هنگام طلوع آفتاب در جانب شرق بنا، کم‌کم یکی از کنگره‌ها روشن می‌شود و آفتاب به درون آن می‌تابد. وقتی نیم ساعت از طلوع آفتاب می‌گذرد، نصف کنگره روشن می‌شود. یک ساعت پس از طلوع خورشید، یک کنگره به‌طور کامل، دو ساعت بعد، دو کنگره و سه ساعت بعد سه کنگره روشن می‌شود تا به لحظه‌ای برسیم که خورشید روی نصف‌النهار منطقه قرار می‌گیرد؛ یعنی بیشترین ارتفاع خود را از افق دارد. در این هنگام، خورشید درست در بالای سر در جنوبی برج قرار می‌گیرد؛ چراکه درهای برج کاملاً شمالی جنوبی هستند و روی نصف‌النهار قرار دارند. در این هنگام، سایه تیغه‌ای که بالای سردر ورودی است، درست بالای تبری ضریبی‌گونه سردر قرار می‌گیرد و حکایت از لحظه اذان ظهر می‌کند. در زمستان که ارتفاع خورشید کمتر است، در لحظه ظهر، خورشید از در جنوبی درست به وسط برج می‌تابد. وقتی خورشید از لحظه ظهر به‌جانب غرب گرایش می‌یابد، کنگره‌های جانب غرب شروع به روشن شدن می‌کنند. وقتی نیم ساعت از لحظه ظهر می‌گذرد، نیمی از کنگره از جانب غرب روشن می‌شود و وقتی یک ساعت می‌گذرد، یکی از کنگره‌ها و ... و همین‌گونه پیش می‌رود تا خورشید غروب کند. پس، از روی کنگره‌های این برج و روشن شدن آن‌ها توسط خورشید می‌توان گذشت زمان را از لحظه طلوع آفتاب، لحظه ظهر، و گذشت زمان از لحظه ظهر را محاسبه و تعیین کرد.